

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

طرح پژوهشی

بررسی و تبیین مفاهیم، مسائل، و رهنمودهای

اخلاق پژوهش در فضای مجازی

مجری

علیرضا ثقه‌الاسلامی

دی ۱۳۹۵

حق نشر

حقوق: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

طرح «بررسی و تبیین مفاهیم، مسائل، و رهنمودهای اخلاق پژوهش در فضای مجازی» پیرو قرارداد شماره ۳۳/۵۱۹۳ مورخ ۱۳۹۵/۵/۵ میان پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (کارفرما) و دکتر علیرضا ثقه‌الاسلامی (مجری) اجرا شده است. گزارش حاضر از مستندات این طرح است.

این گزارش و تمامی حقوق مادی آن بر اساس «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب سال ۱۳۴۸ و اصلاحیه‌های بعدی آن و همچنین آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون متعلق به پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران است و هر گونه استفاده از تمامی یا پاره‌ای از آن، شامل: نقل قول، تکثیر، انتشار، کاربرد نتایج، تکمیل و مانند آنها به صورت چاپی، الکترونیکی یا وسایل دیگر فقط با اجازه کتبی پژوهشگاه امکان‌پذیر است. نقل قول در حد هزار واژه در انتشارات علمی مانند کتاب و مقاله با درج اطلاعات کامل کتابشناختی، نیازی به مجوز پژوهشگاه ندارد.

صحت مندرجات گزارش برعهده مجری طرح است.

برنام خدا

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران



شماره: ۳۳/۱۲۵۲۸

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۰۷

پیوست: ندارد

پژوهش - مدیریت دانش - آموزش

گواهی

انجام طرح پژوهشی با مشخصات زیر:

- ◇ عنوان: بررسی و تبیین مفاهیم، مسائل، و رهنمودهای اخلاق پژوهش در فضای مجازی
- ◇ مجری: دکتر علیرضا ثقه الاسلامی
- ◇ همکار(ان): -

◇ شماره قرارداد: ۳۳/۵۱۹۳:۵

◇ تاریخ قرارداد: ۱۳۹۵/۵/۵

◇ تاریخ شروع: ۱۳۹۵/۵/۵

◇ تاریخ پایان: ۱۳۹۵/۱۰/۶

◇ ناظران: دکتر محسن جوادی

در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران گواهی می‌شود. گزارش نهایی این طرح به تأیید ناظر طرح رسیده و در نشست ۲۲۹ (تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۷) به تصویب شورای پژوهشی پژوهشگاه رسیده است. لازم می‌دانم مراتب قدردانی خود را به مجری و ناظر این طرح تقدیم دارم.

با سپاس
بهزاد دوران
معاون پژوهش

بررسی و تبیین مفاهیم، مسائل، و رهنمودهای اخلاق پژوهش در فضای مجازی

مدیر طرح پژوهشی: علیرضا ثقه‌الاسلامی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

نشانی: تهران - خیابان انقلاب - تقاطع فلسطین - شماره ۱۰۹۰.

صندوق پستی: ۱۳۱۸۵ - ۱۳۷۱

وبگاه: <http://irandoc.ac.ir>

رایانامه: seghatoleslami@irandoc.ac.ir

چکیده

گسترش فضای مجازی و استفاده از اینترنت به عنوان یک آزمایشگاه تحقیقاتی جهان‌گستر و رسانه‌ای در خدمت فعالیت‌های پژوهشی، موجب پیدایش موضوعات و مسائل اخلاقی نوظهور و متعددی گردیده است. در روزهای آغازین به‌کارگیری اینترنت برای تحقق اهداف پژوهشی به نظر می‌رسید که روش‌شناسی‌های پژوهشی سنتی و روش‌های تحقیق مورد استفاده برای پیش‌برد تحقیقات در محیط‌های فیزیکی، برای تحقق اهداف پژوهشی در تعامل‌های مرتبط با فضای مجازی نیز به‌طور کم‌ویش یکسانی قابل استفاده است. اما به تدریج پژوهندگان دریافتند که چالش‌ها و مسائل مطرح در پژوهش‌های اینترنتی، از نظر کیفی بعضاً متفاوت از چالش‌ها و مسائل پژوهش در جهان فیزیکی است. اخلاق پژوهش اینترنتی¹ به عنوان زیرشاخه‌ای از اخلاق کاربردی شناخته می‌شود که می‌توان آن را محل تلاقی اخلاق پژوهش و اخلاق (فناوری) اطلاعات تلقی کرد. هدف این حوزه مطالعاتی، بررسی و به‌کارگیری ملاحظات اخلاقی برای انجام فعالیت‌های پژوهشی، خصوصاً با تمرکز بر سوژه‌های انسانی پژوهیدنی، در فضای مجازی است. در این طرح پژوهشی به گردآوری، تجزیه و تحلیل آراء و نظرات محققان و مؤسسات پژوهشی و هم‌چنین مسائل و موضوعات اخلاقی مطرح در حوزه اخلاق پژوهش در فضای مجازی پرداخته می‌شود. بر این اساس، شناسایی و ارزیابی مبانی، مفاهیم و نظریه‌های شاخص در این حوزه مطالعاتی؛ تهیه و تدوین فهرستی از مسائل، چالش‌ها و موضوعات اخلاقی مطرح در آن؛ و ارائه چارچوب مفهومی مناسبی برای رشد و توسعه اخلاق پژوهش در فضای مجازی را می‌توان از دستاوردهای این پژوهش برشمرد. این طرح تحت رویکردی توصیفی، در چارچوب پژوهش‌های مستند و مبتنی بر روش تحلیل کیفی است. در چارچوب این روش تلاش می‌شود با مراجعه به منابع و مراجع تخصصی، اصیل و روزآمد، به بررسی و تبیین مفاهیم، مسائل، و معرفی رهنمودهای متعدد اخلاق پژوهش در فضای مجازی پرداخته گردد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق پژوهش اینترنتی؛ حریم خصوصی؛ جذب مشارکت‌کنندگان؛ رضایت آگاهانه؛ سوژه‌های انسانی پژوهیدنی؛ گمنامی؛ مالکیت داده‌ها.

¹ Internet Research Ethics: IRE

سپاس‌گزاری

انجام و تحقق این طرح بدون همراهی و همدلی جناب آقای دکتر علیدوستی، جناب آقای دکتر دوران و دیگر اعضای محترم شورای پژوهش، نظارت، ارزیابی و پیشنهادهای نقّادانه جناب آقای دکتر محسن جوادی، و پیگیری‌های سرکار خانم دین‌محمدی امکان‌پذیر نبوده است. از این رو، از لطف کریمانه آنان سپاس‌گزارم و نیک‌روزی و نیک‌وورزی را برای ایشان آرزمندم.

فهرست مطالب

ت	حق نشر
ب	چکیده
ت	سپاس‌گزاری
ث	فهرست مطالب
ح	فهرست تصویرها
خ	فهرست جدول‌ها
د	پیشگفتار
۱	۱. فصل نخست: کلیات پژوهش
۲	۱-۱. مقدمه
۵	۱-۲. بیان مسئله
۶	۱-۳. اهداف پژوهش
۶	۱-۴. پرسش‌های پژوهش
۷	۱-۵. روش‌شناسی پژوهش
۸	۱-۶. تعریف مفاهیم
۱۰	۲. فصل دوم: درآمدی بر اخلاق پژوهش
۱۱	۲-۱. معرفی اخلاق پژوهش
۱۴	۲-۲. ابعاد تصمیم‌گیری در اخلاق پژوهش
۲۹	۲-۳. اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی

۳۲	۳. فصل سوم: از پژوهش اینترنتی تا اخلاق پژوهش اینترنتی
۳۴	۱-۳. پژوهش از طریق اینترنت
۳۶	۲-۳. پژوهش اینترنتی؛ محل تلاقی جهان‌های واقعی، مجازی و تکنیکی
۴۲	۳-۳. توسعه مفهومی پژوهش‌های اینترنتی
۴۸	۴. فصل چهارم: اخلاق پژوهش در فضای مجازی
۵۰	۱-۴. تعریف اخلاق پژوهش اینترنتی
۵۷	۲-۴. تحولی در سوژه‌های انسانی پژوهیدنی
۶۳	۳-۴. رشد و گسترش اخلاق پژوهش در فضای مجازی
۷۰	۵. فصل پنجم: برخی مسائل و موضوعات اخلاق پژوهش در فضای مجازی
۷۲	۱-۵. صحت داده‌ها
۷۷	۲-۵. رضایت آگاهانه
۸۰	۳-۵. مالکیت داده‌ها
۸۳	۴-۵. سرقت داده‌های علمی
۸۵	۵-۵. حریم خصوصی و محرمانگی
۹۰	۶-۵. گمنامی و ناشناختگی
۹۵	۷-۵. جذب مشارکت کنندگان
۹۷	۸-۵. چالش کلان داده‌ها
۱۰۲	۶. فصل ششم: بحث و نتیجه‌گیری
۱۰۳	۱-۶. بحث و بررسی
۱۰۸	۲-۶. نتیجه‌گیری
۱۱۱	۳-۶. چشم‌اندازی برای اخلاق پژوهش اینترنتی
۱۱۵	پیوست الف: رهنمودهای اخلاق پژوهش اینترنتی انجمن پژوهندگان اینترنتی
۱۳۴	پیوست ب: منشور اخلاق پژوهش اینترنتی دانشگاه‌های ایالتی پنسیلوانیا و جورجیا
۱۴۰	منابع و مراجع

فهرست تصویرها

- تصویر ۱-۲: ابعاد تشکیل دهنده تصمیم‌گیری اخلاقی در اخلاق پژوهش ۱۵
- تصویر ۲-۲: فرآیند هفت مرحله‌ای تصمیم‌گیری اخلاقی ۳۱
- تصویر ۱-۳: اثر متقابل جهان‌های واقعی، مجازی و تکنیکی در پژوهش‌های اینترنتی ۳۸
- تصویر ۲-۳: محل تقاطع جهان واقعی و جهان تکنیکی؛ اینترنت به مثابه ابزار پژوهش ۳۹
- تصویر ۳-۳: محل تقاطع جهان مجازی و جهان تکنیکی؛ اینترنت به مثابه محیط پژوهش ۴۰
- تصویر ۴-۳: محل تقاطع جهان واقعی، جهان مجازی و جهان تکنیکی؛ اینترنت به مثابه ابزار و محیط پژوهش ۴۲
- تصویر ۵-۳: اخلاق پژوهش اینترنتی؛ وجه اشتراک جهان‌های واقعی، مجازی و تکنیکی در پژوهش‌های اینترنتی ۴۵
- تصویر ۱-۴: پژوهش اینترنتی با تفکیک میان اینترنت به عنوان ابزار و اینترنت به عنوان محیط ۵۱
- تصویر ۲-۴: پژوهش اینترنتی با تفکیک میان غیروابسته به وب و وابسته به وب ۵۲
- تصویر ۳-۴: موقعیت‌یابی سوژه‌های انسانی در پژوهش‌های اینترنتی ۵۹
- تصویر ۴-۴: سوژه‌های پژوهیدنی در پژوهش‌های اینترنتی ۶۱
- تصویر ۱-۵: برخی از مسائل و موضوعات اخلاقی مطرح در پژوهش اینترنتی ۷۰

فهرست جدول‌ها

۹۷

جدول ۶-۱: مسائل و زمینه‌های اخلاقی در پژوهش‌های اینترنتی

پیشگفتار

در پژوهش‌های اینترنتی، اینترنت به عنوان پدیده، ابزار و همچنین محیطی (یا زمینه‌ای) اجتماعی برای فعالیت‌های پژوهشی در نظر گرفته می‌شود. منوط به نقشی که اینترنت در پروژه‌های تحقیقاتی بازی می‌کند و یا با توجه به مفهوم‌سازی آن توسط پژوهندگان، این پدیده از ملاحظات معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و اخلاقی متفاوتی برخوردار است. اصطلاح «اینترنت» اصالتاً شبکه‌ای از رایانه‌هایی را توصیف می‌کند که انتقال اطلاعات غیرمتمرکز را ممکن می‌سازد. امروزه، این اصطلاح همچون چتری بر فراز فناوری‌ها، ابزارها، ظرفیت‌ها، کاربردها، و فضاها، اجتماعی بی‌شماری گسترده شده است. به همراه این فناوری‌ها، مسائل اخلاقی و روش‌شناختی بسیاری رخ می‌دهند که به معنای دقیق کلمه، مدل‌های جدیدی از ارزیابی و ملاحظات اخلاقی را برای پژوهش‌های اینترنتی ضروری می‌نمایند.

از این رو، شناخت و بررسی مفاهیم، تجزیه و تحلیل مسائل اخلاقی و به کارگیری اصول و رهنمودهای اخلاق پژوهش در تحقیقات مبتنی بر فضای مجازی، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. امروزه کمتر پژوهشی را می‌توان یافت که به نحوی تحت تأثیر اینترنت یا به تعبیری صحیح‌تر شبکه جهان گستر وب

قرار نگیرد. در فعالیتهای پژوهشی که به نوعی با اینترنت سروکار دارند اینترنت چه به عنوان ابزار^۱ و چه به عنوان محیط^۲ از مسائل اخلاقی خاص و تأثیرگذاری بر این پژوهشها برخوردار است. اخلاق پژوهش اینترنتی^۳ به عنوان زیرشاخه‌ای از اخلاق کاربردی شناخته می‌شود که می‌توان آن را محل تلاقی اخلاق پژوهش و اخلاق (فناوری) اطلاعات تلقی کرد. امروزه اخلاق پژوهش اینترنتی در مقام حوزه مطالعاتی میان رشته‌ای، رشته‌های علمی و تخصصی متعددی را درگیر خود نموده است، از قبیل علوم اجتماعی، علوم انسانی، علوم پزشکی، علوم طبیعی، علوم مهندسی و بسیاری زمینه‌های دیگر. هدف این حوزه مطالعاتی، بررسی و به‌کارگیری ملاحظات اخلاقی برای انجام فعالیتهای پژوهشی، خصوصاً با تمرکز بر سوژه‌های انسانی پژوهیدنی، در فضای مجازی است. لازم به یادآوری است که هدف، بررسی و مطالعه موضوعات و مسائل اخلاقی عام مطرح در فضای مجازی نیست، بلکه در اینجا به مسائل اخلاقی خاصی پرداخته می‌شود که پژوهندگان به‌نوعی در استفاده از اینترنت و برای پیش‌برد اهداف پژوهشی خود درگیر چنین چالش‌های اخلاقی می‌گردند.

با توجه به اینکه اخلاق پژوهش اینترنتی انشعابی از اخلاق پژوهش است، از راهبردهای آن نیز برای تجزیه و تحلیل ملاحظات اخلاقی خود بهره می‌برد. از این رو، ملاحظات اخلاقی در پژوهش‌های اینترنتی می‌تواند ذیل دو راهبرد اساسی در مواجهه با چالش‌های اخلاقی مطرح در پژوهش‌های اینترنتی مورد توجه قرار بگیرد: استفاده از نظریه‌های اخلاقی و به‌کارگیری اصول اخلاقی. راهبرد استفاده از نظریه‌های اخلاقی به پژوهندگان توصیه می‌کند که برای تجزیه و تحلیل مسائل اخلاقی مورد مواجهه در انجام

¹ tool

² venue

³ Internet Research Ethics: IRE

پژوهش‌های اینترنتی از نظریه‌های اخلاقی متعارف همچون پیامدگرایی، وظیفه‌گرایی، اخلاق فضیلت، و مواردی دیگر بهره‌برداری کنند. اما راهبرد استفاده از اصول اخلاقی توصیه می‌کند از آنجا که در اخلاق نظریه‌های عام و جهان‌شمولی وجود ندارد، باید فهرستی از اصول اخلاقی عام و کلی فراهم نمود و آنگاه با توجه به این اصول، هر مسئله اخلاقی خاصی را مورد ارزیابی قرار داد. برخی از این اصول در اخلاق پژوهش عبارتند از صداقت، عینیت یا بی‌طرفی، تساهل یا سعه صدر، محرمانگی یا رازداری، احترام به مالکیت معنوی، رعایت قانون، احترام به سوره‌های پژوهشی، مسئولیت اجتماعی، و مواردی دیگر. آنچنان که اشاره شد اخلاق پژوهش اینترنتی همچنین به عنوان انشعابی از اخلاق (فناوری) اطلاعات معرفی می‌شود؛ از این رو، افزون بر موضوعات اخلاقی خاص خود همچون چگونگی جذب مشارکت‌کنندگان در پژوهش، احراز رضایت آگاهانه از آنان و مواردی دیگر، میراث‌دار موضوعات اخلاقی مطرح در اخلاق اطلاعات نیز می‌باشد، موضوعاتی نظیر حریم خصوصی و محرمانگی، مالکیت داده‌ها، گمنامی و ناشناختگی، صحت داده‌ها، و مواردی از این نوع.

در این طرح پژوهشی با عنوان «بررسی و تبیین مفاهیم، مسائل، و رهنمودهای اخلاق پژوهش در فضای مجازی»، به گردآوری، تجزیه و تحلیل آرای و نظرات محققان و مؤسسات پژوهشی و همچنین مسائل و موضوعات اخلاقی مطرح در اخلاق پژوهش اینترنتی پرداخته می‌شود.

۱. فصل نخست: کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

در روزهای آغازین به کارگیری اینترنت برای تحقق اهداف پژوهشی به نظر می‌رسید که روش‌شناسی‌های پژوهشی سنتی و روش‌های تحقیق مورد استفاده برای پیش‌برد تحقیقات در محیط‌های فیزیکی، برای تحقق اهداف پژوهشی در تعامل‌های مرتبط با فضای مجازی نیز به‌طور کم‌وبیش یکسانی قابل استفاده است. بر همین اساس ادعا می‌گردید که اصول اخلاقی حاکم بر پژوهش‌های سنتی در مواجهه با سوژه‌های انسانی برای پژوهش‌های اینترنتی نیز کاربست‌پذیر است. با این حال، پژوهندگان به تدریج دریافتند که چالش‌ها و مسائل مطرح در پژوهش‌های اینترنتی، از نظر کیفی بعضاً متفاوت از چالش‌ها و مسائل پژوهش در جهان فیزیکی است. بر این اساس، پژوهش‌های اینترنتی را می‌توان انجام فعالیت‌های پژوهشی در محل تلاقی جهان مجازی (یا آنلاین)، جهان واقعی (یا آفلاین)، و جهان تکنیکی برشمرد. جهان گستره شبکه وب، فراتر از مرزهای جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی، ما را به این نکته وامی‌دارد که در پژوهش‌های اینترنتی، هم پژوهنده و هم سوژه‌های پژوهیدنی در اجتماعات مجازی از پارامترهای فرهنگی خاص خود برخوردارند، بنابراین استلزام‌های اخلاقی در چنین پژوهش‌هایی باید در شرایط و موقعیت‌های خاص هر یک از این پژوهش‌ها و تحت تأثیر مناسبات و اقتضائات این سه جهان بررسی شود. این موضوع نشان می‌دهد که استفاده از اینترنت در فعالیت‌های پژوهشی به‌نحو معناداری ناظر به درک و شناختِ ظرفیت‌های فرهنگی در بستری است که آن را معنا می‌بخشد. در نتیجه، برای تحقق پژوهش‌هایی اخلاقی در فضای مجازی، بررسی و ملاحظه پیامدهای این پژوهش‌ها نسبت به مشارکت‌کنندگان باید از منظر این جهان‌های سه‌گانه مورد ارزیابی واقع شود.

با پیدایش اخلاق پژوهش اینترنتی، مفهوم سوژه‌های انسانی مورد پژوهش نیز دستخوش توسعه‌ای مفهومی قرار می‌گیرد و دو مفهوم جدید وارد ادبیات سوژه‌های انسانی می‌شود؛ مفهوم اول، ناسوژه‌های انسانی پژوهیدنی^۱ متأثر از پیشرفت‌های فناوری و گسترش پژوهش‌هایی شکل گرفته است که از اطلاعات هویت‌زدایی شده^۲ درباره انسان‌ها استفاده می‌کنند. به بیانی دیگر، ناسوژه‌های انسانی پژوهیدنی در رابطه با اطلاعات سوژه‌های انسانی پژوهیدنی است که به‌ظاهر از این اطلاعات هویت‌زدایی می‌گردد و امکان پیوند آنها به هویت واقعی سوژه‌های انسانی و شناسایی آنان از بین می‌رود، اما فناوری‌های جدید ژنتیکی یا اطلاعاتی بعضاً می‌توانند برقراری پیوند این اطلاعات به هویت سوژه‌های انسانی و شناسایی مجدد آنان را میسر سازند و این موضوع مخاطرات و پیامدهای اخلاقی متعددی را به همراه دارد. مفهوم دوم، آسیب‌پذیری سوژه انسانی پژوهیدنی^۳ به عنوان متغیری در تحقیقات مرتبط با سوژه‌های انسانی در فضای مجازی، یا به‌نحوی خاص‌تر، پژوهش‌های مبتنی بر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی معرفی می‌شود. ذیل این مفهوم، گروه‌ها و هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش ترغیب می‌شوند که با توجه به فاصله میان فرد پژوهنده و فرد پژوهیدنی در فضای مجازی، از بررسی احراز رضایت آگاهانه به‌سوی بررسی مخاطرات بالقوه ناشی از تحقیقات تغییر موضع دهند، همان تحقیقاتی که در آن پژوهنده به‌صورت غیرمستقیم فرد یا افراد مورد پژوهش را در معرض خطر قرار می‌دهد.

مهم‌ترین مبحث در اخلاق پژوهش اینترنتی، مسائل و موضوعات اخلاقی مطرح در این نوع پژوهش‌ها است. این مسائل و موضوعات دربردارنده ملاحظات اخلاقی است که فعالیت‌های پژوهشی در محیط وب

¹ human non-subjects research

² deidentified information

³ human harming research

را با ارزش‌های اخلاقی متعددی درگیر می‌نماید. فهرست چنین مسائلی از این جهت دارای اهمیت است که تمامی رهنمودهای اخلاقی در اخلاق پژوهش اینترنتی معمولاً ذیل عناوین همین فهرست‌ها تهیه و تنظیم و صورت‌بندی می‌شود. هر چه فهرست مسائل و موضوعات اخلاقی مذکور گسترش بیشتری می‌یابد، رهنمودهای اخلاقی مشابه بیشتر نمایان می‌شود. بنابراین شایسته است برای تهیه منشورهای اخلاقی مناسب، تعادل و توازن میان رهنمودهای اخلاقی مورد نیاز و عناوین موجود در این فهرست‌ها برقرار شود. برخی از این موضوعات اخلاقی عبارتند از: صحت داده‌ها، رضایت آگاهانه، مالکیت داده‌ها، سرقت داده‌های علمی، حریم خصوصی و محرمانگی، گمنامی و ناشناختگی، جذب مشارکت کنندگان، و مواردی دیگر.

خلاصه آنکه پژوهندگان در استفاده از اینترنت به عنوان ابزار یا محیطی برای پیش‌برد فعالیت‌های پژوهشی با مجموعه‌ای از پرسش‌های اخلاقی روبه‌رو می‌شوند: کدام بایسته‌های اخلاقی، پژوهندگان را به حمایت از حریم خصوصی سوژه‌های انسانی درگیر در طرح‌های پژوهشی اینترنتی ملزم می‌کند؟ در فضای مجازی، چگونه گمنامی و ناشناختگی مشارکت‌کنندگان در پژوهش تضمین می‌شود؟ در محیط آنلاین، چگونه رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان دریافت می‌شود؟ در پژوهش‌های اینترنتی مرتبط با افراد زیر سن قانونی چگونه باید رفتار نمود و چگونه می‌توان دریافت که سوژه مورد پژوهش زیر سن قانونی نیست؟ در فضای مجازی، آیا فریب^۱ یک هنجار است یا یک آسیب؟ و بسیاری پرسش‌های دیگر که حوزه مطالعاتی اخلاق پژوهش اینترنتی در کنار تجزیه و تحلیل آنها، به ارائه رهنمودهایی مناسب برای تحقق ملاحظات اخلاقی در پژوهش‌های اینترنتی همت می‌گمارد.

^۱ اجتناب از اطلاعات هویتی و تظاهر داشتن به هویت کسی جز هویت واقعی خود را اصطلاحاً فریب می‌نامند.

۱-۲. بیان مسئله

در این طرح پژوهشی به گردآوری، تجزیه و تحلیل آراء و نظرات محققان و مؤسسات پژوهشی و هم‌چنین مسائل و موضوعات اخلاقی مطرح در حوزه اخلاق پژوهش در فضای مجازی پرداخته می‌شود. این طرح تحت رویکردی توصیفی، در چارچوب پژوهش‌های مستند و مبتنی بر روش تحلیل کیفی است. در چارچوب این روش تلاش می‌شود با مراجعه به منابع و مراجع تخصصی، اصل و روزآمد، به بررسی و تبیین مفاهیم، مسائل، و معرفی رهنمودهای متعدد اخلاق پژوهش در فضای مجازی پرداخته گردد. برای دستیابی به این منظور، در مرحله اول این طرح، سه گام مد نظر قرار می‌گیرد: گام اول به انتخاب و گردآوری منابع و مراجع می‌پردازد. گام دوم با استفاده از شیوه یادداشت‌برداری و ابزار فیش، مفاهیم، مسائل، و موضوعات قابل توجه یادداشت‌برداری می‌گردد. در گام سوم، یادداشت‌ها طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل می‌شود تا در پاسخ به پرسش‌های اساسی این مرحله از تحقیق به نتیجه‌گیری بیانجامد.

پیش از این، در آثار مطالعاتی پیشنهاددهنده طرح مذکور، بعضی فعالیت‌های پژوهشی در حوزه مطالعات نظری اخلاق پژوهش در فضای مجازی به‌طور خاص و اخلاق در فضای مجازی به‌طور عام، به فراخور نیازهای برخی مراکز آموزشی و پژوهشی از قبیل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه قم و شورای عالی اطلاع‌رسانی تهیه و تنظیم و منتشر گردیده است. آنچه این طرح پژوهشی پیشنهادی را از آنها متمایز می‌کند تمرکز بیش از پیش بر بسط و توسعه مفاهیم، مسائل، و رهنمودهای اخلاق پژوهش در فضای مجازی مبتنی بر روشی توصیفی است، به‌طوری که به افزایش مهارت‌های نقادانه در کشف و شناسایی شاخص‌های مؤثر برای ارتقاء سلامت اخلاقی در پژوهش‌های مربوطه منجر شود.

۱-۳. اهداف پژوهش

اهداف این طرح به ترتیب عبارتند از:

۱) گردآوری، معرفی و ارزیابی مبانی، مفاهیم و نظریه‌های شاخص در حوزه اخلاق پژوهش در فضای مجازی؛

۲) تهیه و تدوین فهرستی از مسائل، چالش‌ها و موضوعات اخلاقی مطرح در حوزه اخلاق پژوهش در فضای مجازی؛

۳) تعیین و تعریف بستری مناسب برای رشد و توسعه اخلاق پژوهش در فضای مجازی نزد اساتید، دانشجویان و پژوهشگران؛

۴) بررسی برخی منشورها و آیین‌نامه‌های اخلاقی مؤسسات و مراکز آموزشی و پژوهشی بین‌المللی در حوزه اخلاق پژوهش در فضای مجازی.

۱-۴. پرسش‌های پژوهش

ورود اینترنت منجر به میزبانی گسترده‌ای برای انجمن‌ها، موقعیت‌ها و محیط‌های مجازی شده است و هویت‌ها و فرهنگ‌های جدیدی برای افراد وابسته به این گروه‌ها شکل گرفته است؛ آن‌چنان که در بسیاری از این موارد، وجود این هویت‌ها و فرهنگ‌ها تنها در فضای مجازی تحقق می‌یابد. از این رو، پرسش‌های مرتبط با این طرح را می‌توان به صورت ذیل فهرست کرد:

۱) فضای مجازی چه تأثیراتی را بر فعالیت‌های پژوهشی گذاشته و چه چالش‌ها و مسائلی را به وجود

می‌آورد؟

۲) در قلمرو پژوهش‌های مجازی، محققان چگونه می‌توانند از اصول و رهنمودهای اخلاقی در

پژوهش‌های سنتی بهره گیرند؟

۳) محققان و مؤسسات پژوهشی چگونه می‌توانند موضوعات و مسائل پژوهشی در فضای مجازی را

مورد حمایت اصول و رهنمودهای اخلاق پژوهش قرار دهند؟

۴) برای فعالیت‌های پژوهشی در فضای مجازی، به چه اصول و رهنمودهای اخلاقی جدیدی نیاز

است؟

۵) چه مؤلفه‌هایی می‌تواند به عنوان شاخص‌های عملکرد اخلاقی در پژوهش‌های مبتنی بر فضای

مجازی در ایران مد نظر قرار بگیرد؟

۱-۵. روش‌شناسی پژوهش

این طرح پژوهشی با عنوان «بررسی و تبیین مفاهیم، مسائل، و رهنمودهای اخلاق پژوهش در فضای

مجازی»، تحت رویکردی توصیفی، در چارچوب پژوهش‌های مستند و مبتنی بر روش تحلیل کیفی است.

در چارچوب این روش‌شناسی تلاش می‌گردد با مراجعه به منابع و مراجع تخصصی، اصیل و روزآمد، به

بررسی و تجزیه و تحلیل موضوعات، مفاهیم و مسائل اخلاق پژوهش در فضای مجازی پرداخته شود. در

این مرحله از تحقیق، سه گام مد نظر قرار می‌گیرد: گام اول به انتخاب و گردآوری منابع و مراجع

می‌پردازد. گام دوم با استفاده از شیوه یادداشت‌برداری و ابزار فیش، مفاهیم، مسائل، و موضوعات قابل

توجه یادداشت‌برداری می‌گردد. در گام سوم، یادداشت‌ها طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل می‌شود تا در پاسخ

به پرسش‌های اساسی این مرحله از تحقیق به نتیجه‌گیری بیانجامد.

۱-۶. تعریف مفاهیم

اخلاق^۱: انشعابی از فلسفه است که به نظامندسازی، تعریف و طرح مفاهیم مرتبط با رفتار درست و نادرست می‌پردازد. اصطلاح *ethics* از واژه یونانی باستان *ethikos* که خود از مشتقات واژه *ethos* (به معنای عادت و عرف) اخذ شده است. به بیانی دیگر، اگر فلسفه را شامل سه زمینه اصلی متافیزیک، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی قلمداد کنیم، زمینه فلسفی ارزش‌شناسی^۲ شامل دو شاخه اخلاق^۳ و زیبایی‌شناسی^۴ است که با مفهوم ارزش سر و کار دارد. حوزه مطالعات اخلاق (به تعبیری) شامل سه زمینه مطالعاتی عمده است: فرااخلاق^۵ که به تحلیل و توجیه ماهیت نگرش‌ها، گزاره‌ها، مفاهیم و احکام اخلاقی، بدون تأمل درباره درستی یا نادرستی این احکام، می‌پردازد؛ اخلاق هنجاری^۶ که به شناسایی و تبیین اساسی‌ترین مبانی و معیارهای درستی و نادرستی یا خوبی و بدی در احکام اخلاقی می‌پردازد؛ و اخلاق کاربردی^۷ که در جست‌وجوی قواعدی خاص‌تر از قواعد و نظریه‌های عام اخلاقی است، آن‌چنان که در تحلیل، بررسی و هدایت اخلاقی شرایط، موضوعات و موقعیت‌های جزئی و مصداقی، کارایی داشته باشد، هر چند به نظریه‌های عام مطرح در اخلاق هنجاری نیز بی‌توجه نیست.

اخلاق پژوهش^۸: زیرمجموعه‌ای از اخلاق کاربردی است که ملاحظات و مسائل اخلاقی مطرح در انجام فعالیت‌های پژوهش را بررسی می‌کند، آن‌چنان که در فرآیند انجام پژوهش، پیوسته به اصولی

¹ ethics

² axiology

³ ethics

⁴ aesthetics

⁵ metaethics

⁶ normative ethics

⁷ applied ethics

⁸ research ethics

اخلاقی اشاره دارد که فعالیت‌های پژوهشی را از ابتدا تا پایان و سپس در مراحل انتشار نتایج و پس از آن، هدایت می‌نماید.

پژوهش اینترنتی^۱ یا پژوهش در فضای مجازی^۲: پژوهش‌ها و فرآیندهایی پژوهشی هستند که در آن از اینترنت و فضای مجازی به عنوان ابزار یا محیط پژوهش برای گردآوری داده‌ها، مجموعه داده‌ها، پایگاه داده‌ها یا دیگر منابع آنلاین به منظور انجام فعالیت‌های پژوهشی استفاده می‌شود.

اخلاق پژوهش اینترنتی^۳ یا اخلاق پژوهش در فضای مجازی^۴: در این حوزه مطالعاتی، به تجزیه و تحلیل مسائل اخلاقی و به کارگیری اصول و رهنمودهای اخلاق پژوهش در فعالیت‌هایی پژوهشی پرداخته می‌شود که مبتنی بر فضای مجازی بوده و در ساحت فضای مجازی انجام می‌گردد.

منشور اخلاق پژوهش اینترنتی^۵ یا منشور اخلاق پژوهش در فضای مجازی^۶: به مجموعه اصول و رهنمودهایی اخلاقی گفته می‌شود که توجه و به کارگیری آنها در مواجهه با مسائل و چالش‌های اخلاق پژوهش در فضای مجازی، موجب بهبود موقعیت و ارتقای سلامت اخلاقی در تحقق فعالیت‌های پژوهشی می‌گردد.

¹ internet research

² cyber research

³ internet research ethics

⁴ research ithubs in cyberspace

⁵ codes of internet research ethics

⁶ codes of research ethics in cyberspace

۲. فصل دوم: درآمدی بر اخلاق پژوهش

پژوهندگان مسائل و موضوعات اخلاقی متعددی را در روند انجام پژوهش تجربه می‌کنند. گاهی اوقات این مسائل و موضوعات پیش‌بینی شده است و می‌تواند به عنوان بخشی از فرآیند پژوهش و در آغاز یک طرح تحقیقاتی درباره آنها برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نمود. با این حال، اغلب چالش‌ها و تنگنای اخلاقی در فرآیند پژوهش غیرمنتظره هستند. اگرچه تعدادی از این موضوعات اخلاقی مشترک و متعارف هستند، اما حقیقت آن است که پژوهش همواره فرآیندی وابسته به موقعیت و شرایط است و موضوعات خاص اخلاقی اغلب نسبت به این شرایط یکتا هستند به طوری که این چالش‌ها در هر طرح پژوهشی به نحو جداگانه‌ای بروز و ظهور می‌یابند. از این رو، با آگاهی از یکتایی و وابستگی مسائل اخلاقی به شرایط و موقعیت‌های پژوهیدنی، اما برای مدیریت چنین مسائلی لازم است که طیفی از رویکردها یا نظریه‌های اخلاقی، رهنمودهای حرفه‌ای، و نظارت‌های اخلاقی و حقوقی برای تجزیه و تحلیل این چالش‌های اخلاقی نوظهور مطالعه و بررسی شود. آموزش و گسترش مهارت‌های مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی فوق می‌تواند به پژوهندگان کمک کند تا در مواجهه با مسائل اخلاقی پیچیده در فعالیت‌های پژوهشی خود به ارتقاء آگاهی، افزایش قدرت تحلیل، توانایی هدایت و مدیریت، و امکان اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی موجه دست بیابند.

۲-۱. معرفی اخلاق پژوهش

«اخلاق در پژوهش» و یا به اختصار «اخلاق پژوهش»^۱ یکی از زیرمجموعه‌های اخلاق کاربردی است. اخلاق کاربردی، یکی از مباحث فلسفه اخلاق به معنای عام است که در دهه‌های اخیر مورد توجه فیلسوفان و نظریه‌پردازان اخلاق قرار گرفته است. پیدایش اخلاق کاربردی، بیش از اینکه به مباحث

¹ research ethics

انتزاعی درباره معنای مفاهیم اخلاقی، معرفت‌شناسی اخلاق و جنبه‌های وجودشناختی آن بازگردد، به مسائل نوظهوری وابسته است که در قلمرو علم، فناوری و قدرت انسانی شکل گرفته‌اند (خداپرست و همکاران ۱۳۸۶، ۳۶۵-۳۶۶).

هم‌چنین اخلاق پژوهش را می‌توان به عنوان شاخه‌ای از اخلاق حرفه‌ای در نظر گرفت؛ از آنجا که پژوهندگان با تولیدات علمی، اختراعات و اکتشافات در محیط پیرامون خود دخل و تصرف می‌نمایند، آشنایی آنان با اصول اخلاقی در پژوهش‌های مورد نظر ضروری به‌نظر می‌رسد. در این راستا، اخلاق پژوهش به عنوان شاخه‌ای از اخلاق حرفه‌ای سعی دارد به بررسی مسائل اخلاقی مطرح در پژوهش بپردازد و در این زمینه، به اصولی اخلاقی اشاره دارد که پژوهش را از ابتدا تا پایان و سپس در مراحل انتشار نتایج و پس از آن، هدایت می‌کند (خالقی ۱۳۸۷، ۸۳-۸۴).

مسائل ناشی از روش‌های جدید در درمان بیماران، استفاده گسترده از فن‌آوری‌های نوین صنعتی و دغدغه طبیعت و محیط زیست انسانی، از مهم‌ترین مباحث اخلاق کاربردی است. به بیان دقیق‌تر، اخلاق کاربردی، زمینه‌ای میان‌رشته‌ای است و از پیوند معارف و مسائل انسانی در جهانی درهم پیچیده حاصل می‌شود که در آن، تأثیر افعال آدمی در حیات انسان‌های دیگر و طبیعت، بیش از گذشته احساس می‌شود. زیستن در جهانی به این پیچیدگی، حل و فصل مسائل اخلاقی را بسیار دشوار کرده است. بسیاری از مباحث اخلاقی، به‌ویژه آنها که در حوزه اخلاق کاربردی طرح می‌شوند، چنان پیچیده هستند که برخی اوقات مسائلی جدلی‌الطرفینی به‌نظر می‌رسند؛ یعنی، آدمی در برخورد با آنها، خود را با دو راه‌حل مواجه می‌بیند که هیچ‌کدام به اندازه کافی رضایت‌بخش نیستند. افزون بر این، این مسائل با تغییر شرایط زمانی و مکانی، دستخوش تغییر می‌شوند و به این ترتیب، یافتن راه‌حلی همیشگی برایشان ناممکن می‌شود. با این

حال، همین مسائل و تعارض‌ها هستند که خلاقیت ذهن انسانی را در بررسی و ارزیابی مدعاهای مختلف از منظر اخلاقی، شکل می‌دهند. اخلاق پژوهش به عنوان یکی از مباحث مهم اخلاق کاربردی و همچنین اخلاق حرفه‌ای، به معنای بررسی امکان و شرایط رعایت قواعد و اصول اخلاقی در پژوهش‌های نظری و عملی است (خداپرست و همکاران ۱۳۸۶، ۳۶۵-۳۶۶).

امروزه، اخلاق در پژوهش به این دلیل اهمیت یافته است که تفکیک نظر و عمل و به دنبال آن، تفکیک پژوهش نظری و پژوهش عملی، امری بسیار دشوار است. پژوهش‌های نظری در حوزه‌های مختلف معرفت بشری نظیر علوم تجربی، علوم فنی و مهندسی و حتی علوم انسانی چنان گستره و عمقی یافته‌است که به نحو شگفت‌آور و ژرفی بر رفتار فرد انسان‌ها، نهادهای اجتماعی و جوامع تأثیر می‌گذارد. با توجه به قدرتی که انسان مدرن، از کاربرد روش‌های نوین پژوهش و دستاوردهای فنی حاصل از این روش‌ها به دست آورده است، بررسی اخلاقی چگونگی تأثیر این اقتدار نوین بر منش و رفتار آدمی و مواجهه او با خود و سایر موجودات پس از کسب این اقتدار، ضروری است. این موضوع مهم، پس از انقلاب صنعتی و به شکلی به مراتب پررنگ‌تر، در میانه قرن گذشته، مورد توجه برخی متفکران مدرن قرار گرفت. پیامد این توجه، گسترش حوزه‌ی مباحث اخلاقی، از اخلاق فردی به اخلاق اجتماعی و از اخلاق نظری به اخلاق عملی بوده است (خداپرست و همکاران ۱۳۸۶، ۳۶۶-۳۶۷).

آنچه در دهه‌های اخیر باعث شد اخلاق پژوهش مورد توجه قرار بگیرد، انتشار خبرهای غیراخلاقی مختلفی مانند تزریق سلول‌های سرطانی کبد به بیماران، بدون اطلاع آن‌ها توسط پژوهندگان آمریکایی، تزریق ویروس هپاتیت به یک گروه از کودکان عقب‌مانده ذهنی، تحقیقات بر روی ۴۰۰ بیمار آفریقایی مبتلا به سفلیس، بدون اینکه کار درمانی بر روی آن‌ها انجام گیرد و انجام تحقیقاتی خشن و غیرانسانی بر

روی جنین انسان بوده است. اولین تلاش برای تدوین اخلاق پژوهش، «بیانیه‌ی نورمبرگ»^۱ بود. این بیانیه آزمایش‌های غیرانسانی نازی‌ها را بر روی زندانیان سیاسی و اسرای جنگی در طی جنگ جهانی دوم، محکوم می‌کرد. پس از بیانیه‌ی نورمبرگ، «بیانیه‌ی هلسینکی»^۲ در سال ۱۹۶۴ توسط مجمع جهانی پزشکی در فنلاند صادر شد که دومین تلاش بین‌المللی بود و از آن به بعد، حامی و پشتیبان اساسی قواعد اخلاق پژوهش بوده است. این قوانین در سال ۱۹۷۵ در توکیو مورد بازنگری قرار گرفت و به «بیانیه‌ی هلسینکی ۲» معروف شد و تا سال ۲۰۰۰ به‌طور مرتب مورد تجدید نظر قرار گرفته است. نکته‌ای اساسی که این بیانیه به آن اشاره می‌کند این است که علاقه به دانش و جامعه نباید نسبت به بهروزی و خیر مشارکت‌کنندگان در پژوهش در اولویت قرار بگیرد. در اصلاحاتی که سال ۲۰۰۰ در این بیانیه ایجاد شد، توجه بیشتری به نقش گروه‌های بررسی اخلاق پژوهش در خصوص نظارت بر آزمایش‌ها و حوادث نامطلوب و مهار جنبه‌های مالی پژوهش مشهود است. این دو بیانیه، آغازی برای تدوین رهنمودهای اخلاقی، اندیشه‌ی تأسیس گروه‌های بررسی اخلاق پژوهش و توجه به اخلاق پژوهش در حوزه‌های مختلف دانش بشری بوده‌اند (خالقی ۱۳۸۷، ۸۴-۸۵).

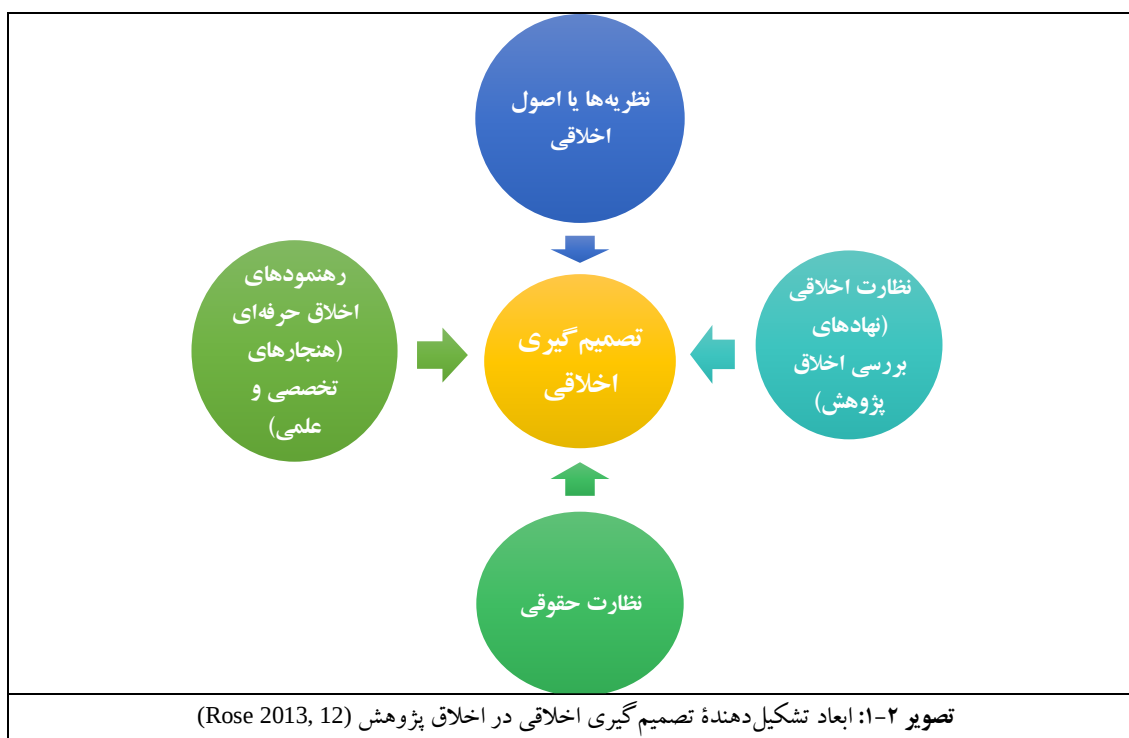
۲-۲. ابعاد تصمیم‌گیری در اخلاق پژوهش

بررسی پیوندها، همپوشانی‌ها و تفاوت‌های میان ابعاد مختلف تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در فرآیند تحقیق، نقطه‌ی آغازین مهمی برای تفکر درباره اخلاق پژوهش است. تصمیم‌هایی اخلاقی که پژوهندگان درباره چالش‌ها و مسائل اخلاقی اتخاذ می‌کنند چه آن مسائلی که در مرحله‌ی ارائه طرح پژوهشی پیش‌بینی می‌شود و چه آن مسائلی که به عنوان مصادیق پیش‌بینی‌نشده در فرآیند تحقیق پدیدار می‌شود می‌تواند تحت تأثیر

¹ The Nuremberg Code

² The Declaration of Helsinki

ابعاد متعددی از اخلاق پژوهش قرار بگیرد: رهنمودهای اخلاق حرفه‌ای و هنجارهای تخصصی و علمی، نظریه‌ها و اصول اخلاقی، نظارت اخلاقی از طریق نهادهای بررسی اخلاق پژوهش، و نظارت حقوقی از طریق نهادهای مرتبط. در تصویر ۱-۲ تلاش شده است تصمیم‌گیری اخلاقی از جنبه‌های مختلفی نمایش داده شود.



تمامی انسان‌ها به عنوان عامل‌های اخلاقی درباره‌ی درستی و نادرستی آنچه رفتارهایشان را مدیریت می‌کند از دورنمایی اخلاقی برخوردارند. این دورنمای اخلاقی از طریق تجربه‌ها و تعامل‌های آنان با یکدیگر شکل می‌گیرد و این باورهای اخلاقی خاص به‌طور اجتناب‌ناپذیری رفتار انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این وجود، جامعه درباره برخی از اصول اخلاقی از قبیل انصاف و عدالت توافق دارد، حتی اگر در به‌کارگیری این اصول برای موقعیت‌ها و شرایط متفاوت از اختلاف قابل‌توجهی برخوردار باشد.

رویکردها یا نظریه‌های اخلاقی همان به کارگیری هنجارها یا اصول اخلاقی است. اخلاق پژوهش خواستار آن است که پژوهندگان را با موضوعات و مسائل اخلاقی درست و نادرست درگیر نماید.

رهنمودهای اخلاق حرفه‌ای و هنجارهای تخصصی و علمی بر تعریف پژوهش به عنوان یک حرفه و تخصص بنا شده است. از این رو، پژوهنده به عنوان یک متخصص بایستی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای حرفه‌ای که بر پایه اجماع میان متخصصان یک رشته تخصصی شکل گرفته است را رعایت کرده و مورد توجه قرار دهد. به بیانی دیگر، شرط ورود یک پژوهنده به جرگه دیگر متخصصان برای همکاری علمی با ایشان، پذیرش و به کارگیری این ارزش‌ها و هنجارهای حرفه‌ای در فعالیت‌های پژوهشی است. از این طریق، مسیر تعامل و همکاری پژوهنده با دیگر متخصصان رشته‌ای تخصصی تسهیل و تقویت می‌گردد.

نظریه‌ها یا اصول اخلاقی دربردارنده نظریه‌های متعارف و اصول اخلاقی مشترک هستند. نظریه‌های اخلاقی به مثابه چارچوبی برای نظم‌بخشی و تبیین شواهد و رفتارهای اخلاقی است. در نظریه‌های اخلاقی بر خلاف نظریه‌های علمی، شواهد از ادراکات حواس انسانی با استفاده از ابزارهایی خاص حاصل نمی‌شود، بلکه از قضاوت‌ها در مورد درست یا نادرست و خوب یا بد به دست می‌آید. در واقع، قضاوت‌های اخلاقی نه با مشاهده ویژگی‌های خاص یک وضعیت، بلکه به واسطه برداشتی جامع^۱ از وضعیتی که با آن روبه‌رو می‌شویم، صورت می‌پذیرند. برای آزمایش یک نظریه اخلاقی باید چگونگی کاربرد آن نظریه بر یک مورد خاص را مورد توجه قرار داد. اگر نظریه با قضاوت‌های اخلاقی ما در مورد آن موضوع دارای نتیجه‌ای متضاد باشد، آنگاه از دلیلی علیه آن نظریه اخلاقی برخورداریم و اگر نظریه با

¹ holistic impression

قضاوت‌های اخلاقی ما در مورد آن موضوع دارای نتیجه‌ای سازگار باشد، آنگاه از دلیلی برای حمایت از نظریه برخورداریم. افزون بر نظریه‌های اخلاقی، طیفی از اصول اخلاقی را نیز می‌توان برای تجزیه و تحلیل و بررسی مسائل، چالش‌ها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی به کار گرفت. برخی صاحب‌نظران باور دارند به کارگیری اصول اخلاقی در مقایسه با استفاده از نظریه‌های اخلاقی برای طرح و بیان مسائل و تصمیم‌ها از دو جهت دارای اهمیت است؛ اول اینکه درک و کاربرد اصول معمولاً آسان‌تر از نظریه‌های اخلاقی است، چرا که به اندازه نظریه‌ها انتزاعی یا پیچیده نیستند، دوم اینکه بسیاری از اصول اخلاقی از تأیید و حمایت گسترده نظری و شهود اخلاقی نزد عموم برخوردارند. بعضی از اصول اخلاقی عام^۱ و تأثیرگذار عبارتند از: (۱) خودمختاری^۲: به افراد صاحب خرد^۳ اجازه تصمیم‌گیری در رابطه با زندگی خود را بدهید. فرد صاحب خرد کسی است که می‌تواند دست به انتخاب آگاهانه و مسئولانه بزند، (۲) عدم اضرار^۴ (یا مضر نبودن): به خود و دیگران آسیب نرسانید، (۳) احسان^۵ (یا نیکوکاری): به دنبال بهروزی خود و دیگران باشید، و (۴) عدالت^۶: از روی انصاف با مردم رفتار کنید (شامو و رزنیك ۲۰۱۵، ۳۳-۵۲).

تصمیم‌گیری اخلاقی پژوهندگان هم‌چنین به شدت متأثر از نظارت‌های اخلاقی و حقوقی است. نظارت‌های اخلاقی اغلب از طریق هیئت بررسی نهادی اخلاق پژوهش صورت می‌گیرد. هیئت بررسی نهادی^۷ (IRB) که هم‌چنین به عنوان گروه مستقل اخلاق^۸ (IEC)، هیئت بررسی اخلاقی^۹ (ERB) یا هیئت

¹ general ethical principle

² autonomy

³ rational individuals

⁴ non-maleficence

⁵ beneficence

⁶ justice

⁷ Institutional Review Board

⁸ Ethics Committee

⁹ Ethics Review Committee

اخلاق پژوهش^۱ (REB) شناخته می‌شوند برای تصویب، نظارت، بررسی و مشاوره به پژوهش‌های رفتاری و پزشکی درگیر با سوژه‌های انسانی شکل گرفته است. محور اصلی مسئولیت کمیته‌های اخلاق در پژوهش، پاسداشت کرامت، حقوق، سلامت و بهروزی شرکت‌کنندگان در پژوهش است. یکی از مهم‌ترین این هیئت‌ها متعلق به انجمن آمریکایی پیشرفت علم^۲ یا AAAS می‌باشد.

از نظر حقوقی نیز پژوهندگان مکلف هستند مطابق با مقررات حقوقی مرتبط با پژوهش خود رفتار نمایند. اگرچه برخلاف نظارت حقوقی، نظارت اخلاقی چنین تکلیفی را تحمیل نمی‌کند، اما با این وجود به‌طور کلی پژوهندگان مکلف هستند نظارت اخلاقی و حقوقی نهاد یا سازمانی که برای آنها مشغول به پژوهش هستند، اجابت نمایند. لازم به یادآوری است که مطابقت فرآیند پژوهش با هنجارهای اخلاقی یا حقوقی نهادها یا سازمان‌های مربوطه ضرورتاً برابر با رفتار اخلاقی مطلوب نیست، بلکه در بسیاری مواقع اجابت از این مقررات اغلب التزام‌های حداقلی است و رفتار اخلاقی مناسب مستلزم ملاحظات دقیق‌تری نسبت به چالش‌های نوظهور و وابسته به شرایط است. در ادامه این فصل، هر یک از ابعاد چهارگانه تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری اخلاقی در فرآیند پژوهش به تفصیل بررسی می‌گردد:

رهنمودهای اخلاق حرفه‌ای و هنجارهای تخصصی و علمی: رهنمودها و هنجارهای حرفه‌ای متعددی

وجود دارند که هدف آنها ارائه چارچوب‌هایی است تا پژوهندگان را به مهارت‌هایی فکری و تحلیلی تجهیز نماید که به هنگام مواجهه با چالش‌های اخلاقی متنوع در فرآیند پژوهش یاری رساند. این رهنمودها به شکلی اجماعی و به‌طور ضمنی یا صریح میان متخصصان هر حرفه‌ای شکل می‌گیرد و به عنوان بخشی از پارادایم آن رشته تخصصی شناخته می‌شود؛ از این رو، آگاهی، پذیرش و استفاده از آنها

^۱ Research Ethics Board

^۲ American Association for the Advancement of Science

می‌تواند تصمیم‌هایی را که پژوهندگان در برابر مسائل اخلاقی متداول و نوظهور اتخاذ می‌کنند، تسهیل و توجیه نماید. برخی از این رهنمودها که ذیل اصول اخلاقی خاصی تهیه و تنظیم شده‌اند بسیار کلی هستند و به محققان پاسخ‌های سرراست و روشنی برای مدیریت موقعیت‌ها و هدایت چالش‌های خاص اخلاقی ارائه نمی‌کنند، مگر برخی موضوعات ویژه از قبیل محرمانگی، گمنامی یا موضوعاتی که عدم رعایت آنها مصداق آشکاری از سوءرفتار در فرآیند پژوهش تلقی می‌شوند. اما همین رهنمودهای کلی باید پژوهندگان را برای تجزیه و تحلیل، تفکر و تدبیر در موقعیت‌های خاص اخلاقی مهیا کند. این اصول و رهنمودها می‌تواند همچون نوری بر ماهیت موقعیت‌ها و زمینه‌های خاص اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی محققان پرتو بیافکند. اصول اخلاقی متجلی در این رهنمودهای اخلاقی معمولاً به حقوق مشارکت‌کنندگان در پژوهش نظیر رضایت آگاهانه، حریم خصوصی و محرمانگی، گمنامی و ناشناختگی و مواردی از این نوع می‌پردازد. پژوهندگان ممکن است فعالیت‌های پژوهشی خود را بدون توجه به این رهنمودها و هنجارهای حرفه‌ای انجام دهند، چرا که آنان از الزامی حقوقی برای عمل به این رهنمودها برخوردار نیستند. اما این محرومیت خودخواسته ممکن است به محرومیت محققان از امکانات، همکاری‌های علمی و منابع مالی در انجام و تحقق فرآیند پژوهش و حتی انتشار دستاوردهای پژوهشی آنان بیانجامد، زیرا آنچنان که اشاره شد گاهی شرط ضمنی یا صریح برای همکاری دیگر محققان با هر پژوهنده‌ای، پذیرش و به‌کارگیری این ارزش‌ها و هنجارهای حرفه‌ای است. به عنوان مثال این ارزش‌ها و هنجارهای حرفه‌ای می‌تواند در شیوه‌نامه‌های انتشار مقالات و دستاوردهای علمی در نشریات تخصصی تجلی یابد، آنچنان که شروطی همچون عدم انتشار همزمان یک مقاله در دیگر نشریات یا همایش‌ها،

شیوه مناسب و دقیق استناددهی به منابع مورد استفاده در مقاله، سپاسگزاری از افراد و سازمان‌های مورد همکاری در تهیه و تنظیم مقاله و مواردی دیگر نمونه‌ای از آنها است. (Rose 2013, 17-18)

نظریه‌ها یا اصول اخلاقی: در اینجا طیف گسترده‌ای از نظریه‌ها و اصول در اخلاق پژوهش را می‌توان معرفی نمود. این نظریه‌ها و اصول اخلاقی نیز ابزارها و چارچوب‌هایی برای تجزیه و تحلیل، تفکر و تدبیر درباره رفتار اخلاقی فراهم می‌آورد. آنها معیارهای متنوعی را ارائه می‌کنند که پژوهندگان می‌توانند از این طریق درباره درستی یا نادرستی یک رفتار در مواجهه با تعارض‌ها یا معماهای پیچیده اخلاقی تأمل و تدبیر کنند. همچون رهنمودهای اخلاقی حرفه‌ای، این نظریه‌ها و اصول نیز پاسخ سراسر و مستقیمی برای چنین تعارض‌ها یا معماهای اخلاقی ایجاد نمی‌کنند، بلکه ابزار و چارچوبی برای افزایش مهارت‌های تجزیه و تحلیل و تفکر نقادانه درباره این چالش‌ها و امکان ارزیابی درستی یا نادرستی مجموعه رفتارهای اخلاقی مناسب و قابل توجه عرضه می‌کنند. به عنوان مثال، یکی از این چالش‌های پیش‌روی نظریه‌های اخلاقی این است که به‌کارگیری هر یک از آنها می‌تواند معیارهای متنوع و متغیری برای اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی فراهم کند، از این رو تصمیم‌های اتخاذی ممکن می‌تواند با توجه به نظریه اخلاقی مورد استفاده متفاوت باشد. مثلاً فردی را تصور کنید که پژوهنده‌ای وابسته به یک سازمان دارویی است و در مورد پیامدهای داروی خاصی در حال تحقیق است. وی متوجه می‌شود سازمان مربوطه علی‌رغم اطلاع از پیامدهای منفی داروی مورد تحقیق، اقدام به تولید انبوه و توزیع آن در بازار می‌نماید. حال پژوهنده مفروض با در نظر گرفتن دو نظریه اخلاقی پیامدگرایی و اصول‌گرایی به دنبال دستیابی به رفتار اخلاقی درست است. اخلاق پیامدگرایی، خیر حداکثری افراد جامعه را مدنظر قرار می‌دهد و پژوهنده متقاعد می‌شود که انتشار اطلاعات سری پژوهشی وی می‌تواند منجر به آگاهی افراد جامعه و گسترش خیر

حداکثری شود. اما اخلاق اصول‌گرایی رازداری و محرمانگی را در انجام فرآیند پژوهشی مدنظر قرار می‌دهد و پژوهنده متقاعد می‌شود که حفظ رازداری و محرمانگی اطلاعات سرّی سازمان دارویی مورد تحقیق، یک خیر اخلاقی است. در این مثال، دو نظریه با معیارهای اخلاقی متفاوت، نتایج اخلاقی موجّه و در عین حال متفاوتی را برای پژوهنده فراهم می‌کند. با این حال، بررسی این نظریه‌ها و اصول برای کمک به پژوهندگان به‌هنگام تفکر درباره چالش‌های اخلاقی مورد مواجهه در فرآیند پژوهش مهم و راه‌گشاست، چرا که تصمیم‌گیری اخلاقی در فرآیند پژوهش متأثر از ابعاد چهارگانه‌ای است که در حال پرداختن به آنها هستیم و تأکید بر این نکته دارای اهمیت است که مورد توجه قرار دادن تمامی این ابعاد، امکان تصمیم‌گیری اخلاقی را برای پژوهنده تسهیل و تقویت می‌کند. در اینجا صرفاً به برخی از متعارف‌ترین نظریه‌های اخلاقی پرداخته می‌شود و به‌خاطر پرهیز از اطالۀ کلام به سه رویکرد نظریه‌ای در اخلاق پژوهش بسنده می‌شود: رویکردهای نظریه‌ای پیامد‌گرایی، اصول‌گرایی، و اخلاق فضیلت.

(۱) رویکردهای پیامد‌گرا^۱: در اینجا استدلال می‌کنند که تصمیم‌های اخلاقی باید مبتنی بر پیامدها و تبعات رفتارهای مشخصی باشد، به‌طوری که رفتار یا عمل مذکور اخلاقی است اگر پیامد خوبی را برای فرد یا برای جامعه به‌دنبال داشته باشد. به عبارت دیگر، رفتار و عمل درست آن است که بهترین نتایج کلی را برای بیشتر مردم به همراه داشته باشد. با استفاده از رویکردی پیامد‌گرایانه، پژوهندگان می‌توانند پیامدهای ممکن تصمیمی خاص را مورد ارزیابی قرار دهند و درباره عملی که باور دارند پیامد آن عمل از بیشترین منافع برخوردار است، تصمیم بگیرند. مثلاً، پژوهنده‌ای ممکن است استدلال کند که فرآیند انجام یک پژوهش بهتر است به‌صورت مخفی و بدون دریافت رضایت آگاهانه سوژه‌های انسانی انجام شود،

¹ consequentialist approaches

چرا که یافته‌های این پژوهش می‌تواند به نفع و به مصلحت کلیت جامعه باشد. در مثالی دیگر، پژوهنده‌ای ممکن است استدلال کند که افشاء اطلاعات محرمانه فردی که در پژوهشی مشارکت کرده است، بدین خاطر که افشاء این اطلاعات منجر به خیر حداکثری برای گروه زیادی از افراد می‌شود، از نظر اخلاقی درست است. تمامی رویکردهای پیامدگرایانه، به شواهد تجربی مرتبط با نتایج و تبعات احتمالی بستگی دارند. (شامو و رزنیک ۲۰۱۵، ۴۲-۴۳ و Rose 2013, 14)

۲) رویکردهای اصول‌گرا^۱: این رویکردها به نوعی در مقابل رویکردهای پیامدگرا قرار می‌گیرند. مطابق این دیدگاه، به‌جای سنجش پیامد هر عمل، توجه به اصول و مضامین مهم اخلاقی، معیار مناسب‌تری برای اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی است. به بیانی دیگر، تصمیم‌های اخلاقی باید مبتنی بر اصولی اخلاقی و منتج از انگیزه‌های اخلاقی باشد، بدون توجه به پیامدهای آن. در اینجا «عامل اخلاقی» از نقش مهمی برخوردار است چرا که می‌تواند میان درست و غلط تمایز قائل شده و قادر به وضع و پیروی از اصول اخلاقی است. مثلاً، محققى که مطابق این دیدگاه به به اتخاذ تصمیمی اخلاقی می‌پردازد استدلال کند که حفظ محرمانگی فرد از نظر اخلاقی درست است، حتی اگر نقض آن پیامدهای مفیدی برای اکثر افراد جامعه داشته یا به مصلحت اجتماعی گسترده‌تر باشد. در رویکردهای اصول‌گرایانه، اصولی نظیر احترام به خودمختاری افراد، احسان، زیان‌بار نبودن، و عدالت در هدایت و اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی مقتضی در فرآیند پژوهش به کار گرفته می‌شوند. احترام به خودمختاری افراد با مسائل برخورداری از اختیار، رضایت آگاهانه، محرمانگی، و گمنامی مرتبط است. احسان، مسئولیت برای نیکوکاری را مورد توجه قرار می‌دهد؛ زیان‌بار نبودن، مسئولیت برای اجتناب از زیان‌بخشی را مد نظر قرار می‌دهد؛ و عدالت، اهمیت

¹ principlist approaches

فرصت‌ها و ظرفیت‌های دستیابی به توزیع برابر را هدف قرار می‌دهد. با استفاده از رویکردهای اصول‌گرایی می‌توان بر مبنای این اصول ویژه، تصمیم‌هایی اخلاقی را اتخاذ کرد. از دیدگاه اصول‌گرایی، ایده محوری رضایت آگاهانه آن است که رضایت باید آزادانه ارائه شود و مشارکت‌کنندگان بالقوه نباید از طریق روش‌های مختلف تحت تأثیر تطمیع یا تهدید قرار گرفته و در پژوهش مشارکت نمایند. هر یک از این اصول، مهم تلقی می‌شود و در صورتی که با یکدیگر در تعارض قرار بگیرد، در چنین مواردی برای اولویت یک اصل بر اصلی دیگر باید از دلایل متعدد و موجهی استفاده کرد. (شامو و رزینیک ۲۰۱۵، ۴۲-۴۳ و Rose 2013, 14)

۳) اخلاق فضیلت^۱: رویکردهایی شخص‌محور است و با فضیلت یا شخصیت اخلاقی پژوهنده سر و کار دارد و نه با اصول، قواعد و پیامدهای اخلاقی یک عمل یا تصمیم. اخلاق فضیلت در پی درستی و صداقت فرد محقق است و همچنین به دنبال شناسایی این خصوصیات و فضیلت‌هایی است که محقق برای انجام فعالیت‌های پژوهشی اخلاقی به آنها نیازمند است. به بیانی دیگر، رفتار اخلاقی با حیاتی متعالی و بافضیلت سروکار دارد. خصوصیات اخلاقی خوب با تمرین آنها به دست می‌آید: شخصی که رفتار صادقانه دارد، فضیلت صداقت را توسعه می‌دهد؛ شخصی که شجاعانه رفتار می‌کند، فضیلت شجاعت را گسترش می‌دهد؛ و مواردی از این نوع. در مراحل مختلف پژوهش، پژوهندگان با چالش‌های اخلاقی متعددی همراه می‌شوند که فضیلت‌های اخلاقی می‌تواند این مسائل را در هر مرحله مدیریت نماید. این فضیلت‌ها عبارتند از: شجاعت^۲، احترام^۳، عزم^۴، صداقت^۱، فروتنی^۲ و تأملی‌کنندگی^۳. در مقابل این

¹ virtue ethics

² courage

³ respectfulness

⁴ resoluteness

فضیلت‌ها، رذیلت‌هایی نیز وجود دارند. این مجموعه فضیلت‌ها و رذیلت‌ها شخصیت آرمانی محقق و وسوسه‌هایی که در طی یک فرآیند پژوهشی ممکن است با آنها روبه‌رو شود را نمایش می‌دهند. از این رو، رویکرد اخلاق فضیلت به دنبال پژوهنده‌ای است که در مواجهه با معماهای اخلاقی و در موقعیتی مفروض، نقش خود را به عنوان پژوهنده‌ای بافضیلت ایفا نماید. (شامو و رزینیک ۲۰۱۵، ۴۵ و Rose 2013, 15-16)

اصول اخلاقی، معیار دیگری برای تصمیم‌گیری‌های اخلاقی است. برخی از متخصصان اخلاق پژوهش درباره اینکه تجزیه و تحلیل‌های مطرح در اخلاق پژوهش را لزوماً باید از نظریه‌های اخلاقی آغاز کرد (رویکرد بالا به پایین) و سپس بر مبنای آنها به بررسی موارد خاص مبادرت ورزید، تردید می‌کنند. آنان باور دارند روند آغازین تجزیه و تحلیل‌های اخلاقی بر مطالعه موارد خاص یا همان موردپژوهی متمرکز است (رویکرد پایین به بالا)، آنچنان که از رویه‌ها و روال‌های کاربست‌پذیر در گذشته الگوبرداری کرده و آن را معیار عمل اخلاقی قرار داد. به عبارت دیگر، آنان معتقدند از آنجا که در اخلاق اصول عام و جهان‌شمول وجود ندارد، باید مبنای تجزیه و تحلیل خود را بررسی‌های موردی قرار داد و از روش اقتناع جامعه علمی بهره‌مند گردید. در مقابل این دو، رویکرد سومی را می‌توان برشمرد که ادعا می‌کند می‌توان فهرستی از اصول اخلاقی عام و کلی به‌دست داد و آنگاه در بررسی هر مورد خاص، به ارزیابی این اصول پرداخت، آنچنان که تا حد امکان از بروز تعارض میان آنها اجتناب کرد. دیوید رزینیک با حمایت از این رویکرد، فهرست ده‌گانه‌ای از اصول ارائه می‌کند. از نظر وی گاهی ممکن است این اصول در تناقض یا

¹ sincerity

² humility

³ reflexivity

تعارض با یکدیگر قرار گیرند، اما بسته به نمونه مورد بررسی باید اولویت‌ها را مشخص کرد و به هر کدام از این اصول وزنی را اختصاص داد. این اصول ده‌گانه عبارتند از: (۱) صداقت: داده‌ها، نتایج، شیوه‌ها و رویه‌ها، وضعیت انتشار، کمک‌های صورت گرفته در امر پژوهش و تضاد منافع احتمالی را صادقانه ارائه نمایند؛ (۲) عینیت یا بی‌طرفی: در طرح اولیه، تحلیل داده‌ها، تفسیر داده‌ها، داوری، تصمیم‌های شخصی، نگارش طرح پژوهشی، نظر کارشناسی و دیگر جنبه‌های پژوهش بی‌طرفی و عینیت علمی را رعایت کنید؛ (۳) تساهل یا گشودگی: به تبادل داده‌ها، نتایج، ایده‌ها، ابزارها، مواد و منابع پرداخته و پذیرای نقدها و ایده‌های جدید باشید؛ (۴) محرمانگی یا رازداری: از اطلاعات محرمانه، نظیر مطالب یا هزینه‌های ارائه شده در نگارش کتاب، سوابق شخصی، اسرار تجاری یا نظامی، و به‌طور کلی سوابقی که موجب شناسایی سوژه‌های انسانی تحقیق می‌شود، حمایت نمایند؛ (۵) احتیاط: از خطاهای ناشی از غفلت پرهیز کنید و با نگاهی نقادانه کار خود و دیگر پژوهندگان را نقد کنید؛ (۶) احترام به همکاران: به همکاری پژوهندگان و دست‌اندرکاران گروه پژوهشی خود احترام بگذارید، به‌طوری که به آنان ضرر نرسانده و رفتاری منصفانه داشته باشید؛ (۷) احترام به مالکیت معنوی: به حقوق ثبت شده، حق نشر، و دیگر اشکال مالکیت معنوی احترام بگذارید و بدون کسب اجازه از موارد گردآوری شده را استفاده نکنید؛ (۸) رعایت قانون: از قوانین مربوطه و سیاستهای سازمانی آگاهی یافته و از آنها پیروی کنید؛ (۹) احترام به سوژه‌های پژوهشی: هنگام تحقیق بر روی سوژه‌های انسانی، آسیب‌ها و مخاطرات را به حداقل رسانده و مزایای آن را به حداکثر برسانید. به حقوق حریم خصوصی و انتخاب آزاد آنان احترام بگذارید. اگر سوژه‌های پژوهشی حیوانات هستند از آنها مراقبت کرده و رفتاری خوبی با آنها داشته باشید؛ (۱۰) مدیریت و نظارت: استفاده مناسبی از منابع انسانی، مالی، فیزیکی و فنی داشته باشید؛ (۱۱) مسئولیت اجتماعی: پیامدهای اجتماعی خوب را

تقویت کرده و با استفاده از تحقیق، مشاوره و حمایت، مانع از ایجاد پیامدهای منفی شوید؛ ۱۲) آزادی: نهادهای پژوهشی و دولت‌ها نباید مانع از آزادی فکر و تحقیق شوند. (شامو و رزنیك ۲۰۱۵، ۵۲-۵۹ و شیخ‌رضایی و کرباسی زاده ۱۳۹۱، ۲۱۶-۲۱۹)

نظارت اخلاقی: پژوهندگان برای توجه به ملاحظات اخلاقی فعالیت‌های پژوهشی خود شایسته است با گروه‌های بررسی اخلاق پژوهش در تعامل مستمر باشند. آنچنان که اشاره شد آنها تحت عناوین مختلفی، خصوصاً هیئت بررسی نهادی^۱ (IRB)، بر فرآیند تصویب، نظارت، بررسی و مشاوره درباره پژوهش‌های درگیر با سوژه‌های انسانی به همکاری با پژوهندگان می‌پردازند. آنها اغلب به‌نوعی از تجزیه و تحلیل‌های خطر-فایده^۲ برای هدایت و مدیریت اخلاقی طرح‌های پژوهشی استفاده می‌کنند. نقش این کمیته‌ها برای حفاظت از سوژه‌های انسانی و رعایت راهنماهای اخلاق ملی و بین‌المللی بسیار پراهمیت است. آنها در حقیقت سه التزام اساسی دارند؛ اول حصول اطمینان از حفظ حقوق شرکت‌کنندگان در پژوهش، دوم مسئولیت در قبال جامعه و سوم مسئولیت در قبال محقق. (اردشیرلاریجانی و زاهدی ۱۳۸۵، ۲۸۱-۲۸۲)

گروه‌ها یا هیئت‌های اخلاقی به روش‌های متعددی می‌توانند درخواست‌های پژوهندگان را مورد ارزیابی قرار دهند و با مشورت‌های خود فعالیت‌های پژوهشی آنان را از نظر اخلاقی بررسی و نتایج را به ایشان عرضه کنند. البته، اصول و رهنمودهای اخلاقی مورد ملاحظه آنها برای توجه و توصیه به پژوهندگان تاحدی یکنواخت و احتمالاً دربردارنده موضوعاتی نظیر توجه به رضایت آگاهانه و داوطلبانه، حفظ محرمانگی اطلاعات ارائه‌شده توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش، گمنامی مشارکت‌کنندگان مذکور، پرهیز از آسیب و زیان به آنان، صداقت‌ورزی پژوهندگان و مواردی از این نوع است. اما با این

¹ Institutional Review Board

² risk-benefit analysis

حال، گروه‌های اخلاق پژوهش از دانش و مهارت‌های لازم برای مشاوره و تعیین راهکار درباره مسائل اخلاقی متعدد به‌منظور هدایت و مدیریت طرح‌های پژوهشی محققان برخوردارند. در صورت عدم التزام از طرف سازمان سفارش‌دهنده طرحی پژوهشی برای توجه به توصیه‌های گروه بررسی اخلاق، گاهی اوقات به‌نظر می‌رسد پژوهندگان تمایلی برای انجام این توصیه‌ها از خود نشان نمی‌دهند، خصوصاً در پژوهش‌هایی که برخی مسائل اخلاقی به‌یکباره و به‌طور غیرقابل پیش‌بینی در فرآیند پژوهش پدیدار می‌شوند. نگرانی پژوهندگان از آنجا ناشی می‌شود که ممکن است رعایت ملاحظات اخلاقی این گروه‌ها به اعمال محدودیت در پیش‌برد فرآیند پژوهش بیانجامد. از این رو، برای تسهیل و تقویت تمایل همکاری میان آنان، تعامل مستمر، سازنده و همدلانه اعضای گروه بررسی اخلاق پژوهش و پژوهندگان در چالش‌های اخلاقی مربوط به طرح‌های پژوهشی مناقشه‌برانگیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. لازم به توضیح است این طرح پژوهشی، عمدتاً از این منظر به موضوع اخلاق پژوهش در فضای مجازی می‌پردازد و به‌طور صریح یا ضمنی، نظارت اخلاقی از طریق نهادهای بررسی اخلاقی پژوهش را هدف تحقیق قرار می‌دهد.

نظارت حقوقی: معمولاً پژوهش‌ها در چارچوب برخی ملاحظات حقوقی قرار می‌گیرند که پژوهندگان ملزم به قبول آنها هستند. توجه به ملاحظات حقوقی از این جهت دارای اهمیت است که آنها چارچوبی از معیارهای حداقلی را ارائه می‌دهند و رعایت این ملاحظات حقوقی برای هر پژوهشی لازم‌الاجرا است، البته این موضوع ضرورتاً معادل با اخلاقی تلقی نمودن فرآیند پژوهش نیست. به نظر می‌رسد رابطه میان حقوق و اخلاق، رابطه‌ای محدود است، اما این بدین معنا نیست که هیچ چیزی وجود ندارد که هم قانونی و هم اخلاقی باشد. قوانین حقوقی اغلب به‌دنبال گردآوری مجموعه‌ای از حداقل استانداردهای قابل قبول

است. اما آرمان رفتاری اخلاقی بسیار وسیع تر است، چرا که معیارهای اخلاقی برای دفاع و توجیه خیر و شر یک رفتار نمی تواند صرفاً بر کفایت امر قانونی بنا گردد.

با این حال، قوانین حقوقی و معیارهای اخلاقی از سه جنبه شبیه یکدیگرند: اول اینکه قوانین همانند اصول و رهنمودهای اخلاقی، معیارهای رفتاری هستند و سخن از بایدها و نبایدهای رفتاری می کنند؛ دوم اینکه بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات نظیر وظیفه، مسئولیت، قصور، و... در معیارهای اخلاقی و حقوقی مشترک هستند؛ سوم اینکه شیوه های منطقی مورد استفاده در قانون و اخلاق کاملاً مشابه یکدیگرند به طوری که هر دو از روندی استدلالی برای اخذ نتیجه استفاده می کنند و به تحلیل مفاهیم و اصول می پردازند. همچنین آنها دست کم از دو جنبه مهم متفاوت از یکدیگرند: اول اینکه انواع بسیاری از رفتارها وجود دارند که می توان آنها را غیر اخلاقی برشمرد، حال آنکه غیر قانونی نیستند، و همچنین قوانین بسیاری وجود دارند که چندان ارتباطی با دغدغه های اخلاقی ندارند. از این رو، اخلاق و حقوق را می توان دو دایره متداخل تصور کرد که در برخی از نواحی با یکدیگر همپوشانی دارند، و آنچنان که بیان گردید قانون معیار حداقلی از رفتار را تعیین می کند حال آنکه اخلاقیات می تواند فراتر از این معیار قرار بگیرد؛ دوم اینکه افراد می توانند برای ارزیابی یا قضاوت معیارهای حقوقی به معیارهای اخلاقی متوسل شوند، به طوری که ممکن است تصمیم بگیرند قانونی در مقابل نوعی رفتار غیر اخلاقی تهیه و تدوین شود، مثلاً بسیاری از قوانین مالکیت معنوی را می توان در جهت جلوگیری از سرقت های ادبی، هنری و علمی به عنوان مصادیقی از رفتاری غیر اخلاقی تلقی نمود که برای جلوگیری از آن قانونی حمایتی شکل گرفته است، یا اینکه ممکن است برخی صاحب نظران آگاهی یابند که بعضی از قوانین موجود غیر اخلاقی بوده و باید تغییر کند. به عنوان مثال چارلز دیکنز رمان نویس شهیر و فعال اجتماعی قرن نوزدهم در انگلستان با

انتشار آثار ادبی خود بر ملاحظات اخلاقی برخی قوانین حقوقی تأثیرات قابل توجهی گذاشت. (شامو و رزینیک ۲۰۱۵، ۲۸-۳۰)

برخی از قوانین حقوقی، فعالیت‌های پژوهشی را کاملاً تحت تأثیر قرار می‌دهند. این قوانین مفروض به عنوان توصیه‌های حقوقی شناخته نمی‌شوند، بلکه پژوهندگان باید با حساسیت خاصی ملاحظات حقوقی سازمان مورد همکاری را برآورده کنند. به عنوان مثال، در مسئله دریافت رضایت آگاهانه برای مشارکت در پژوهش، دربارهٔ افراد بزرگسال کم‌توان ذهنی یا افراد زیر سن قانونی، پیش از بررسی ملاحظات اخلاقی باید به ملاحظات حقوقی مربوط به این افراد توجه شود و در صورت احراز صلاحیت حقوقی لازم به ملاحظات اخلاقی نیز پرداخته شود. در مورد مسائلی هم‌چون محرمانگی و حریم خصوصی، گمنامی یا ناشناختگی، مالکیت معنوی و مواردی دیگر نیز در صورت وجود قوانین یا اسناد حقوقی مرتبط با این موارد، رعایت این قوانین حقوقی پیش از هر ملاحظه اخلاقی لازم‌الاجرا است. از این رو، از آنجا که اخلاق و حقوق یکسان نیستند، پژوهندگان در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی خود در فرآیند پژوهش باید هم الزام‌های حقوقی و هم الزام‌های اخلاقی را مد نظر قرار دهند.

۲-۳. اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی

اکنون پرسش این است که چگونه می‌توان این نظریه‌ها و اصول اخلاقی، رهنمودهای حرفه‌ای و نظارت‌های اخلاقی و حقوقی را برای اتخاذ تصمیم درباره مسائل اخلاقی به کار گرفت، مسائلی که در آغاز پژوهش قابل پیش‌بینی هستند یا در طی فرآیند پژوهش پدیدار می‌شوند؟ امروزه، منابع عمومی و تخصصی متنوعی برای راهنمایی و مشاوره درباره به کارگیری استانداردهای اخلاقی نسبت به مسائل متعدد در اخلاق پژوهش می‌توان یافت. مطالعه مستمر این منابع، حضور در کارگاه‌های اخلاق پژوهش، در

صورت وجود بهره‌مندی از مشاوره‌های گروه بررسی اخلاق پژوهش، آگاهی یافتن از رهنمودهای حرفه‌ای و به‌کارگیری آنها، مورد توجه قرار دادن قوانین حقوقی مرتبط، بررسی نمونه‌های خاص اخلاق پژوهش در رشته‌های علمی متعدد و مواردی از این نوع، موجب افزایش آگاهی و ارتقاء مهارت‌های اخلاقی لازم برای اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی مناسب در فرآیند پژوهش می‌گردد. برای دستیابی به یک تصمیم‌گیری اخلاقی موّجه، پژوهندگان باید تلاش کنند سازگاری، توازن و تعادلی مناسب را میان وجوه چهارگانه فوق برقرار نمایند.

در صورت برخورداری مؤسسات آموزشی و پژوهشی از گروه‌های بررسی اخلاق پژوهش، آنها می‌توانند در تمامی مراحل پژوهش، پژوهندگان را از حمایت، مشاوره، نظارت و تعامل مستمر با خویش بهره‌مند کنند. اگرچه این گروه‌ها نقش مهمی برای نظارت و مشاوره نسبت به مسائل و موضوعات اخلاقی قابل پیش‌بینی در فعالیت‌های پژوهشی دارند، اما چالش‌برانگیزترین حوزه فعالیت آنها ناظر به موضوعات و مسائل اخلاقی نوظهور در طی فرآیند پژوهش است.

پژوهندگان از راهبردهای متعددی برای مدیریت و هدایت چالش‌های اخلاقی خود بهره می‌برند. راهبردهای مورد استفاده آنان برای اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی ممکن است به ابعاد چهارگانه فوق نزدیک شود، هرچند این تأملات اخلاقی می‌تواند چندان روشن و آگاهانه نباشد. از این رو، مورد توجه قرار دادن این جنبه‌های مختلف در تصمیم‌گیری اخلاقی، تأملات اخلاقی پژوهندگان را تصریح و تدقیق می‌کند. آنان می‌توانند ادعا کنند که چالش‌های اخلاقی پدیدار شده در پژوهش‌ها وابسته به شرایط و موقعیت‌ها است، در حالی که آموزه‌های برگرفته از این ابعاد چهارگانه برای اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی بسیار کلی و عمومی است. همین ادعای ایشان مؤید آن است که این آموزه‌های کلی و عمومی، اگرچه مختص به

شرایط و موقعیت‌های خاص پژوهشی آنان نیست، اما دست کم می‌تواند به عنوان چراغ راهی بعضاً غیرالزام‌آور، پژوهندگان را در تصمیم‌گیری‌های خاص اخلاقی خود یاری رساند، آنچنان که بتوانند از این تصمیم‌ها دفاع کرده و آن را موجه نمایند. (Rose 2013, 21-23)

در پایان این فصل یادآوری می‌شود که مراحل متعددی را می‌توان برای اتخاذ تصمیم اخلاقی مناسب در فرآیند پژوهش معرفی کرد. در اینجا یکی از این الگوهای متعارف که در فرآیندی هفت مرحله‌ای تهیه و تنظیم گردیده است، ارائه می‌شود (Israel & Hay 2006, 132-135):



۳. فصل سوم: از پژوهش اینترنتی تا اخلاق پژوهش اینترنتی

پس از رشد و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، نزدیک به سه دهه است که تحقیقات گسترده‌ای در رابطه با این فناوری‌ها و بستر مهم آنها وب جهان گستر انجام شده است. به نظر می‌رسد چنین مطالعاتی بر این اساس شکل گرفته است که شناخت ما از چگونگی به هم رسیدن زبان، جامعه و فناوری، اهمیت به‌سزایی یافته است. پژوهش‌های متعدد میان‌رشته‌ای در رابطه با پدیده‌ای به نام «جهان مجازی»^۱ ذیل رویکردهای مختلف تاریخی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی تنها بازتاب‌دهنده ابعاد مطالعات علوم انسانی و اجتماعی این مطالعات گسترده است. نکته جالب توجه اینجاست که در تمامی این پژوهش‌ها در رابطه با جهان مجازی یا به تعبیر دیگر فضای وب یا محیط اینترنت، این پدیدار به عنوان اُبژه‌ای در جهان واقع پیش فرض قرار گرفته و مطالعه شده است. اما از اواسط دهه ۹۰ میلادی، موضوع «پژوهش در رابطه با اینترنت» ابعاد گسترده‌تری یافت آنچنان که موضوع دیگری ذهن پژوهندگان را به خود مشغول کرد و این مسئله «پژوهش از طریق اینترنت» بود. امروزه این مسئله، از آن جهت دارای اهمیت است که نزد صاحب‌نظران، وب جهان گستر یا به تعبیری اینترنت دیگر صرفاً اُبژه‌ای برای پژوهش نیست، بلکه ابزار و محیطی برای درک سوژه از واقعیت است. اینترنت و فناوری‌ها، ابزارها، قابلیت‌ها و وبگاه‌های متعدد آن زمینه‌های پژوهشی جدیدی فراهم کرده‌اند. آنچه تغییر کرده است پویایی به وجود آمده میان پژوهندگان و پژوهش‌های آنها است. در این فصل ابتدا به بررسی مفهوم پژوهش از طریق اینترنت ذیل دو رویکرد وب ۱ و وب ۲ پرداخته می‌شود. سپس مفهوم پژوهش‌های اینترنتی به عنوان محل تلاقی جهان‌های سه گانه واقعی، مجازی و تکنیکی تجزیه و تحلیل می‌گردد، بو در نهایت جایگاه اخلاق پژوهش اینترنتی در میان جهان‌های سه گانه مذکور تصریح و تدقیق می‌شود.

¹ virtual space = cyber space

۳-۱. پژوهش از طریق اینترنت

در دوران سیطره وب ۱، اینترنت در فعالیتهای پژوهشی عمدتاً به عنوان ابزار پژوهش تلقی می‌گردید، به‌طوری که امکانات و قابلیت‌های یک‌سویه وب ۱، امکان رابطه تعاملی بسیار محدودی را میان پژوهندگان و پژوهیدنی‌ها فراهم می‌نمود، مثلاً انتشار و توزیع پرسش‌نامه‌ها از طریق رایانامه، انجام یک نظرسنجی چندگزینه‌ای از طریق یک وبگاه یا صفحه اینترنتی، بهره‌مندی از محتویات متنی وبگاه‌ها برای تحلیل‌های پژوهشی و مواردی دیگر. اما با پیدایش و گسترش وب ۲، اینترنت در فعالیتهای پژوهشی عمدتاً به عنوان محیطی برای پژوهش تبلور یافت، آنچنان که امکانات و قابلیت‌های دوسویه و تعاملی وب ۲، فرصت رابطه تعاملی و مشارکتی بسیار مغتنمی را میان پژوهندگان و پژوهیدنی‌ها ایجاد کرد. در سال‌های آغازین ۲۰۰۰، تحقق وب ۲ تحولات عظیمی را در پژوهش‌های اینترنتی رقم زد.

از همان آغاز پژوهش‌های اینترنتی مبتنی بر وب ۱، اینترنت ابزاری برای کاهش محدودیت‌های زمانی و مکانی در فعالیتهای پژوهشی معرفی گردید. از این رو، به محققان اجازه می‌داد که از موقعیتهای جغرافیایی دور و نزدیک با مشارکت‌کنندگان خود در ارتباط باشند. حضور مشارکت‌کنندگان در پژوهش را که به‌دلایل متعددی دچار معلولیت‌های بدنی یا درگیر محرومیت‌های مالی، سیاسی، اجتماعی، و... هستند، تسهیل و تقویت کرد. ناشناختگی و گمنامی حاصل از ارتباطات اینترنتی فرصت مغتنمی برای بسیاری از انسان‌های در حاشیه‌ای بود که به دلایل متعدد اجتماعی و فرهنگی امکان پژوهش درباره ایشان فراهم نگردیده بود یا به دلایلی دیگر از تماس رو در رو پرهیز می‌نمودند. تمامی این فرصت‌ها حاصل شناخت اینترنت به عنوان ابزار و مصنوعی فناورانه بود که برای تسهیل و تقویت فعالیتهای پژوهشی به کار گرفته می‌شد. تلقی اینترنت به عنوان «ابزار»، پژوهش اینترنتی را از طریق موتورهای جست‌وجو،

جمع‌آوری داده‌ها، پایگاه داده‌ها، کاتالوگ‌ها، و مخازن داده‌ها میسر می‌نمود. اما با رشد و گسترش شبکه‌های اجتماعی، ویکی‌ها، وبلاگ‌ها و بسیاری دیگر از خدمات مشارکتی و تعامل وب ۲ مسیر تازه‌ای در مقابل پژوهش‌های اینترنتی گشوده شد. از این رو، شناخت اینترنت به عنوان «محیط» شامل محل‌ها و موقعیت‌هایی برای فعالیت‌های محاوره‌ای (نظیر اتاق‌های چت)، گروه‌های خبری، صفحات وب، وبلاگ‌ها، میکرو بلاگ‌ها (همچون توییتر)، و بسیاری از خدمات تعاملی وب ۲ را در بر می‌گیرد.

به‌طور کلی، استفاده پژوهندگان از اینترنت چه به عنوان ابزار و چه به عنوان محیطی برای تسهیل فعالیت‌های پژوهشی، مزیت‌های متعددی را به همراه دارد، برخی از این موارد عبارتند از: (۱) صرفه‌جویی زمانی برای توزیع و گردآوری نظرسنجی‌ها، (۲) کاهش مرحله ورود و ثبت اطلاعات، (۳) کاهش اشتباه در ورود و ثبت اطلاعات، (۴) سهولت برای تعامل و ارزیابی مشارکت‌کنندگان در هر زمان و هر مکان، (۵) کاهش هزینه‌های مالی برای مجریان پژوهش، (۶) کاهش محدودیت برای تعداد افراد مورد سنجش از نظر تعداد و زمان، (۷) دسترسی سریع مجریان به نتایج پژوهش، و (۸) افزایش صداقت مشارکت‌کنندگان در پژوهش به‌خاطر گمنامی و ناشناختگی آنان. در کنار این مزیت‌ها، پژوهش‌های مجازی با مخاطرات متنوعی نیز همراه است، برخی از آنها عبارتند از: (۱) عدم تضمین کافی به مشارکت‌کنندگان برای گمنامی و ناشناختگی آنان، (۲) مشکلاتی در کسب رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان، (۳) نگرانی از نقض حریم خصوصی و محرمانگی مشارکت‌کنندگان و عدم تضمین کافی به آنان، (۴) ابهام در مالکیت برخی داده‌های آنلاین، (۵) کاهش صداقت مشارکت‌کنندگان در پژوهش به‌خاطر گمنامی و ناشناختگی آنان، (۶) امکان جهت‌گیری‌های (بعضاً ناخواسته) تبعیض‌آمیز به‌خاطر عدم دسترسی فراگیر افراد به رایانه و اینترنت، (۷) امکان جهت‌گیری‌های (بعضاً ناخواسته) تبعیض‌آمیز به‌خاطر عدم توانایی افراد برای کار با رایانه و

اینترنت، و ۸) عدم تضمین کافی برای حفظ امنیت داده‌های پژوهیدنی. (Porr & Ployhart 2004, 135-136)

این مخاطرات همان خاستگاه دغدغه‌ها و چالش‌های اخلاقی در پژوهش‌های اینترنتی است. به عنوان مثال، پژوهندگان در قلمرو فضای مجازی به آسانی نمی‌توانند هویت‌های فیزیکی مشارکت‌کنندگان را شناسایی کنند؛ عدم شناسایی هویت فیزیکی به معنای گمنامی و ناشناختگی افراد است که مسائلی اخلاقی چون صحت و صداقت در ارائه داده‌های پژوهشی و همچنین کسب رضایت آگاهانه از طرف مشارکت‌کنندگان را به دنبال خواهد داشت. از این‌رو، گام نهادن پژوهندگان به قلمرو فضای مجازی و اینترنت برای تسهیل و پیش‌برد فعالیت‌های پژوهشی درگیر مسائل اخلاقی متعددی می‌گردد که لازم است پیش از تعریف اخلاق پژوهش مجازی یا همان اخلاقی پژوهش اینترنتی به تبیین و تشریح ابعاد مختلف آن پرداخته شود.

۳-۲. پژوهش اینترنتی؛ محل تلاقی جهان‌های واقعی، مجازی و تکنیکی

به هنگام استفاده از اینترنت برای انجام فعالیت‌های پژوهشی، سه جهان در حال تعامل این فرآیند پژوهشی را شکل می‌دهند: جهان مجازی (یا آنلاین)، جهان واقعی (یا آفلاین)، و جهان تکنیکی. اکنون، به تعریف هر یک از این جهان‌ها می‌پردازیم: (۱) جهان مجازی: فضای آنلاین و انواع فعالیت‌هایی که در آن تحقق می‌یابد را پوشش می‌دهد، مثلاً مشاهده و بررسی پروفایل‌های افراد در شبکه‌های اجتماعی یا مکالمه همزمان در اتاق‌های چت از این نوع فعالیت‌هاست؛ (۲) جهان واقعی: جهان مادی و انواع فعالیت‌های قابل تحقق در میان واقعیت‌های فیزیکی را شامل می‌شود، مثلاً تمامی موجودات مادی و تعامل میان آن‌ها در این جهان تحقق می‌یابد؛ و (۳) جهان تکنیکی: اگرچه منشأ فعالیت‌های این جهان در جهان واقعی شکل

می‌گیرد، اما به امر مجازی امکان تحقق می‌بخشد، به تعبیری دیگر جهان تکنیکی، جهان‌های آنلاین و آفلاین را به یکدیگر متصل می‌نماید. امکاناتی تکنیکی که در آن پژوهش‌های مجازی ممکن و میسر می‌گردد شامل بخش‌های زیادی هستند، از سخت‌افزار، نرم‌افزار و زیرساخت‌ها گرفته تا پهنای باند، و حتی اطلاعات و ارتباطات محلی، ملی، جهانی و قوانین و تدابیر مرتبط با آنها.

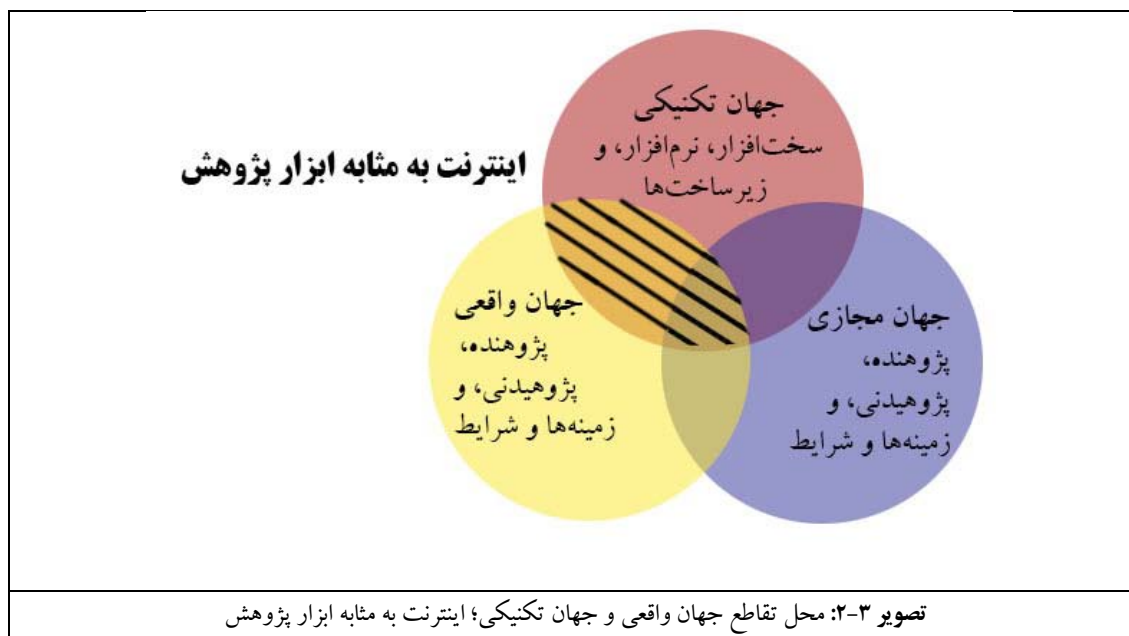
در پژوهش‌های اینترنتی، هم پژوهنده و هم پژوهیدنی در اجتماعات واقعی و مجازی از پارامترهای فرهنگی خاص خود برخوردارند و تعامل‌های فناوری محور آنان تحت تأثیر متقابل این سه جهان قرار می‌گیرد. با توجه به زمینه‌های رو به رشد پژوهش‌های اینترنتی می‌توان ملاحظه کرد که این پژوهش‌ها به سوی روش‌های کمی و کیفی متنوعی در فضای مجازی هدایت می‌گردد. با فرض این تنوع روش‌شناختی در پژوهش‌های اینترنتی، به نظر می‌رسد ارتباط میان جهان‌های مجازی، واقعی، و تکنیکی در رابطه با هر پژوهشی متفاوت و متمایز خواهد بود. از این رو، استلزام‌های اخلاقی در فرآیند فعالیت‌هایی پژوهشی از این نوع، باید در زمینه‌ها و شرایطی منحصر به فرد و موقعیت‌های خاص هر یک از این پژوهش‌ها و تحت تأثیر مناسبات و اقتضائات این سه جهان بررسی شود. در نتیجه، فضا و محیط تحقق پژوهش، موقعیت پژوهندگان و پژوهیدنی‌ها، روابط میان آنها و نوع گردآوری داده‌ها ممکن است کاملاً متفاوت باشد.

(Maczewski et al 2004, 64)



آنچنان که پیش‌تر اشاره شد، در دهه ۹۰ میلادی، موضوع «پژوهش در رابطه با اینترنت» ابعاد گسترده‌ای یافت، آنچنان که در بسیاری پژوهش‌ها اختلاط و ادغام اینترنت در زندگی مردم مورد مطالعه قرار گرفت. در این نوع پژوهش‌ها اساساً مسئله مورد تحقیق از طریق ارتباط جهان واقعی با جهان مجازی شکل می‌گیرد و دربردارنده تجزیه و تحلیل استفاده از تعامل‌های متعدد اینترنتی در رایانامه‌ها، اتاق‌های چت، شبکه‌های اجتماعی و مواردی دیگر است. نکته دارای اهمیت این است که در این نوع پژوهش‌ها پژوهنده و پژوهیدنی‌ها اساساً در شرایط جهان واقعی قرار می‌گیرند، اما استفاده از خودِ اینترنت و ارتباطش با زندگی واقعی مردم، موضوع تحقیق است. بنابراین می‌توان ادعا نمود که اساساً چنین پژوهش‌هایی ذیل عنوان «پژوهش از طریق اینترنت» قرار نمی‌گیرد، چرا که از اینترنت نه به عنوان ابزار پژوهش و نه به عنوان محیط پژوهش استفاده نشده است و در نتیجه مصداقی از پژوهش‌های اینترنتی نیست.

اکنون به این مثال توجه کنید. پژوهنده‌ای در نظر دارد برای مطالعه موضوعی خاص در زندگی واقعی افراد به پژوهش بپردازد. از این رو، با ارسال یک نظرسنجی آنلاین توسط پژوهنده، وی و پژوهیدنی‌ها از ابتدا در اجتماعات جهان واقعی در نظر گرفته می‌شوند. در اینجا ارسال و دریافت نظرسنجی مذکور از طریق فضای مجازی، معطوف به مابه‌ازای حقیقی افراد در جهان واقعی است. در این مثال، از جهان مجازی تنها به عنوان فضایی برای گردآوری داده‌ها استفاده می‌شود و خود فضای مجازی محیط پژوهش در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه اساساً دیدگاه‌ها و نظرات افراد درباره موضوعی خاص در زندگی جهان واقعی‌شان بررسی می‌شود. این پژوهش از آنجا که از طریق اینترنت تحقق یافته است می‌تواند ذیل پژوهش‌های اینترنتی قرار بگیرد. در این نوع پژوهش‌های اینترنتی، حقایق جهان واقعی افراد دارای اهمیت است و اینترنت صرفاً به عنوان یک ابزار برای تسهیل فرآیند پژوهش استفاده می‌شود.



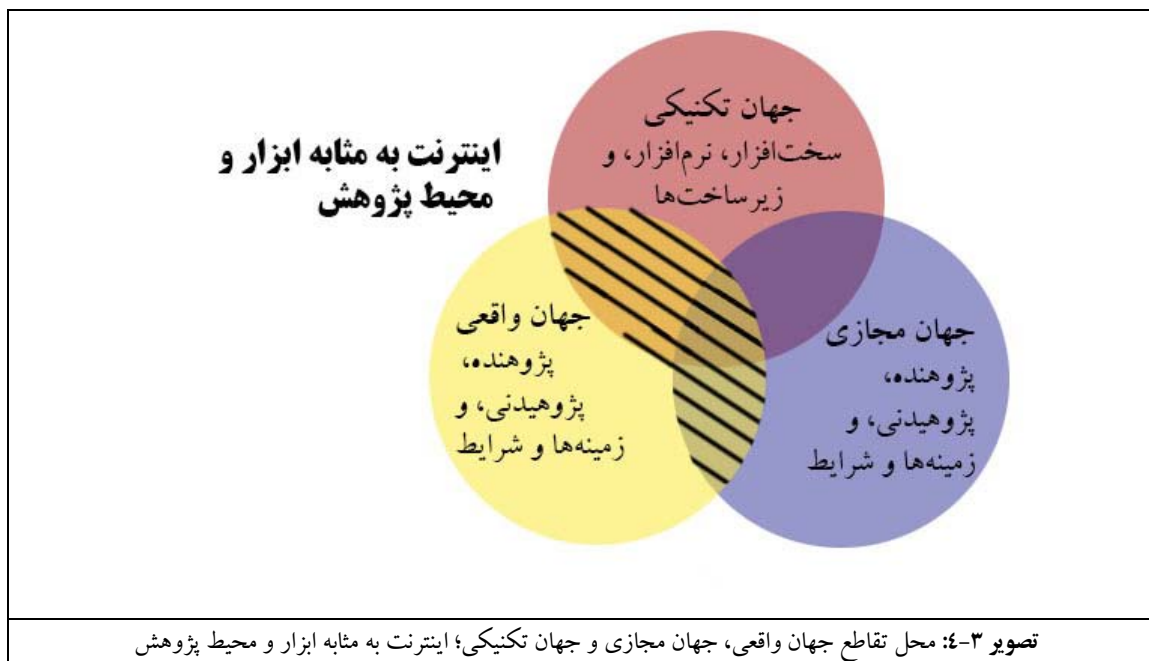
در مثالی دیگر، برای انجام یک پژوهش قوم‌نگاری در اجتماعی مجازی، پژوهنده و پژوهیدنی‌ها به‌طور مستقیم در تعامل با یکدیگر هستند و این اجتماع مجازی یک فوکوس گروه پژوهشی واقعی است. در این نوع از پژوهش‌های اینترنتی، زمینه و محل پژوهش از ابتدا محیط مجازی تعریف می‌شود و یافته‌های پژوهش در چارچوب اجتماعات مجازی تفسیر می‌شوند. در اینجا فرآیند پژوهش از ابتدا با ارجاع به هویت‌ها، کنش‌ها و زبان در جهان مجازی (یا جهان آنلاین) مورد مطالعه قرار می‌گیرد، بدون اینکه این هویت‌ها، کنش‌ها و زبان با مابه‌ازای حقیقی خود در جهان واقعی (یا جهان آفلاین) پیوند برقرار نماید. این هویت‌ها، کنش‌ها و زبان از طریق پارامترهایی فنی در جهان تکنیکی، فضای مجازی را مهیا ساخته و در آن تحقق می‌یابند. در این نوع پژوهش‌ها از آنجا که فضای مجازی به عنوان «محیط» پژوهش تلقی می‌شود، در نتیجه ذیل پژوهش‌های اینترنتی قرار می‌گیرد.



مثال آخر نیز اختصاص دارد به گردآوری داده‌های الکترونیکی از آرشیو لیست‌سروها^۱ یا از وبگاه‌های آرشیوی که نشان‌دهنده نوع دیگری از پژوهش‌های اینترنتی است. در اینجا معمولاً هیچ تعامل مستقیمی میان پژوهنده و مشارکت‌کنندگان (عضو لیست‌سرو یا طراح وبگاه) وجود ندارد، بلکه تجزیه و تحلیل متون و تصاویر اینترنتی محل تمرکز پژوهش است. در این مثال تمامی جهان‌های سه‌گانه فوق می‌توانند با هم همپوشانی داشته باشند و در تعاملی پویا با یکدیگر قرار بگیرند. به تعبیری دیگر، این نوع از پژوهش‌های اینترنتی از اینترنت هم به عنوان ابزار و هم به عنوان محیط استفاده می‌کند. این مثال را می‌توان در پژوهش‌هایی ملاحظه کرد که در ابتدا پژوهنده و مشارکت‌کنندگان در فضای مجازی با یکدیگر مواجه می‌شوند و سپس برای پیش‌برد تحقیقات به صورت چهره‌به‌چهره یکدیگر را ملاقات می‌کنند.

(Maczewski et al 2004, 64-66)

^۱ ListServ: لیست‌سرو برنامه‌ای است که امکان ارسال یک پیام و پراکنده نمودن آن را فراهم می‌آورد. در این برنامه کاربر می‌تواند آدرس‌های رایانامه را جمع‌آوری نموده و آنها را به یک لیست اضافه کند و سپس به جای اینکه پیامی را برای تک تک آنها ارسال کند، این برنامه به صورت خودکار امکان ارسال پیام برای همه آنها در یک لحظه را فراهم می‌کند. این نرم‌افزار طوری طراحی شده است که به افراد امکان می‌دهد پیام‌هایی را برای تمامی افرادی که نام آنها در لیست وجود دارد از طریق ارسال به یک آدرس رایانامه بفرستد. چنین برنامه‌ای افزون بر این کارایی امکان مباحثه گروهی را فراهم می‌کند؛ بدین ترتیب که هر یک از اعضا می‌تواند با تمامی افراد دیگر صحبت کرده و یا اینکه به پیام‌های قبلی آنها پاسخ دهد و تمامی این امور از طریق رایانامه انجام می‌گیرد.



۳-۳. توسعه مفهومی پژوهش‌های اینترنتی

در سال‌های آغازین به کارگیری اینترنت برای تحقق اهداف پژوهشی به نظر می‌رسید که روش‌شناسی‌های پژوهشی سنتی و روش‌های تحقیق مورد استفاده برای پیش‌برد تحقیقات در محیط‌های فیزیکی، برای تحقق اهداف پژوهشی در تعامل‌های مرتبط با فضای مجازی نیز به‌طور کم‌وبیش یکسانی قابل استفاده است. بر همین اساس ادعا می‌گردید که اصول اخلاقی حاکم بر پژوهش‌های سنتی در مواجهه با سوژه‌های انسانی برای پژوهش‌های اینترنتی کاربست‌پذیر است. تا ابتدای قرن بیستم، این دیدگاه در بسیاری از مطالعات نظری و گزارش‌های کمیته‌های اخلاق پژوهش در فضای مجازی قابل مشاهده بود. حتی شواهدی از این دیدگاه را می‌توان در یکی از مهم‌ترین اسناد که مبتنی بر گزارشی از کارگاه ارائه‌شده در حوزه اخلاق پژوهش‌های اینترنتی وابسته به انجمن آمریکایی پیشرفت علم^۱ (AAAS) است، ملاحظه

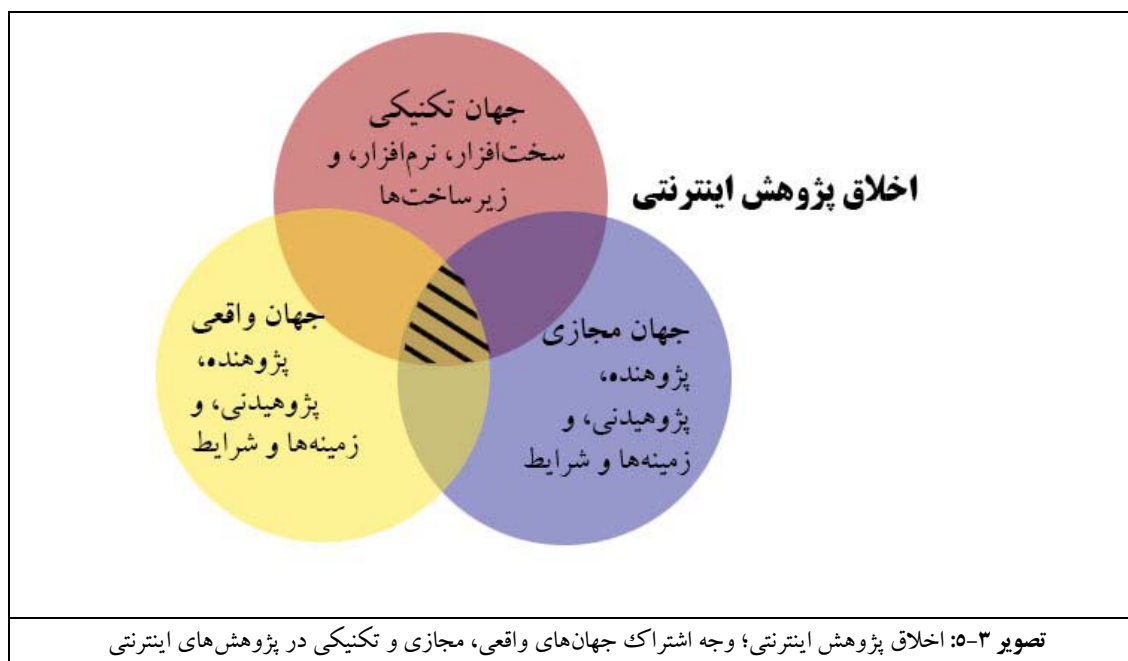
¹ American Association for the Advancement of Science: AAAS

کرد. در این سند با عنوان «جوانب اخلاقی و حقوقی پژوهش درباره سوژه‌های انسانی در محیط اینترنت» (۱۹۹۹) بیان می‌شود که پژوهش از طریق اینترنت موجب پیدایش چالش‌های نوظهور و مسائل پیچیده‌ای در اجتماعات علمی، موضوعات پژوهشی و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با آن گردیده است. همچنین اذعان می‌شود مباحث مطرح در این سند، گامی نخست برای تمرکز بر چالش‌ها و مسائل مطرح در پژوهش‌های اینترنتی است، آنچنان که به‌نظر می‌رسد از نظر کیفی بعضاً متفاوت از چالش‌ها و مسائل پژوهش در جهان فیزیکی است. از این رو، ضرورت توجه به رهنمودها و تدابیری مناسب برای حمایت از سوژه‌های انسانی مورد تحقیق در پژوهش‌های اینترنتی آشکار می‌شود و گمان می‌رود کارآمدی این تدابیر در گرو شناخت مطلوبی از ماهیت اینترنت و جهان وب قرار گرفته است. با این حال، در چنین گزارش‌هایی اصول اخلاقی پژوهش‌های سنتی مبنای عمل برای رفتار اخلاقی با سوژه‌های انسانی مورد تحقیق در پژوهش‌های اینترنتی قرار می‌گیرد، اصولی از قبیل: احترام به کرامت انسانی، احترام به رضایت آزادانه و آگاهانه، حفظ حرمت افراد آسیب‌پذیر، احترام به حریم خصوصی و محرمانگی، احترام به انصاف و عدالت، حفظ تعادل منافع و مضرات، کمینه‌سازی مضرات و بیشینه‌سازی منافع. (Frankel & Siang 1999)

اگرچه این اصول و رهنمودهای اخلاقی برای مدیریت و هدایت پژوهش‌های اینترنتی مفید و کاربرست‌پذیر هستند، اما برای پوشش دادن تعامل‌های انسانی در محیط‌های اینترنتی، توسعه این مفاهیم ضرورت می‌یابد. آنچنان که در اثرات متقابل جهان‌های پژوهشی سه‌گانه در تصاویر فوق نشان داده شد، اگرچه تغییراتی در روش‌های تحقیق برای پژوهش‌های اینترنتی موجّه و پذیرفتنی است، اما شالوده‌هایی تکنیکی که تعامل‌های انسانی و اجتماعی در فضای مجازی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زمینه‌ها و شرایط

فرهنگی متفاوتی را مهیا می‌کند که برای مواجهه با سوژه‌های انسانی مورد تحقیق در پژوهش‌های اینترنتی تحولی بنیادی را به دنبال دارد.

در اینجا نکته دارای اهمیت این است که استفاده از اینترنت در فعالیت‌های پژوهشی به نحو معناداری ناظر به درک و شناخت ظرفیت‌های فرهنگی در بستری است که آن را معنا می‌بخشد. از این رو، پژوهنده برای شناخت شرایط طبیعی نه تنها نیازمند درک و شناخت ضوابط و ارزش‌های فرهنگی در اجتماعات مجازی است، بلکه هم‌چنین بایستی بتواند از مرزهای جهان مجازی به جهان تکنیکی عبور کرده و در هستی جهان واقعی دیجیتال مستقر گردد. این محل استقرار همان وجه اشتراک جهان‌های پژوهشی سه‌گانه (در تصویر ۲-۵) است. از این رو، برای تحقق پژوهش‌هایی اخلاقی در فضای مجازی، بررسی و ملاحظه پیامدهای این پژوهش‌ها نسبت به مشارکت‌کنندگان باید از منظر جهان‌های سه‌گانه واقعی، مجازی و تکنیکی ارزیابی گردد. به عنوان مثال تصور کنید پژوهش مفروضی کاملاً در جهان مجازی انجام می‌شود و در متن این پژوهش، نقل‌قولی از طرف یکی از اعضاء اجتماع یا گروهی مجازی صورت می‌گیرد؛ حال در اینجا برای حمایت از مالکیت محتوایی این نقل‌قول، کدام هویت عضو مذکور باید مد نظر قرار داده شود؟ هویت مجازی یا هویت واقعی وی؟ پژوهنده تا چه اندازه لازم است متن نقل‌قول‌شده مذکور را به‌خاطر غیرقابل شناسایی شدن در موتورهای جست‌وجو، جرح و تعدیل نماید؟ امروزه، فنون جرح و تعدیل‌های گذشته هم‌چون استفاده از واژه‌های مترادف متن ممکن است برای غیرقابل شناسایی شدن نقل‌قول با توجه به اثرات متقابل جهان‌های مجازی، واقعی و تکنیکی و هم‌چنین برای تحقق استلزام‌های اخلاق پژوهش کافی نباشد.



اکنون می‌توان این پرسش را مطرح نمود که جهان مجازی دارای چه ویژگی‌های مهمی است که انواع متفاوتی از تعامل‌های انسانی را در درون خود مهیا می‌سازد؟ به تعبیری دیگر، در گستره پژوهش‌های کاملاً اینترنتی چه ویژگی‌های منحصر به فردی نهفته است که می‌تواند انواع متفاوتی از تعامل میان پژوهنده و مشارکت‌کننده را آشکار نماید؟ در پاسخ می‌توان به سه ویژگی وب جهان گستر با عناوین «ارتباط داشتن»^۱، «تعاملی بودن»^۲ و «ابرمتن بودن»^۳ اشاره کرد که چارچوبی را برای درک و شناخت درهم‌تنیدگی^۴ کاربران به یکدیگر عرضه می‌کند و با پیونددهی ذهنی (غیر مادی) افراد^۵ یا صنعت شبکه‌سازی مشخص می‌شود. خصوصیات تکنیکی از قبیل انتقال داده‌های دیجیتال، محیط‌ها و ابرمتن‌های شبکه‌ای، مفاهیم ارتباط داشتن و تعاملی بودن را در میان کاربران آشکار و فعال می‌کند. این خصوصیات

^۱ connectivity

^۲ interactivity

^۳ hypertextuality

^۴ webbedness

^۵ mental linking of people

تکنیکی، برای سامان‌دهی‌های زمانی و مکانی متعدد در اینترنت، حیاتی هستند به‌طوری که انواع

تعامل‌های انسانی در فضای مجازی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (Maczewski et al 2004, 66-67)

مفاهیم تعاملی بودن و ارتباط داشتن مستلزم برخورداری از اطلاعاتی است که در وب جهان‌گستر به‌طور همزمان، به‌سرعت و به‌نحوی توزیع‌شده انتقال می‌یابد. در محیط‌های شبکه‌ای، این الگوی قدرت نسبت به جهان واقعی از شکل سلسله‌مراتبی کمتری برخوردار است و به‌جای ساختاری خطی در جهان واقعی، از ساختاری توزیعی در وب جهان‌گستر پشتیبانی می‌شود. الگوی قدرت در وب جهان‌گستر اساساً ذیل نهادهای سلسله‌مراتبی قرار نمی‌گیرد، بلکه در میان تعامل‌های محلی و سراسری شبکه‌ای پویا در ساختارهای سازمانی نوظهوری توزیع می‌شود. به عنوان مثال، ابرپیوندها و رایانامه‌ها افراد را قادر می‌سازند تا با یکدیگر پیوند آنی، محلی و سراسری، غیرهمزمان و همزمان برقرار کنند. در نتیجه، زمان و مکان درهم می‌نورند: افراد منتظر پاسخ‌های سریع به رایانامه‌ها هستند، دستیابی به هر کس در هر زمانی و امکان دسترسی به اطلاعات آنلاین در ۲۴ ساعت شبانه‌روز مهیا می‌شود. انتقال‌دهندگان داده‌های دیجیتالی می‌توانند انتقال اطلاعات را به‌نحوی سریع‌تر و آنی‌تر از اشکال گذشته انتقال اطلاعات (در ابزارهایی هم‌چون تلفن، تلکس و فاکس) فراهم کنند. اطلاعات برآمده از داده‌های دیجیتالی در مقایسه با ابزارهای سنتی ذخیره‌سازی داده‌ها با سهولت بیشتری ذخیره و تکثیر می‌شوند. رکوردها و اسناد ثبت‌شده تمامی تعامل‌های انسانی به آسانی نگهداری و در عین حال ردیابی می‌شوند. این شرایط نوظهور، متمایز از دسترسی به اطلاعات در جهان واقعی است، جهانی که در آن خطی بودن الگوهای ارتباطی متداول و مرسوم است. سهولت، دسترس‌پذیری، سرعت و تعاملی بودن، پویایی موجود در تعامل‌های آنلاین است که معمولاً کاربران آنلاین نیز چنین انتظاری دارند.

افزون بر این، در محیط‌های صرفاً متنی جهان مجازی، دچار فقدان برخی نشانه‌ها یا علائم تعامل‌های فیزیکی در جهان واقعی می‌شویم که این نشانه‌ها در بسیاری از قضاوت‌ها و مفروضات اولیه در مواجهه با جهان نقش به‌سزایی دارند. نشانه‌ها یا علائم فیزیکی گم‌شده در جهان مجازی هم‌چون جنسیت، سن و نژاد بیانگر آن است که افراد هویت خود را در این جهان جست‌وجو می‌کنند و خود را به طرق متفاوتی تجربه می‌نمایند. از این رو، در جهان مجازی درک متفاوتی از هویت^۱ و تن‌یافتگی^۲ تسهیل می‌گردد، آنچنان که به‌نحوی دیگر تغییر در الگوهای قدرت را در میان تعامل‌های مردم ترویج می‌دهد. همین ویژگی‌های منحصر به فرد در فضای مجازی است که الگوهای مسلط جهان واقعی در تعامل‌های انسانی را خدشه‌دار می‌کند. در نتیجه، فرآیند پژوهش در فضای مجازی دستخوش تحول شده و به همان میزان استلزام‌های اخلاقی توسعه‌یافته‌ای را برای این فرآیند طلب می‌کند. بخش مهمی از این تحولات، مفهوم سوژه‌های انسانی در پژوهش‌های اینترنتی را تحت تأثیر قرار داد، آنچنان که در فصل آتی به این مهم پرداخته می‌شود. (Maczewski et al 2004, 66-67)

¹ identity

² embodiment

۴. فصل چهارم: اخلاق پژوهش در فضای مجازی

آنچنان که در فصل پیش اشاره شد، پژوهش‌های اینترنتی در تعامل میان جهان مجازی (یا آنلاین)، جهان واقعی (یا آفلاین)، و جهان تکنیکی شکل می‌گیرد. در این پژوهش‌ها هم پژوهنده و هم سوژه(های) پژوهیدنی در اجتماعات واقعی و مجازی از پارامترهای فرهنگی خاص خود برخوردارند و تعامل‌های فناوری‌محور آنان تحت تأثیر متقابل این سه جهان قرار می‌گیرد. بر این اساس، استلزام‌های اخلاقی در فرآیند چنین فعالیت‌هایی پژوهشی، باید در زمینه‌ها و شرایطی منحصر به فرد و موقعیت‌های خاص هر یک از این پژوهش‌ها و تحت تأثیر مناسبات و اقتضائات این سه جهان بررسی شود. در این تعامل سه‌گانه، اینترنت می‌تواند به عنوان ابزار، به عنوان محیط و توأمان به عنوان ابزار و محیط پژوهش در پژوهش‌های اینترنتی به کار گرفته شود. استفاده از اینترنت در فعالیت‌های پژوهشی به‌نحو معناداری ناظر به درک و شناخت ظرفیت‌های فرهنگی در بستری است که آن را معنا می‌بخشد. از این رو، برای تحقق پژوهش‌هایی اخلاقی در فضای مجازی، بررسی و ملاحظه پیامدهای این پژوهش‌ها نسبت به مشارکت‌کنندگان باید از منظر جهان‌های سه‌گانه واقعی، مجازی و تکنیکی مورد ارزیابی واقع شود. مطابق با این چارچوب مفهومی، در این فصل به معرفی اخلاق پژوهش اینترنتی پرداخته می‌شود. در ادامه، روند تحول سوژه‌های انسانی پژوهیدنی در پژوهش‌های اینترنتی بحث و بررسی می‌گردد. و در پایان این فصل، با معرفی برخی گروه‌ها و هیئت‌های اخلاق پژوهش و تلاش آنها برای ارائه چارچوب‌هایی اخلاقی در پژوهش‌های اینترنتی، سیر رشد و گسترش اخلاق پژوهش در فضای مجازی از دهه ۹۰ میلادی تاکنون، به‌نحوی گذرا بررسی خواهد شد.

۴-۱. تعریف اخلاق پژوهش اینترنتی

در اخلاق پژوهش اینترنتی^۱ یا IRE به تجزیه و تحلیل مسائل اخلاقی و به کارگیری اصول اخلاق پژوهش در رابطه با فعالیت‌های پژوهشی «با اینترنت» (اینترنت به مثابه ابزار پژوهش) و «در اینترنت» (اینترنت به مثابه محیط پژوهش) پرداخته می‌شود. پژوهش اینترنتی^۲ به نوعی از فعالیت‌های تحقیقاتی اشاره دارد که در آن از اینترنت برای جمع‌آوری اطلاعات توسط ابزاری آنلاین استفاده می‌شود (مواردی از قبیل پیمایش‌های آنلاین؛ مثلاً بررسی چگونگی استفاده مردم از اینترنت) و یا اینکه از اینترنت برای جمع‌آوری داده‌ها و بررسی فعالیت‌ها در محیطی آنلاین بهره‌برداری می‌گردد (مواردی همچون استفاده از مجموعه داده‌ها، پایگاه داده‌ها یا مخزن‌های آنلاین).

در سال ۲۰۱۲ کمیته مشورتی اداره حمایت از پژوهش‌های انسانی در ایالات متحده^۳، فعالیت‌های پژوهشی زیر را به عنوان مصادیقی از پژوهش‌های اینترنتی برشمرد و این حوزه مطالعاتی را گسترش داد:

- اطلاعاتی پژوهشی که معمولاً از طریق اینترنت یا بر روی اینترنت قابل دسترسی است، بدون تعامل مستقیم با سوژه‌های انسانی (بلکه از طریق برداشت، استخراج، پروفایل‌گردی، مشاهده یا ضبط مجموعه داده‌های موجود، تعاملات در اتاق‌های گپ، وبلاگ‌ها، مرسوله‌های رسانه‌های اجتماعی، و...)
- پژوهش‌هایی که از اینترنت به عنوان یک رسانه برای جذب یا تعامل با سوژه‌های پژوهیدنی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم (وبگاه‌های خودآزمون، ابزارهای پیمایش، و...) استفاده می‌کند؛

¹ Internet Research Ethics: IRE

² Internet-based research

³ The United States Secretary's Advisory Committee to the Office for Human Research Protections

- پژوهش‌هایی درباره خودِ اینترنت و پیامدهای آن (استفاده از الگوها یا پیامدهای رسانه‌های اجتماعی، مسئله پالایش یا فیلترینگ اطلاعات توسط موتورهای جست‌وجو، تحول و تکامل مسائل اخلاقی در فضای مجازی، و...)

- پژوهش‌هایی درباره کاربران اینترنتی و رفتارهای آنان در فضای مجازی، شامل آنچه انجام می‌دهند، و اینکه چگونه اینترنت افراد و رفتارهای ایشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛

- پژوهش‌هایی که در آن‌ها، اینترنت به عنوان ابزاری مداخله‌گر^۱ مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند مداخله‌هایی که رفتار سوژه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛

- پژوهش‌هایی که سوژه‌های پژوهیدنی خود را در محیط وب یا از طریق ابزارهای اینترنتی جذب و استخدام می‌کند، مثلاً رسانه‌های اجتماعی؛

- و در نهایت، انواع روش‌ها و پژوهش‌های در حال ظهوری که بر بستر اینترنت قرار گرفته و فضای مجازی را پلتفرم یا سکوی خود قرار می‌دهند، مانند پژوهش‌های مبتنی بر موبایل^۲. (Buchanan

& Zimmer 2016)

با توجه به این چشم‌انداز گسترده از پژوهش‌های اینترنتی، این گستره را می‌توان با معیار چگونگی استفاده از اینترنت در این پژوهش‌ها به دو قلمرو تقسیم کرد: «اینترنت به عنوان ابزار پژوهش^۳» و «اینترنت به عنوان محیط پژوهش^۴». گسترده‌ترین امکانات اینترنت که به عنوان ابزار پژوهش در خدمت فعالیت‌های پژوهشی قرار گرفت، عمدتاً متأثر از خدمات وب ۱ بود. مواردی از قبیل موتورهای جست‌وجو،

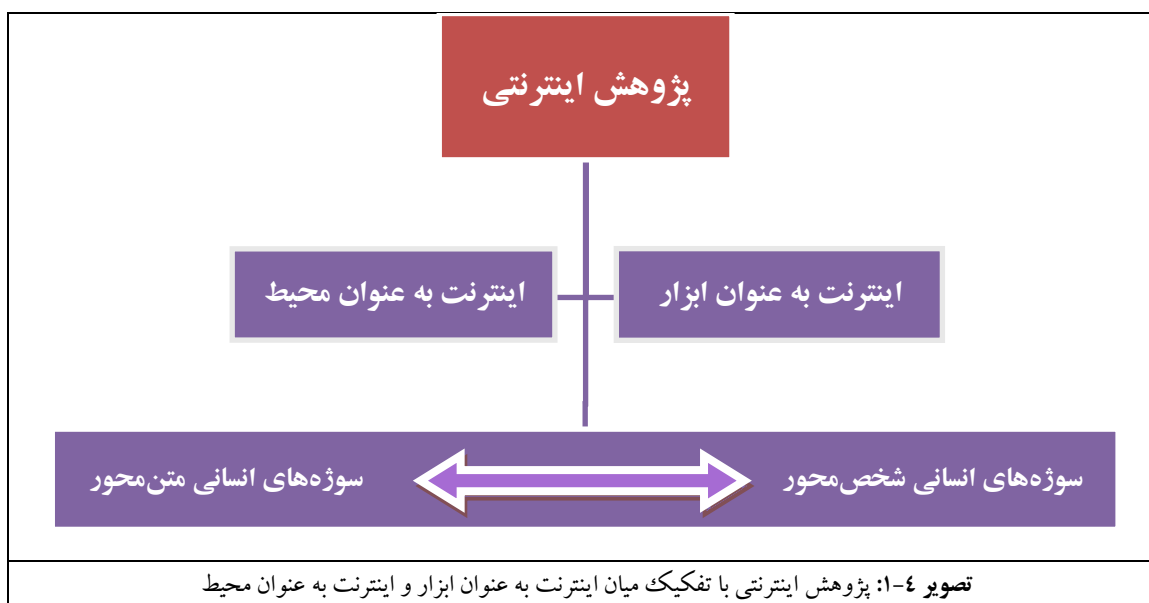
^۱ interventional tool

^۲ m-research: mobile research

^۳ internet as a research tool

^۴ internet as a research venue

جمع‌آوری داده‌ها، پایگاه داده‌ها، کاتالوگ‌ها، و مخازن داده‌ها، نمونه‌هایی از تلقی اینترنت به منزله ابزاری برای تسهیل فعالیت‌ها پژوهشی است. همچنین، گسترده‌ترین امکانات اینترنت که به عنوان محیط پژوهش در خدمت فعالیت‌های پژوهشی قرار گرفته است، عمدتاً متأثر از خدمات وب^۲ است. این موارد شامل محل‌ها و موقعیت‌هایی برای کاربری‌های محاوره‌ای (نظیر اتاق‌های چت)، گروه‌های خبری، صفحات وب، وبلاگ‌ها، میکرو بلاگ‌ها (همچون توییتر)، و بسیاری دیگر از خدمات تعاملی وب^۲ است.



تقسیم‌بندی فوق که تحت تأثیر خدمات توسعه‌یافته دو نسل از وب جهان‌گستر شکل گرفته است، می‌تواند مبنای تمایز دیگری در پژوهش‌های اینترنتی قرار بگیرد؛ «پژوهش اینترنتی غیروابسته به وب^۱» و «پژوهش اینترنتی وابسته به وب^۲». پژوهش‌های غیروابسته به وب، به تکنیک‌هایی از جمع‌آوری داده‌ها اشاره می‌کند که در وضعیت و شرایط عادی، وبگاه یا اجتماعات سایبری با وقفه‌ای مواجه نشود یا برای دستیابی به متن

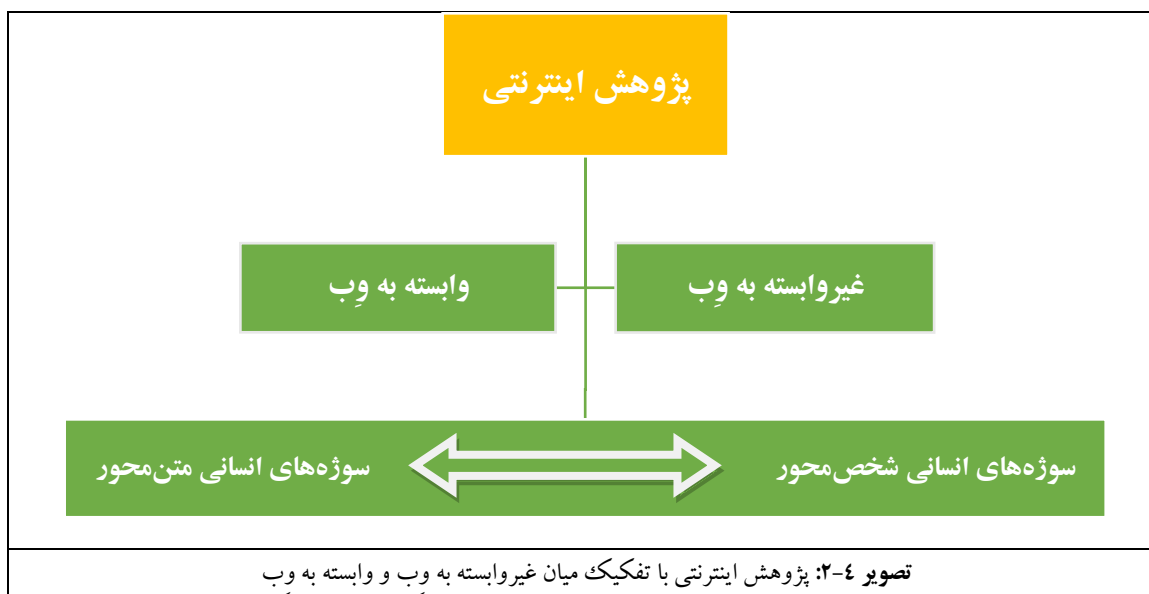
^۱ non-intrusive web-based research

^۲ engaged web-based research

پیش‌تولیدی، ممانعتی ایجاد نگردد. در مقابل، در پژوهش‌های وابسته به وب برای انجام فعالیت‌های پژوهشی و به‌منظور دخالت مشارکت‌کنندگان منبع وب، دستیابی مستمر به وبگاه یا اجتماعات سایبری ضروری است. هر دو الگوی تمایزگذاری مذکور میان پژوهش‌های اینترنتی، طیفی از سوژه‌های انسانی را در برابر محققان قرار می‌دهد که هر سوی این طیف برای حمایت از سوژه‌های انسانی نیازمند شیوه‌ای مناسب و مقتضی است. دو سوی این طیف را سوژه‌های انسانی «شخص‌محور»^۱ در برابر سوژه‌های انسانی «متن‌محور»^۲ تشکیل می‌دهند. اکنون برای حمایت از سوژه‌های انسانی به متغیرهایی طیفی در فعالیت‌های پژوهشی نیازمندیم. به بیانی دیگر، مفاهیمی همچون حریم عمومی/خصوصی، حساسیت موضوعی، درجه تعامل، و آسیب‌پذیری سوژه‌ها به عنوان متغیرهایی شناخته می‌شوند که از طریق آنها می‌توان تعیین کرد هر پژوهش مفروضی در کجای طیف سوژه‌های انسانی متن‌محور یا سوژه‌های انسانی شخص‌محور قرار می‌گیرد. به عنوان مثال در مسئله کسب رضایت آگاهانه، تحت تأثیر این نگاه طیفی به سوژه‌های انسانی مشخص می‌شود که در فرآیند پژوهشی اینترنتی، چه سوژه‌هایی نیازمند رضایت آگاهانه بوده و چه سوژه‌هایی بی‌نیاز از آن هستند. (Buchanan & Zimmer 2012)

¹ person-based

² text-based



اگرچه از نظر مفهومی تعیین میزان مشارکت سوژه‌های انسانی (سهم شخص محوری یا متن محوری آن) سودمند است، اما تمایز میان اینترنت به عنوان ابزار پژوهش در برابر اینترنت به عنوان محیط پژوهش یا پژوهش غیروابسته به وب در برابر پژوهش وابسته به وب در مواجهه با برخی از امکانات موجود در فضای مجازی دشوار است، در مواردی همچون رسانه‌های اجتماعی و به‌طور کلی نرم‌افزارها و برنامه‌های شخص ثالث^۱، تعیین این میزان مشارکت آسان نیست چرا که مرز میان تقسیم‌بندی‌های فوق به‌طور فزاینده‌ای محو شده و فرومی‌پاشد. این بی‌مرزی ریشه در مفهوم رسانه‌های اجتماعی دارد، زیرا آنها «مجموعه‌ای از برنامه‌های مبتنی بر اینترنت هستند که بر اساس مبانی ایدئولوژیکی و تکنولوژیکی در وب ۲ بنا می‌گردد و

^۱ third party applications: برنامه‌های شخص ثالث، برنامه‌هایی هستند که برای فعالیت درون سیستم عامل‌ها نوشته می‌شود، اما به وسیله اشخاص یا شرکت‌هایی غیر از تولیدکننده سیستم عامل مذکور برنامه‌نویسی و تولید می‌شوند. به عنوان مثال، سیستم عامل مایکروسافت معمولاً به همراه بسته‌ای از چندین برنامه نرم‌افزاری عرضه می‌شود. در این بسته نرم‌افزاری، برنامه‌هایی که توسط شرکت مایکروسافت تولید و ضمیمه گردیده است، برنامه‌های شخص اول (first party) نام دارد و برنامه‌هایی که به وسیله شرکتی دیگر تهیه شده اما سازگار با بسته نرم‌افزاری مایکروسافت است، برنامه شخص ثالث نامیده می‌شود. برنامه‌های شخص ثالث می‌توانند برنامه‌هایی مستقل یا پلاگین‌های کوچکی باشند که قابلیت‌هایی را به برنامه اصلی می‌افزایند.

امکان ایجاد و تغییر محتوای تولیدشده توسط کاربر را میسر می‌کند.^۱ یک «سایت شبکه اجتماعی» دسته‌ای از وبگاه‌ها به همراه پروفایل‌ها با حواشی و تعلیقات عمومی شبه‌ماندگاری بر این پروفایل‌هاست که در قالب یک شبکه اجتماعی به هم پیوسته عمومی و قابل گذر به دیگر پروفایل‌ها تجلی می‌یابد.

اساساً در استفاده روزافزون از سایت‌ها و برنامه‌های شخص ثالث از قبیل فیس‌بوک، گوگل پلاس، یا هر یک از ابزارهای پیمایش آنلاین که در این شبکه‌های اجتماعی سوژه یا مشارکت‌کننده درگیر می‌شود، به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته می‌شود، تحلیل داده‌ها هدف قرار می‌گیرد، و در نهایت به انتشار داده‌ها اقدام می‌شود، هر یک از این فعالیت‌ها به نوعی می‌تواند فروپاشی این مرزها (اینترنت به عنوان ابزار/ محیط یا وابسته/ غیروابسته به وب) را هویدا نماید. به عنوان مثال، این سایت‌ها دغدغه‌های مالکیت اطلاعات و حریم خصوصی را پررنگ‌تر نموده‌اند؛ آیا شما مالک پروفایل فیس‌بوک خود هستید یا فیس‌بوک مالک پروفایل شما؟ به نظر می‌رسد قوانین و مقررات شرایط استفاده از خدمات (TOS)^۱ یا توافق‌نامه کاربر نهایی^۲ در این سایت‌ها اغلب ناقص، مبهم و مبتنی بر قوانین و مقررات یک موقعیت و محل خاص است،

^۱ Terms of Service: شرایط استفاده از خدمات (یا شرایط استفاده یا شرایط و ضوابط) قوانینی هستند که فرد باید برای برقراری و استمرار استفاده از خدمات، این قوانین را بپذیرد. شرایط استفاده از خدمات صرفاً می‌تواند سلب مسئولیتی خصوصاً در رابطه با وبگاه‌ها باشد. توافق بر شرایط استفاده از خدمات عمدتاً برای اهداف حقوقی توسط وبگاه‌ها یا فراهم‌کنندگان خدمات اینترنت که داده‌های شخصی کاربر را ذخیره می‌کنند مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ از قبیل خدمات وبگاه‌های مرتبط با تجارت الکترونیکی یا شبکه‌های اجتماعی. موافقت‌نامه قانونی شرایط استفاده از خدمات، به لحاظ حقوقی الزام‌آور است، ولی می‌تواند در معرض تغییر قرار بگیرد.

^۲ EULA یا end-user license agreement: طبق تعریف، «توافق‌نامه کاربر نهایی»، قراردادی بین مشتری و فروشنده یا توسعه‌دهنده نرم‌افزار است. نحوه پذیرش این قراردادها متفاوت است. گاهی این کار به سادگی بازکردن پوشش حاوی نرم‌افزار صورت می‌گیرد (توافق بسته‌ای یا Shrink Wrap) به‌طوری که شما با برداشتن پوشش روی بسته و استفاده از نرم‌افزار، عملاً اعلام می‌کنید که قرارداد را با همه شروط قید شده در آن پذیرفته‌اید. با این حال، متداول‌ترین نوع EULA کادر محاوره‌ای است که تحت عنوان توافق مبتنی بر کلیک (click Wrap) نیز شناخته می‌شود و با نخستین استفاده از نرم‌افزار، روی صفحه ظاهر شده و کاربر مجبور است پیش از شروع به استفاده از نرم‌افزار، موافقت خود را با مفاد آن اعلام کند؛ که این کار معمولاً با زدن دکمه‌ای نظیر «I Agree» یا علامت یا لینکی با همین مضمون صورت می‌گیرد. نکته‌ای که در مورد این نوع قراردادها باید در نظر داشت، این است که به‌روزرسانی‌های نرم‌افزاری و وصله‌هایی که ممکن است در آینده از سوی شرکت عرضه‌کننده ارائه

در حالی که تلاش شده است این قوانین در موقعیتی لامکانی^۱ به اجرا گذاشته شود. (Buchanan & Zimmer 2012)

به هر حال، امروزه پژوهندگان به طور مکرر به استفاده از ابزارهای تجمع داده‌ها، برداشت داده‌ها از روی پروفایل‌ها یا ثبت تراکنش‌های کاربری، برداشت داده‌ها از جریان‌های توییتری، یا ذخیره‌سازی داده‌ها بر روی سرورهای ابری (همچون دراپ‌باکس^۲) می‌پردازند و صرفاً پس از موافقت با «شرایط استفاده از خدمات» می‌توانند از این سایت‌ها و اطلاعات موجود بر آنها استفاده کنند. استفاده از این ابزارها یا برنامه‌های کاربردی شخص ثالث، ابعاد مختلف و اساسی پژوهش را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این همان ویژگی‌های منحصربه‌فرد پژوهش‌های اینترنتی در جهان امروز است. آنچنان که پیش‌تر نیز اشاره شد، این ویژگی‌های منحصربه‌فرد به تغییر و تحولات قابل توجهی در مفاهیمی نظیر حریم خصوصی و محرمانگی^۳، رضایت آگاهانه^۴، مالکیت داده‌ها^۵، گمنامی و ناشناختگی^۶ و مسائلی دیگر در پژوهش‌های اینترنتی منجر می‌شود. پدیده وب اجتماعی برآمده از وب ۲ بحث‌های چالش‌برانگیز مستمری پیرامون پژوهندگان و منابع داده یا سوژه‌های انسانی پژوهیدنی آنان را تشدید و تقویت می‌نماید. از این رو برای تبیین و تشریح این تحولات، ابتدا لازم است مفهوم سنتی سوژه‌های انسانی یا همان مشارکت‌کنندگان در پژوهش‌های غیراینترنتی مورد تأمل قرار گرفته و در ادامه، توسعه مفهومی سوژه‌های انسانی در پژوهش‌های اینترنتی بحث و بررسی گردد.

شوند، می‌توانند EULA های جدید یا به‌روزرسانی شده‌ای به همراه داشته باشند و شروطی متفاوت از آنچه در نسخه اصلی آمده در آن‌ها قید شده باشد و پذیرفتن EULA نرم‌افزار اصلی به معنی پذیرفتن تمامی این شرایط نیز هست.

¹ non-place based

² Dropbox

³ privacy and confidentiality

⁴ informed consent

⁵ data ownership

⁶ anonymity

۴-۲. تحولی در سوژه‌های انسانی پژوهیدنی

استلزام‌های عملی، حرفه‌ای و نظری برای حمایت از سوژه‌های انسانی به‌طور گسترده‌ای در ادبیات پژوهشی حوزه‌های علمی متعدد جای گرفته است، حوزه‌هایی از قبیل علوم پزشکی و زیست‌پزشکی، علوم اجتماعی، علوم رایانه، علوم مهندسی، و... . پیشینه حمایت از سوژه‌های انسانی به جنایت‌های جنگی همچون آزمایش‌های انسانی نازی‌ها در مدت جنگ جهانی دوم باز می‌گردد که به سند نورمبرگ^۱ در ۱۹۴۷ منجر شد و به دنبال آن بیانیه هلسینکی^۲ با محتوای اصول اخلاقی در تحقیقات پزشکی درگیر با سوژه‌ها انسانی را در پی داشت. به دنبال واقعه تحقیقات پزشکی سازمان خدمات بهداشت عمومی آمریکا درباره شیوع گسترده بیماری سفلیس در شهر تاسکیگی^۳ و اجتناب محققان از تجویز پنی‌سیلین به بیماران به‌خاطر عدم اختلال در فرآیندهای تحقیقاتی خود به مدت ده‌ها سال، وزارت سلامت و خدمات انسانی ایالات متحده، مجموعه‌ای از مقررات را برای تحت پوشش قرار دادن حمایت از سوژه‌های انسانی عرضه نمود. این سند با نام «اصول و رهنمودهای اخلاقی در حمایت از سوژه‌های انسانی پژوهیدنی»^۴ توسط کمیسیون ملی حمایت از سوژه‌های انسانی در تحقیقات زیست‌پزشکی و رفتاری منتشر گردید و تحت عنوان گزارش بلمونت^۵ از آن یاد می‌شود. این گزارش سه اصل بنیادین اخلاقی را برای تمامی سوژه‌های انسانی پژوهیدنی معرفی می‌کند: احترام به شخص^۶، احسان^۷، و انصاف^۸.

^۱ Nuremberg Code

^۲ Declaration of Helsinki

^۳ Tuskegee

^۴ Ethical Principles and Guidelines for the Protection of Human Subjects of Research

^۵ Belmont Report

^۶ respect for person

^۷ beneficence

^۸ justice

علی‌رغم، خصوصیات فرهنگی متفاوت در هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش در سراسر جهان، در سال ۲۰۱۱ در تحقیقی نشان داده شده است که نقش و کارکرد بیشتر هیئت‌های بررسی اخلاق و موارد مشابه آن در نقاط مختلف جهان، متمرکز بر موضوعاتی نظیر مخاطره و زیان^۱، انصاف، احترام به اشخاص از طریق کسب رضایت آگاهانه^۲ بوده است. در دهه آغازین قرن بیست‌ویکم، تلاش‌های بسیاری از سوی هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش به منظور مطالعه راه‌های متعددی که مدل‌های سنتی پژوهش برای حمایت از سوژه‌های انسانی در موقعیت‌های پیچیده پژوهش‌های اینترنتی به کار گرفته یا قابل به کارگیری بود، صورت گرفت. یکی از این موارد توسعه مفهومی و تعریف مجددی از سوژه‌های انسانی پژوهیدنی توسط وزارت بهداشت و خدمات انسانی ایالات متحده^۳ و دفتر حمایت از پژوهش‌های انسانی^۴ بود.

(Buchanan & Zimmer 2012)

تعریف سوژه انسانی: سوژه انسانی به معنای فردی زنده است که پژوهنده‌ای درباره وی به تحقیق و تحصیل موارد زیر می‌پردازد: (۱) داده‌های حاصل از مداخله یا تعامل با فرد مذکور، یا (۲) اطلاعات خصوصی قابل شناسایی.

مطابق این تعریف، مداخله شامل هم فرآیندهای فیزیکی است که از این طریق داده‌ها گردآوری می‌شوند و هم دربردارنده دستکاری سوژه‌ها و محیط سوژه که با توجه به اهداف تحقیق صورت می‌گیرد. تعامل شامل ارتباط از طریق تماس بین فردی میان محقق و سوژه است. اطلاعات خصوصی دربردارنده هرگونه اطلاعات درباره رفتاری است که در موقعیتی رخ داده و فرد می‌تواند به نحوی معقول انتظار داشته

¹ risk and harm

² informed consent

³ United States Department of Health and Human Services: DHHS

⁴ Office for Human Research Protections: OHRP

باشد که در آن موقعیت، هیچ مشاهده یا ثبت وضبطی صورت نمی‌گیرد، اما وقتی این اطلاعات برای اهداف خاصی توسط فرد ارائه می‌شود، فرد مذکور می‌تواند به نحوی معقول انتظار داشته باشد که آن اطلاعات عمومی نخواهد شد (مثلاً اطلاعات پزشکی). اطلاعات حریم خصوصی باید به نحوی انحصاری قابل شناسایی باشد (برای مثال، هویت سوژه ممکن است به سهولت توسط پژوهنده یا به خاطر پیوند با اطلاعات مربوطه مشخص شود) به طوری که حصول این اطلاعات منوط به پژوهش‌هایی است که درگیر سوژه‌های انسانی می‌شود. (OHRP, 2008)

با پیدایش اخلاق پژوهش در فضای مجازی، دو مفهوم جدید وارد ادبیات سوژه‌های انسانی می‌شود: ناسوژه‌های انسانی پژوهیدنی^۱ و آسیب‌پذیری سوژه‌های انسانی پژوهیدنی^۲. ناسوژه‌های انسانی پژوهیدنی به عنوان مقوله‌ای مفهومی و نه به عنوان جایگزین بدیل سوژه‌های انسانی پژوهیدنی معرفی می‌شود، آنچنان که مقوله دیگری برای بررسی ملاحظات اخلاقی در حوزه اخلاق پژوهش است. «ناسوژه‌های انسانی پژوهیدنی» ذیل پیشرفت‌های فناورانه و گسترش پژوهش‌هایی که از اطلاعات هویت‌زدایی شده^۳ درباره انسان‌ها استفاده می‌کند، فرصت ظهور یافته است. به بیانی دیگر، ناسوژه‌های انسانی پژوهیدنی در رابطه با اطلاعات سوژه‌های انسانی پژوهیدنی است که به ظاهر از این اطلاعات هویت‌زدایی می‌گردد و امکان پیوند آنها به هویت واقعی سوژه‌های انسانی و شناسایی آنان از بین می‌رود، اما فناوری‌های جدید ژنتیکی یا اطلاعاتی بعضاً می‌توانند برقراری پیوند این اطلاعات به هویت سوژه‌های انسانی و شناسایی مجدد آنان را میسر سازند و این موضوع مخاطرات و پیامدهای اخلاقی متعددی را به همراه دارد. به عنوان

¹ human non-subjects research

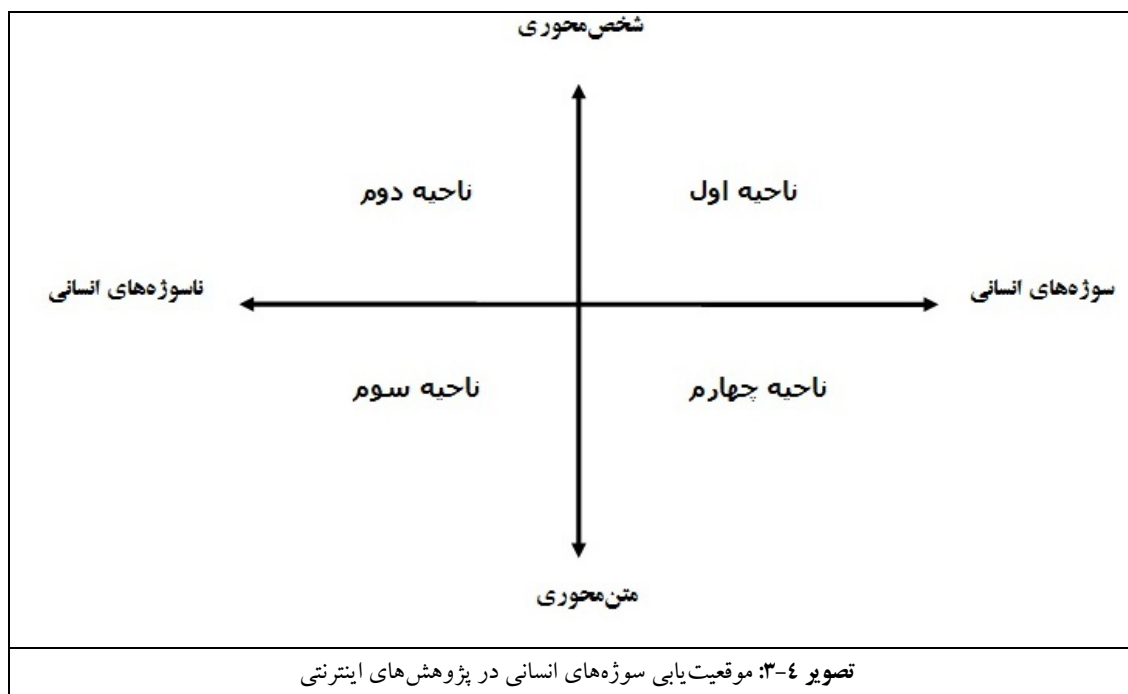
² human harming research

³ deidentified information

مثال، داده‌های ژنتیکی یا متغیرهای گسسته از یک مجموعه داده، خصوصاً در رابطه با بانک پیوند اعضا یا داده‌های هویت‌زدایی‌شده موجود در انبارها که برای تحقیقاتی دیگر (فراتر از اهداف تحقیقاتی اولیه) مورد استفاده مجدد قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، فرض کنید فرد مورد پژوهش ممکن است برای تحقیق اول، مثلاً آزمایشی بالینی، رضایت خود را اعلام کرده باشد، اما وی برای تحقیق دوم رضایت خود را اعلام نکرده، و همچنین دریافت رضایت آگاهانه به‌دلایلی ناممکن است. اما در اینجا نمونه‌های مورد تحقیق می‌تواند مخاطرات ناشی از امکان تعیین هویت مجدد فرد مورد پژوهش را به‌همراه داشته باشد.

(Brothers & Clayton 2010, 15-17)

مطابق با چنین نگاهی به سوژه‌های انسانی در پژوهش‌های اینترنتی می‌توان بیان نمود که هر پژوهشی اینترنتی ابتدا بایستی با محوریت تعیین جایگاه سوژه‌های انسانی پژوهیدنی موقعیت‌یابی گردد. به عبارت دیگر، سوژه‌های پژوهیدنی در پژوهش‌های اینترنتی باید از یک سو بر روی محور سوژه‌های انسانی - ناسوژه‌های انسانی موقعیت‌یابی شوند و از سویی دیگر بر روی محور شخص‌محوری - متن‌محوری مورد سنجش قرار بگیرند. موقعیت‌یابی سوژه‌های انسانی در پژوهش‌های اینترنتی را می‌توان در تصویر ۳-۴ نمایش داد:



مطابق با محورهای فوق، چهار ناحیه ترسیم می‌شود که هر ناحیه برخی از سوژه‌های انسانی پژوهیدنی در فضای مجازی را نمایندگی می‌کند. ناحیه اول شامل سوژه‌های انسانی شخص‌محور است، برای نمونه می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره نمود که پژوهنده از طریق نرم‌افزار اسکایپ با سوژه پژوهیدنی خود در حال مذاکره است. ناحیه دوم دربردارنده ناسوژه‌های انسانی شخص‌محور است، به عنوان مثال می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره نمود که سوژه‌های پژوهیدنی خود را آواتارهای افراد قرار داده است. ناحیه سوم شامل ناسوژه‌های انسانی متن‌محور است، به عنوان نمونه می‌توان محتوای وبلاگ‌ها را سوژه پژوهشی خود قرار داد. و ناحیه چهارم دربردارنده سوژه‌های انسانی متن‌محور است که نمونه‌ای از این سوژه‌های پژوهیدنی، پروفایل افراد در شبکه‌های اجتماعی است.

همچنین «آسیب‌پذیری سوژه‌های انسانی پژوهیدنی» به عنوان متغیری در تحقیقات مرتبط با سوژه‌های انسانی در فضای مجازی، یا به‌نحوی خاص‌تر، پژوهش‌های مبتنی بر علوم رایانه یا فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی معرفی می‌شود. ذیل این مفهوم، گروه‌ها و هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش ترغیب می‌شوند که از بررسی احراز رضایت آگاهانه به سوی بررسی و تجزیه و تحلیل مخاطرات بالقوه ناشی از تحقیقات گذر کنند، تحقیقاتی که در آن پژوهنده به‌صورت غیرمستقیم فرد یا افراد مورد پژوهش را در معرض خطر قرار می‌دهد. فاصله میان فرد پژوهنده و فرد پژوهیدنی در فضای مجازی نشان می‌دهد که در این عرصه از پژوهش تغییری پارادایمی لازم است. از این رو، باید توجه و تمرکز خود را بیش از «سوژه‌های انسانی پژوهیدنی» (به معنای سنتی‌اش)، بر «آسیب‌پذیری سوژه‌های انسانی پژوهیدنی» قرار داد. پژوهندگان و هیئت‌های بررسی اخلاق باید میان انجام مخاطرات مرتبط با پژوهش‌های خاص و مخاطرات مرتبط با فناوری‌های مورد استفاده برای پژوهش مورد نظر، توازنی منصفانه برقرار نمایند. (Carpenter & Dittrich

2011, 25-27)



به نظر می‌رسد به کارگیری این دو ایده مفهومی (ناسوژه‌های انسانی پژوهیدنی و آسیب‌پذیری سوژه‌های انسانی پژوهیدنی) در پژوهش‌های اینترنتی و مجازی، با توجه به اشکال نوظهور هویت‌ها یا اطلاعات شخصی قابل شناسایی (PII)^۱ از قبیل آواتارها، موجودات مجازی، ربات‌ها، اطلاعات متنی و اطلاعات گرافیکی کارآمدتر و مؤثرترند. به عنوان مثال، در ایالات متحده، این اشکال جدید از بازنمایی‌ها سوژه‌هایی انسانی در نظر گرفته می‌شوند اگر PII در رابطه با افراد زنده شناخته گردد. در فضای مجازی، PII می‌تواند توسط پژوهندگان با خراشیدن منابع داده، پروفایل‌ها یا آواتارها (یا دیگر داده‌های عرضه شده توسط انسان‌ها پشت آواتارها یا دیگر بازنمایی‌ها) دستیابی و قابل شناسایی گردد. به نظر می‌رسد یک آواتار صرفاً نمایاننده مجموعه‌ای از پیکسل‌ها نیست، بلکه می‌تواند هویت واقعی کاربری را نمایندگی می‌کند. (Odwazny & Buchanan 2011)

۴-۳. رشد و گسترش اخلاق پژوهش در فضای مجازی

همچنان که از دهه ۱۹۹۰ استفاده از اینترنت در فعالیت‌های پژوهشی توسعه می‌یافت، آگاهی و توجه نسبت به اخلاق پژوهش در فضای مجازی نیز با رشد و گسترش همراه بود. آشفته‌گی در تحقیقات اینترنتی و نگرانی‌های آشکار نسبت به موضوعات اخلاقی در این حیطه به طور همزمان در حال تحقق بود. استرم کینگ^۲ در ۱۹۹۶ استفاده روزافزون از اینترنت به عنوان محیطی برای تحقیق و پژوهش را خاطر نشان کرد. فعالیت‌های وی رهنمودهای انجمن روان‌شناختی آمریکا ناظر به سوژه‌های انسانی مورد پژوهش در اشکال نوظهوری از محیط‌های پژوهشی نظیر رایانامه‌ها، اتاق‌های چت، لیست‌سروها، و اجتماعات مجازی را

^۱ personally identifiable information: توضیح درباره این اصطلاح را به فصل بعد موکول می‌کنیم.

^۲ Storm King

به دنبال داشت. با بررسی دقیق مخاطرات و منافع معطوف به سوژه‌های انسانی در محیط اینترنت، کینگ به نکته مهمی دست یافت:

«وقتی حوزه مطالعاتی جدیدی شکل می‌گیرد، نکات ظریف در ملاحظات اخلاقی درگیر در آن، ناشناخته هستند. همچنان که حوزه مطالعاتی مذکور رشد می‌کند و یافته‌ها گردآوری می‌شوند، پژوهندگان اغلب مطالعات اولیه را مرور می‌کنند و به‌خاطر بی‌توجهی آشکار به سوژه‌های انسانی درگیر در آن، نگران می‌شوند.» (King 1996, 119)

موضوع سال ۱۹۹۶ نشریه جامعه‌اطلاعاتی به مسئله «پژوهش‌های اینترنتی» اختصاص یافت که به عنوان نقطه عطفی در رشد و گسترش اخلاق پژوهش در فضای مجازی شناخته می‌شود و تا امروز، پیشگام مطالعات آغازین این زمینه تحقیقاتی معرفی شده است. شِری تورکل^۱ در کتاب *زندگی بر صفحه‌نمایش: هویت در عصر اینترنت*^۲، مؤلفه انسانی در محیط بازی‌های آنلاین را مورد توجه قرار داد. با توجه به تغییر پارادایم از پژوهش‌های شخص‌محور به پژوهش‌های متن‌محور در محیط‌های اینترنتی، تورکل پژوهندگان را به پیامدها و مخاطرات بالقوه پیرامون سوژه‌های انسانی در تحقیقات اینترنتی حساس نمود. به‌طور مشابه، مارخام^۳ در *زندگی آنلاین: تحقیق درباره تجربه واقعی در فضای مجازی*^۴ (۱۹۹۸) پیچیدگی‌های روش‌شناختی در مطالعات قوم‌نگاری آنلاین را آشکار نمود و ژاکوبسن^۵ (۱۹۹۹) رفتار روش‌شناختی در تحقیقات اینترنتی را هدف قرار داد. حوزه مطالعاتی پژوهش‌های اینترنتی موضوعاتی همچون پویایی نقش پژوهنده-پژوهیدنی، هویت، و بازنمایی مشارکت‌کنندگان در فضای مجازی را متأثر و متحول نمود. تلاش

¹ Sherry Turkle

² *Life on the Screen: Identity in the Age of the Internet*

³ Annette N. Markham

⁴ *Life Online: Researching Real Experience in Virtual Space*

⁵ David Jacobson

علمی مارخام در تحقیقات کیفی آنلاین، رشته‌های علمی مختلف از قبیل پژوهش‌های پرستاری، روان‌شناختی، و پزشکی را تحت تأثیر قرار داد و امکانات بالقوه این پارادایم در پژوهش‌های آنلاین را هویدا کرد. (Buchanan & Zimmer 2012)

آنچنان که در فصل پیشین اشاره شد، در ۱۹۹۹/نجمن آمریکایی پیشرفت علم^۱ یا AAAS در طی قراردادی با دفتر حمایت از پژوهش‌های انسانی ایالات متحده^۲ (که بعدها به دفتر حمایت از مخاطرات پژوهش^۳ تغییر نام یافت)، کارگاهی را با هدف ارزیابی و تعدیل مفاهیم اخلاق پژوهش سنتی به پژوهش اینترنتی برگزار نمود و در همان سال دستاوردهای این کارگاه در گزارشی با عنوان «جوانب اخلاقی و حقوقی پژوهش درباره سوژه‌های انسانی در محیط اینترنت» منتشر گردید و در آن تصدیق می‌شود:

«مقدار زیادی از اطلاعات اجتماعی و رفتاری به‌طور بالقوه بر روی اینترنت در دسترس است که این اطلاعات را هدف اولیه‌ای برای محققانی قرار می‌دهد که خواستار مطالعه پویایی تعامل‌های انسانی و پیامدهای آن در این رسانه مجازی هستند. محققان می‌توانند به‌طور بالقوه داده‌ها را از جمعیت پراکنده و گسترده‌ای با هزینه نسبتاً پایین و در کمترین زمان نسبت به موارد مشابه در جهان فیزیکی جمع‌آوری کنند. نتیجه آنکه [امروزه] در تعداد مطالعات اینترنتی، از پیمایش‌ها گرفته تا

مشاهده‌های طبیعی، افزایشی حاصل شده است.» (Frankel & Siang 1999)

در حیطه مطالعات پزشکی و زیست‌پزشکی نیز پژوهش‌های اینترنتی به‌سرعت در حال افزایش است.

در ۱۹۹۹، گونتر آیزنباخ^۴ اولین سرمقاله در مجله‌ای تازه تأسیس با عنوان نشریه پژوهش/اینترنتی پزشکی^۱

^۱ American Association for the Advancement of Science: AAAS

^۲ U.S. Office for Human Research Protections

^۳ Office for Protection from Research Risks

^۴ Gunther Eysenbach

را به نگارش درآورد. در آن زمان، سه انگیزه جدی در آغاز به کار این نشریه وجود داشت: اول، رشد و گسترش کاربرد اینترنت در طب از راه دور^۲؛ دوم، رشد و گسترش منابع و پایگاه داده‌های اطلاعات پزشکی برای خدمت به افراد جامعه؛ سوم، اهمیت اینترنت در آموزش سلامت مخاطبان، ارتقاء سلامت و پیشگیری از راه دور^۳، و رشد و گسترش آن نزد افراد جامعه. در سال‌های آغازین قرن ۲۱، دیگر انجمن‌های تخصصی نیز همچون انجمن آمریکایی پیشرفت علم، تهیه و تنظیم پیش‌نویس بیانیه‌ها، رهنمودها و پیوست‌ها به استانداردهای تخصصی خود را در دستور قرار دادند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به رهنمودهای کارگروه اخلاق/انجمن پژوهندگان/اینترنتی^۴ یا AoIR اشاره کرد؛ کارگروه این انجمن با تشکیل کمیته‌ای مرکب از محققان اخلاق و پژوهندگان حوزه‌های علمی مختلف از چندین منطقه و کشور دو گزارش در ۲۰۰۲ و ۲۰۱۲ برای راهنمایی پژوهندگان در محیط اینترنت گردآوری و منتشر نمود.^۵

در ۲۰۰۴، برنامه RESPECT توسط کمیسیون اروپایی برنامه فناوری‌های جامعه‌ای اطلاعاتی^۶ با هدف تهیه و تنظیم رهنمودهایی حرفه‌ای و اخلاقی در هدایت و پیشبرد پژوهش‌های اجتماعی-اقتصادی بنا نهاده شد. در اهداف این برنامه به مواردی اشاره شده است، از قبیل: توسعه استانداردها و معیارهای مشترک اروپایی در پژوهش‌های اجتماعی-اقتصادی خصوصاً پژوهش‌های مرتبط با جامعه اطلاعاتی، پرورش استانداردهای سطح بالا در پژوهش‌های اجتماعی-اقتصادی بین‌المللی و میان‌رشته‌ای مرتبط با برنامه

^۱ Journal of Medical Internet Research

^۲ telemedical

^۳ teleprevention

^۴ Association of Internet Researchers

^۵ برای مطالعه محتوای این اسناد، پیوست ۱ را ملاحظه فرمایید.

^۶ Information Society Technologies: IST

فناوری‌های جامعه اطلاعاتی، کمک به کاهش موانع پیش روی محققان اجتماعی-اقتصادی در اتحادیه اروپایی، همکاری در مباحث گسترده‌تر اخلاقی و حرفه‌ای درون جامعه پژوهشی مذکور، استخراج مفاهیم و وضع قوانین جدید و مرتبط در اتحادیه اروپایی؛ خصوصاً در زمینه حفظ و حمایت از داده‌ها و حق مؤلف در پژوهش‌های اجتماعی-اقتصادی، ایجاد و ارزیابی مهارت‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای در پژوهشگران اجتماعی-اقتصادی، ارائه رهنمودهای لازم، اجرا و وضع قوانین استاندارد کیفی در پژوهش‌های مذکور. هم‌چنین در اهداف برنامه مذکور آمده است: فراهم نمودن اطلاعات برای فعالان در حوزه‌های فنی، سیاست‌گذاری و دیگر افراد درگیر در برنامه فناوری‌های جامعه اطلاعاتی که هر یک صرفاً در حوزه‌های تخصصی خود صاحب‌نظر هستند، اما با ارائه اطلاعات به یکدیگر درباره موضوعات اجتماعی-اقتصادی مرتبط با توسعه فناوری‌ها و سیاست‌گذاری‌های جامعه اطلاعاتی نقشی اساسی بازی می‌کنند. این برنامه در قالب یک سند با عنوان «پژوهش اجتماعی-اقتصادی در جامعه اطلاعاتی: رهنمودی برای کاربران از طرف برنامه RESPECT»^۱ شامل آیین‌نامه‌ای برای پژوهش‌های اجتماعی-اقتصادی در فضای مجازی و جامعه اطلاعاتی است که در ۲۰۰۴ گردآوری و منتشر گردید.^۲ (ثقه‌الاسلامی ۱۳۹۱، ۲۰۳-۲۱۲)

در ۲۰۰۷، سند «رهنمودهایی برای پژوهش‌های مبتنی بر اینترنت و رایانه برای مشارکت‌کنندگان انسانی»^۳ انتشار یافت. منبع اصلی این رهنمود اخلاقی توسط هیئت بررسی نهادی^۱ یا هیئت بررسی اخلاق

^۱ Socio-Economic Research in the Information Society: A User's Guide from the RESPECT Project

^۲ برای دسترسی به نسخه‌ی کامل این آیین‌نامه می‌توانید به آدرس اینترنتی زیر مراجعه نمایید:

<http://www.respectproject.org/guide/416guide.pdf>

^۳ IRB GUIDELINE X: Guidelines for Computer- and Internet-Based Research Involving Human Participants

پژوهش دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا و دانشگاه جورجیا تهیه و تدوین و در تاریخ ۱۵ فوریه همین سال تأیید و به کار گرفته شد. این رهنمود توسط هیئت بررسی اخلاق دانشگاه کانکتیکات مورد تأیید و پذیرش قرار گرفت. همچنین هیئت بررسی اخلاق دانشگاه لویولا شیکاگو با اضافه نمودن برخی جزئیات، آن را تأیید و حمایت نمود.^۲

خلاصه آنکه در دهه آغازین قرن ۲۱ با انتشار مجموعه آثاری برگزیده، ادبیات این حوزه مطالعاتی رشد و گسترش قابل توجهی یافت و موجب انباشت و غنی سازی مستندات پژوهشی اخلاق پژوهش اینترنتی در بسیاری از رشته های علمی گردید. این اطلاعات برگرفته از فرآیند ارزیابی هیئت های بررسی اخلاق پژوهش در فضای مجازی و از چشم انداز سوژه های انسانی بود. در سال ۲۰۰۶، فعالیت ۷۰۰ هیئت بررسی نهادی یا هیئت بررسی اخلاق پژوهش در ایالات متحده مورد بررسی قرار گرفت و آشکار گردید که ملاحظات اولیه این هیئت ها عمدتاً متمرکز بر موضوعات حریم خصوصی، امنیت داده ها، محرمانگی، احراز رضایت آگاهانه، و فرآیند جذب سوژه های انسانی پژوهیدنی است. در این زمان، انجمن های مشورتی، همایش های علمی و نشریه های تخصصی متعددی در حوزه اخلاق پژوهش در فضای مجازی در رشته های علمی متفاوت خصوصاً علوم انسانی و اجتماعی در ایالات متحده و کانادا شکل گرفت. در سال

^۱ institutional review board: هیئت بررسی نهادی یا کمیته مستقل اخلاق (independent ethics committee: IEC) یا هیئت بررسی اخلاقی (ethical review board: ERB) یا هیئت اخلاق پژوهش (research ethics board: REB) نوعی کمیته مورد استفاده برای تحقیقات در ایالات متحده است که به طور رسمی در حوزه رعایت ملاحظات اخلاقی به انجام امور تصویب، نظارت، و بررسی تحقیقات پزشکی و رفتاری مرتبط با انسان ها فعالیت می کند. این تلاش ها برای بررسی و تجزیه و تحلیل سود و زیان تحقیقات مذکور با محوریت حفظ ارزش های اخلاقی صورت می گیرد. هدف آنها اطمینان از این موضوع است که در تمامی مراحل تحقیق، حقوق و بهروزی انسان های مشارکت کننده در پژوهش مفروض به عنوان سوژه های مورد مطالعه حفظ و حمایت می گردد.

^۲ برای مطالعه کامل سند، پیوست ۲ را ملاحظه فرمایید.

۲۰۱۲ نیز در ایالات متحده سندی با عنوان «گزارش منلو»^۱ منتشر گردید که در آن چهار اصل (۱) احترام به

اشخاص، (۲) احسان یا بخشش، (۳) انصاف، و (۴) احترام به قانون و منافع عمومی^۲ در پژوهش‌های فضای

مجازی مورد تأکید قرار گرفته است. (Buchanan & Zimmer 2012)

^۱ The Menlo Report

^۲ respect for law and public interest

۵. فصل پنجم: برخی مسائل و موضوعات اخلاق پژوهش در فضای مجازی

در فصل‌های پیشین، موضوعاتی همچون پژوهش از طریق اینترنت، تعریف اخلاق پژوهش اینترنتی، کیفیت سوژه‌های انسانی پژوهیدنی در محیط وب مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اما مهم‌ترین مبحث در این میان، مسائل و موضوعات اخلاقی مطرح در پژوهش‌های اینترنتی است و می‌توان ادعا نمود که تمامی مباحث پیشین به منزله مقدمه‌ای برای معرفی و تبیین برخی از مهم‌ترین مسائل و موضوعات اخلاقی در این قلمرو است. این مسائل و موضوعات دربردارنده ملاحظات اخلاقی است که فعالیت‌های پژوهشی در محیط وب را با ارزش‌های اخلاقی متعددی درگیر می‌نماید. فهرست چنین مسائلی از این جهت دارای اهمیت است که تمامی رهنمودهای اخلاقی در اخلاق پژوهش اینترنتی معمولاً ذیل همین مسائل تهیه و تنظیم و صورت‌بندی می‌شود. بی‌تردید این عناوین محدود به موضوعات اخلاقی مطرح در این فصل نیست، بلکه این فهرست را می‌توان با جزییات بیشتری بسط و گسترش داد. اما هر چه فهرست مسائل و موضوعات اخلاقی مذکور گسترش بیشتری می‌یابد، رهنمودهای اخلاقی مشابه بیشتر نمایان می‌شود. بنابراین شایسته است برای تهیه منشورهای اخلاقی مناسب، تعادل و توازن میان رهنمودهای اخلاقی مورد نیاز و عناوین موجود در این فهرست‌ها برقرار شود. در ادامه برخی از این مسائل اخلاقی که به حصری استقرائی فراهم آمده‌اند معرفی و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.^۱ این تجزیه و تحلیل‌ها کمک قابل توجهی به تبیین جنبه‌های اخلاقی متعدد حول موضوعات مذکور می‌نماید که در نتیجه هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش و حتی خود پژوهندگان را برای تهیه و تنظیم منشورهای اخلاقی تجهیز می‌کند. مجموعه‌ای از این مسائل و چالش‌های اخلاقی در تصویر ۵-۱ نمایش داده شده است:

^۱ لازم به توضیح است که این حصر استقرائی، و نه حصر منطقی، مؤید آن است که امکان ازدیاد یا ادغام برخی از این مسائل اخلاقی میسر می‌باشد.



۵-۱. صحت داده‌ها

آن‌چنان که پیش‌تر اشاره شد، برای پژوهندگان پژوهش در فضای آنلاین دست‌کم به دلایل زمانی و هزینه‌ای بسیار مقرون به‌صرفه است، اما این دلایل نباید نگرانی‌های ناشی از دقت و صحت در گردآوری داده‌ها را توجیه نماید. اگر در پژوهش‌های اینترنتی نتوان به‌نحوی مطلوب از صحت داده‌های^۱ پژوهیدنی اطمینان یافت، یکی از مهم‌ترین اصول اخلاق پژوهش که حفظ صداقت در فعالیت‌های علمی است، نقض می‌شود. از این رو، پژوهندگان بایستی با اتخاذ تدابیری مناسب، تا حد امکان، از صحت داده‌های تحت گردآوری اطمینان حاصل کنند. یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای اطمینان از صحت گردآوری داده‌ها در

¹ data integrity

پژوهش‌های آنلاین، مرحله طراحی پیمایش‌ها یا پرسش‌نامه‌های آنلاین است. در ادامه با طرح یک

پرسش، سه تدبیر مناسب برای ارتقاء صحت داده‌ها در پژوهش‌های اینترنتی پیشنهاد می‌شود.

داده‌های چه گروهی از پاسخ‌دهندگان و مشارکت‌کنندگان در پژوهش را باید به عنوان داده‌هایی

نامعتبر ارزیابی کرد؟ به‌طور متعارف، داده‌های سه گروه از پاسخ‌دهندگان نامعتبرند: الف) پاسخ‌دهندگان

بی‌توجه^۱، ب) پاسخ‌دهندگان متقلب^۲، و ج) پاسخ‌دهندگان عجول^۳. داده‌های هر یک از این

پاسخ‌دهندگان از طریق ترفندهای زیر قابل شناسایی است:

۱) درجه تأیید^۴: این ترفند یکی از متداول‌ترین روش‌ها برای کشف و شناسایی پاسخ‌دهندگان بی‌توجه

در برابر پرسش‌نامه‌های آنلاین است. در این ترفند، پاسخ‌دهندگان را مخاطب پرسشی انحرافی یا به تعبیری

دقیق‌تر مخاطب پرسشی خلاف رویه متعارف دیگر پرسش‌های مطرح در پرسش‌نامه‌ها قرار می‌دهیم. با

استفاده از این ترفند، پژوهندگان می‌توانند دقت و توجه پاسخ‌دهندگان را ارزیابی کنند و در صورت عدم

احراز آن، داده‌های پاسخ‌دهنده مفروض را به دلیل بی‌توجهی و کاهش درجه تأیید نامعتبر قلمداد نمایند.

پرسش‌نامه زیر دارای نمونه‌ای از این پرسش‌های انحرافی و اقدام‌های پیشگیرانه است:

کاملاً مخالفم	مخالفم	نه مخالفم، نه موافق	موافقم	کاملاً موافقم	
○	○	○	○	○	شرکت الف محصولات با کیفیتی تولید می‌کند.
○	○	○	○	○	شرکت الف محولاتش را به‌موقع تحویل می‌دهد.
○	○	○	●	○	لطفاً جایگاه دومین خانه از سمت راست که ذیل عنوان «مخالفم» قرار دارد را مشخص کنید.
○	○	○	○	○	محصولات شرکت الف را به دوستانم پیشنهاد خواهم کرد.

¹ inattentive respondents

² fraudulent respondents

³ speeding respondents

⁴ verification ratings

در این جدول، اگر پاسخ‌دهنده گزینه «مخالفم» را در سطر سوم انتخاب نکند، به عنوان پاسخ‌دهنده‌ای بی‌توجه شناخته می‌شود و داده‌های وی ممکن است نامعتبر باشد. مؤلفه‌های زیر هم می‌توانند پژوهندگان را برای شناسایی پاسخ‌دهندگان بی‌توجه یاری رسانند. این مؤلفه‌ها گاهی به‌صورت ترکیبی نیز به‌کار گرفته می‌شود:

- تناقض^۱: پژوهندگان به‌سادگی می‌توانند با قرار دادن دو پرسش تکراری در ابتدا و انتهای پرسش‌نامه (مانند شماره صندوق پستی یا کد ملی) و ارزیابی تطابق یا عدم تطابق آنها پاسخ‌دهندگان بی‌توجه یا متقلب را شناسایی کنند.

- نعل وارونه^۲: پژوهندگان می‌توانند با وارد کردن گزینه‌ای ناممکن (مانند محل یا موقعیتی که اساساً وجود خارجی ندارد) در فهرستی از گزینه‌های پاسخ به پرسش‌نامه‌های آنلاین، پاسخ‌دهندگان بی‌توجه یا متقلب را در صورت انتخاب گزینه ناممکن آشکار نمایند.

- عبارت‌های متضاد^۳: پژوهندگان می‌توانند با طرح پرسش‌هایی مشابه اما با تعبیری متفاوت در پرسش‌نامه‌های آنلاین (مانند دو پرسش «همیشه اخبار روز را از طریق وبگاه‌های اینترنتی پیگیری می‌کنم» و «همیشه برای آگاهی از اخبار به روزنامه‌های روی بچه‌ها مراجعه می‌کنم») پاسخ‌دهندگان بی‌توجه یا متقلب را معرفی کنند.

(۲) کد دسترسی شخصی^۴: با توجه به شرایط و مقتضیات پژوهش، یک ترفند دیگر برای آگاهی از صحت داده‌ها استفاده از کد دسترسی شخصی یا کد شناسایی منحصربه‌فرد^۱ (مانند کد ملی) برای هر یک

^۱ inconsistency

^۲ red herring

^۳ opposite wording

^۴ Personal Access Code: PAC

از پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه‌های آنلاین است. بر این اساس، برای حفظ امنیت فرم‌های آنلاین و همچنین اطمینان از صحت داده‌ها می‌توان به هر یک از پاسخ‌دهندگان، یک کد شناسایی منحصر به فرد اختصاص داد، به‌طوری که پاسخ‌دهنده (یا مشارکت‌کننده در پژوهش) تنها با به‌کارگیری کد شناسایی مذکور از امکان ورود به وبگاه پژوهشی و دسترسی به صفحات پرسش‌نامه برخوردار می‌شود. این کد دسترسی شخصی با قابلیت دسترسی پاسخ‌دهنده به پرسش‌نامه آنلاین می‌تواند به دو صورت پنهان و آشکار عرضه شود:

- کد شناسایی پنهان^۱: وقتی به‌کار گرفته می‌شود که نیازی به شناسایی پاسخ‌دهندگان یا مشارکت‌کنندگان در پژوهش نباشد. این روش، امکان دستکاری کد دسترسی شخصی پاسخ‌دهندگان یا مشارکت‌کنندگان توسط ایشان را سلب می‌کند، و همچنین امکان ارائه اطلاعات آماری به‌نحوی محرمانه را فراهم می‌سازد.

- کد شناسایی آشکار^۲: وقتی به‌کار گرفته می‌شود که به دلایل متعددی شناسایی پاسخ‌دهندگان یا مشارکت‌کنندگان در پژوهش ضرورت بیابد. این روش، همچنان امکان ارائه اطلاعات آماری را، البته به‌نحوی غیرمحرمانه، فراهم می‌سازد.

با استفاده از کدهای دسترسی شخصی، امکان ردیابی و راستی‌آزمایی داده‌های پاسخ‌دهندگان از طریق تحلیل‌های آماری و غیرآماری برای پژوهندگان میسر می‌شود.

^۱ unique ID

^۲ hidden ID

^۳ visible ID

۳) تأیید زمان سپری شده^۱: سومین ترفند در پژوهش‌های آنلاین، برای کشف و شناسایی پاسخ‌دهندگان عَجول استفاده می‌شود. این گروه از پاسخ‌دهندگان به عنوان مشارکت‌کنندگانی شناخته می‌شوند که زمان کافی برای ارائه پاسخ‌هایی معنادار را به پرسش‌های پژوهش اختصاص نمی‌دهند. ایده‌ی اساسی این ترفند آن است که تأیید پاسخی معتبر به یک پرسش‌نامه آنلاین از طریق اندازه‌گیری زمان سپری شده برای هر پاسخ نسبت به تکمیل تمامی پرسش‌نامه یا بخشی از پرسش‌نامه حاصل می‌شود. بازه زمانی قابل قبول برای تکمیل یک پرسش‌نامه آنلاین به دو روش قابل محاسبه است:

- برآورد تجربی و نظری بر اساس تعداد بخش‌های پرسش‌نامه آنلاین: این تخمین زمانی می‌تواند بر اساس آموزه‌های روان‌شناختی اندازه‌گیری شود. به عنوان مثال، پاسخ‌دهندگان در شرایط نرمال در هر دقیقه به چند پرسش باز^۲ یا پرسش بسته^۳ پاسخ می‌دهند؟ اگر داده‌های پاسخ‌دهندگان از تخمین زمانی مفروض بسیار دور باشد، آن داده‌ها نامعتبر شناخته می‌شود.

- ارزیابی میانگین زمان تکمیل پرسش‌نامه آنلاین: وقتی یک بازه زمانی قابل قبول برای پاسخ به یک پرسش‌نامه تعریف می‌شود، هر نمونه خارج از این بازه زمانی حذف و داده‌های پاسخ‌دهندگان نامعتبر شناخته می‌شوند. به عنوان مثال، اگر بازه زمانی قابل قبول ۱۰ تا ۲۰ دقیقه تعیین شود و پاسخ‌دهنده‌ای پرسش‌نامه آنلاین را در ۲ دقیقه تکمیل کند، داده‌های وی به احتمال بسیار زیاد نامعتبرند. (Gwinner 2008)

¹ time-elapsed verification

² open-ended question

³ close-ended question

۵-۲. رضایت آگاهانه

رضایت آگاهانه^۱ به عنوان زیربنای حمایت از سوژه‌های انسانی پژوهیدنی معرفی می‌شود، به‌طوری که سوژه‌های انسانی باید به‌صورت داوطلبانه و با آگاهی از مخاطرات و منافع پژوهش اقدام به مشارکت نمایند. معمولاً کسب رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان منوط به مواردی است از قبیل توضیح محقق درباره اهداف پژوهش، روش‌های مورد استفاده، نتایج محتمل پژوهش، و همچنین مخاطرات یا آسیب‌هایی که ممکن است مشارکت‌کنندگان در طی انجام پژوهش با آنها مواجه شوند. این فرآیند پیش از اعلان رضایت مشارکت‌کنندگان، مستلزم توضیحاتی روشن و قابل فهم از طرف پژوهندگان است، آنچنان که باید به‌نحوی موجز ابعاد مختلف مرتبط با منافع و مخاطرات پژوهش تا حد مقدور برای مشارکت‌کنندگان تبیین گردد. همچنین باید تضمین شود که سوژه‌های انسانی با اجبار وادار به مشارکت در پژوهش نمی‌شوند. در پژوهش‌های سنتی معمولاً دریافت رضایت به‌طور شفاهی تحقق می‌یابد یا در یک ملاقات چهره‌به‌چهره که در آنجا پژوهنده مفاد رضایت‌نامه را مرور می‌کند، یا از طریق مذاکرات تلفنی، نامه‌نگاری، و موارد ملموس دیگری که در جهان مادی قابل انجام است. این نکته بسیار مهم است که رضایت آگاهانه بر اساس آگاهی و شناخت سوژه مورد تحقیق بنا می‌شود و برای تحقق مطلوب این موضوع به ارتباطی مستمر میان پژوهندگان و سوژه‌های پژوهیدنی نیاز است. با بسط و گسترش فناوری‌ها، ابزارها و محیط‌های اینترنتی جدید، نگرانی‌های امنیتی و محرمانگی به‌خاطر تحت تأثیر قرار گرفتن مسئله رضایت آگاهانه افزایش یافته است که توجه به این مسئله نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

¹ informed consent

در اغلب چارچوب‌های قانونی، در صورت تأیید گروه یا هیئت نظارت بر اخلاق پژوهش ممکن است بنا بر مصالحی از کسب رضایت آگاهانه چشم‌پوشی شود یا فرآیند کسب رضایت آگاهانه دستخوش تغییر و اصلاح گردد. اشکال مختلف پژوهش‌های اینترنتی نیازمند رویکردهای متفاوتی به فرآیند کسب رضایت آگاهانه است و برخی استانداردها با توجه به محیط انجام پژوهش در فضای مجازی شکل تازه‌ای به خود می‌گیرند. از این رو، پژوهندگان در صورت لزوم و با استفاده از انعطاف مقررات می‌توانند با توجه به شرایط پژوهش و کسب مجوز از گروه‌ها یا هیئت‌های اخلاقی و حقوقی مربوطه از موضوع دریافت رضایت آگاهانه یا دست‌کم مستندات مربوط به دریافت آن چشم‌پوشی کنند. گاهی اوقات در پژوهش‌های اینترنتی، برخورداری از رضایت آگاهانه لازم است اما مستندات آن قابل چشم‌پوشی است، آنچنان که یک «پورتال» می‌تواند برای دریافت رضایت آگاهانه به کار گرفته شود. مثلاً، پژوهنده‌ای ممکن است ایمیلی را به مشارکت‌کننده ارسال کند که در آن لینک پورتال یا وبگاهی پیوست و اطلاعات لازم درباره طرح پژوهشی درج گردیده است. مشارکت‌کننده مذکور می‌تواند مستندات مربوطه را مطالعه و بر روی گزینه «موافق هستم» کلیک نماید. در اینجا می‌توان مراحل برای کسب رضایت مشارکت‌کننده تعریف کرد که از طریق آن افراد می‌توانند قسمت‌های مختلفی را مطالعه و در صورت پذیرش آن به قسمت بعد مراجعه کنند و بدین طریق مراحل اعلان رضایت آگاهانه را تکمیل کنند. اگر در پژوهش‌هایی مستندات کسب رضایت آگاهانه ضروری باشد، برخی پژوهندگان از گزینه‌هایی همچون امضاء الکترونیکی بهره می‌گیرند که ممکن است طیفی از ابزارها و قابلیت‌ها را پوشش دهد: از یک فهرست

بررسی^۱ الکترونیکی ساده گرفته تا اذعان به پذیرش شرایط با امکان تأیید از طریق امضاهای دیجیتالی رمزگذاری شده.

در پژوهش‌های اینترنتی، فارغ از موضوع محیط، مستندات رضایت آگاهانه در حال یک تحول و تغییر گفتمانی است. اگرچه مؤلفه‌های اساسی رضایت آگاهانه دست‌نخورده باقی مانده است، اما در حال حاضر پژوهندگان باید به جنبه‌های خاص و با اطمینان کمتری از طول عمر داده‌هایشان، مخاطرات نسبت به حریم خصوصی، محرمانگی و گمنامی، و دسترسی نسبت به داده‌ها یا مالکیت آنها اذعان کنند. پژوهندگان باید مشارکت‌کنندگان و سوژه‌های انسانی پژوهیدنی خود را از مخاطرات بالقوه در پژوهش‌های اینترنتی همچون تجسس یا سوءاستفاده از داده‌ها در صورت عمومی ساختن آنها مطلع و آگاه نمایند و به این نکته نیز اقرار کنند که تمامی همت و تلاش خود را برای حفظ امنیت داده‌های مذکور به کار می‌گیرند، اما امنیت داده‌ها در فضای مجازی هیچ‌گاه به‌طور کامل تضمین نمی‌شود. از این رو، محققان در صورت نیاز باید در هدایت‌های اخلاقی خود تجدیدنظر کرده و در بیان آموزه‌های مبتنی بر پیامدهای اخلاق پژوهش در فضای مجازی به‌طور جدی‌تری توجه نمایند. به عنوان مثال، برای توصیف مجموعه‌ای از آموزه‌های ناظر به امنیت و دسترسی به داده‌ها که در مستندات رضایت استفاده می‌شود، آمده است:

- هیچ‌کس دیگری حق دسترسی به این داده‌ها را ندارد.

- در تمامی مراحل جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها از شناسه‌های گمنام و با نام مستعار استفاده می‌شود و

پیوند آنها به سوژه مورد تحقیق به‌نحوی امن ذخیره می‌گردد.

¹ checkbox

- فایل‌های داده که حاوی خلاصه‌ای از بررسی جدول‌های آماری و پیمایش‌ها است بدون داده‌هایی برای تعیین هویتِ سوژه مورد تحقیق صرفاً با اعداد مطالعه می‌شود و سایر داده‌های پیوندشده با نام سوژه مورد تحقیق در فایلی قفل شده نگهداری می‌گردد.

- داده‌های الکترونیکی بر روی رایانه‌ای امن و دارای رمز عبور ذخیره و در محیطی محفوظ نگهداری می‌شود.

- برای حفاظت از تمامی داده‌های بارگذاری شده بر روی لپ‌تاپ‌های قابل حمل، حافظه‌های جانبی، و تمامی رسانه‌های ذخیره‌کننده از برنامه‌های رمزگذاری‌کننده دیسک همچون نرم‌افزار File Vault استفاده می‌شود.

گاهی اوقات رمزگذاری داده‌های پژوهشی از اهمیت بسیاری برخوردار است، خصوصاً در انجام پژوهش‌هایی با داده‌های حساس همچون داده‌های پزشکی، جنسی، مالی، رفتاری و موارد از این نوع. آنچنان که پیش‌تر اشاره شد، با وجود تمامی این تدابیر احتیاطی، پژوهندگان برای دریافت رضایت آگاهانه باید مشارکت‌کنندگان را با این واقعیت آشنا کنند که ارتباطات آنلاین ممکن است از مخاطرات گسترده بالقوه‌ای همچون رخنه‌گری (یا هک کردن)، تجسس و تعدی‌های ناشناخته‌ای نسبت به داده‌ها برخوردار باشد و با چنین شرایطی ممکن است رضایت خود را اعلان نمایند. (Buchanan & Zimmer 2012)

۵-۳. مالکیت داده‌ها

مفهوم مالکیت داده‌ها^۱ در پژوهش‌های سنتی تا اندازه‌ای روشن است. معمولاً پژوهنده و سازمان وی مالک داده‌های جمع‌آوری شده هستند و مشارکت‌کنندگان به‌طور ضمنی به این موضوع رضایت می‌دهند.

¹ data ownership

در پژوهش‌های سنتی، پژوهندگان از نسخه‌های کاغذی پیمایش‌ها، صداهای ضبط‌شده، و یادداشت‌های میدانی برخوردارند. در ایالات متحده، این اسناد یا صداهای ضبط‌شده تحت قانون کپی‌رایت قرار گرفته و حمایت می‌شوند. اما در پژوهش‌های اینترنتی از قبیل پیمایش‌های آنلاین، اطلاعات حاصل از پروفایل‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی، یا محتویات وبلاگ‌ها، نمونه‌هایی از مواردی هستند که مالکیت کسی بر این محتوای به اشتراک گذاشته چندان روشن نیست. با تلقی اینترنت به عنوان محیط پژوهش، به نظر می‌رسد شرایط مالکیت را می‌توان به طور خاص متجلی نمود. سال ۲۰۰۸ در مطالعه‌ای تحقیقاتی، ۱۳۸ وبلاگ در جهان که توسط خانم‌ها تألیف شده بودند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و ۳۸ درصدشان به نوعی تحت حمایت‌های قانون کپی‌رایت انتشار یافته بود. این موضوع نشان می‌دهد مؤلفان اثر در محیط‌های مجازی که به دنبال همکاری برای تولیدات فرهنگی هستند به طور همزمان می‌توانند اعتبار تألیفی خود را نیز تحت حمایت قانون کپی‌رایت قرار داده و حفظ می‌کنند. یافته‌های این تحقیق می‌تواند مؤید این موضوع باشد که در میان پژوهندگان، تمایل و تقاضای قابل توجهی برای استفاده از آثار وبلاگ‌نویسان در فعالیت‌های پژوهشی شکل گرفته است که به درستی نیازمند حمایت‌های مادی و معنوی از این محتویات است به طوری که تلقی اینترنت به عنوان محیط می‌تواند وبلاگ یا وبلاگ‌های پژوهشی را محل استناد و ارجاع پژوهندگان قرار دهد. از این رو، پژوهنده‌ای شاید احساس کند که برای استفاده از محتویات یک وبلاگ نیازی به مشاوره با گروه یا هیئت بررسی اخلاق پژوهش ندارد، اما نویسنده این وبلاگ می‌تواند تحت حمایت قوانین کپی‌رایت (محلی یا جهانی) پژوهنده را ملزم به شرایط استفاده، حفظ حق مالکیت، و استناد به محتوای ارائه‌شده نماید.

آنچنان که در فصل پیش اشاره شد، سوژه‌های پژوهیدنی در پژوهش‌های اینترنتی در طیفی از سوژه‌های انسانی شخص محور و متن محور قرار دارند، از این رو مسئله مالکیت داده‌ها را نیز می‌توان در این طیف مورد توجه قرار داد. تعهد پژوهنده به رعایت حق مالکیت داده‌ها در گرو تعامل پیوسته با محیط پژوهش در فضای مجازی برای تشخیص شخص محوری یا متن محوری سوژه‌های پژوهیدنی است و اینکه محقق چگونه این داده‌های خاص و به هم پیچیده مرتبط با هویت و بازنمایی سوژه‌های پژوهیدنی را توصیف می‌کند. یک پژوهنده به راحتی می‌تواند به خاطر بازنمایی اشتباه واژه‌ها، تصویرها، و ایدئولوژی‌ها با اجتماع مورد مطالعه‌اش کاملاً بیگانه شود، و در نهایت آنها را به عنوان «داده‌های پژوهشی» خود قلمداد نماید. مرزهای بین‌المللی (یا نبود آنها) مسئله مالکیت را (درباره بانک داده‌ها، مجموعه داده‌ها و سرورها) برای یافتن محل فیزیکی داده‌ها در این قلمرو بدون مرز مبهم می‌کند.

البته جریان داده‌های فرامرزی موضوع شناخته شده‌ای است که توسط برخی از بسته‌های نرم‌افزاری مدیریت منابع قابل کنترل است. نرم‌افزارهای مدیریت منابع از مهم‌ترین ابزارهای مورد نیاز برای پژوهندگان است، این نرم‌افزارها به محققان اجازه جمع‌آوری، مدیریت و حتی انتشار اطلاعات کتابشناختی یک مقاله یا تحقیق را می‌دهد. ایجاد یک فهرست منابع، بخش جدایی‌ناپذیری از فعالیت پژوهشی است که به مطالعه علمی اعتبار می‌بخشد. سوءاستفاده یا استفاده‌های نامناسب پژوهندگان از داده‌های آنلاین موجب پیدایش مسائل حقوقی و اخلاقی متعددی می‌گردد، مواردی از قبیل آسیب رساندن یا سهل‌انگاری در مواجهه با سوژه‌های انسانی شخص محور یا متن محور. از این رو، توجه به مسئله مالکیت داده‌ها و احترام به این حق سوژه‌های پژوهیدنی در پژوهش‌های اینترنتی از اهمیت به‌سزایی

برخوردار است که نیازمند ملاحظات اخلاقی قابل تأملی است. (Buchanan 2011, 83-108)

۵-۴. سرقت داده‌های علمی

با رشد و گسترش پژوهش‌های اینترنتی، یکی از موضوعات و مسائلی که بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، سرقت داده‌های علمی یا سرقت علمی^۱ است. این پدیده را می‌توان ذیل مسئله حق مالکیت و مالکیت داده‌ها بررسی نمود، اما به‌خاطر اهمیت این موضوع و گسترش آن در پژوهش‌های اینترنتی شایسته است این موضوع به‌طور جداگانه مورد بحث قرار دهیم. به‌طور کلی سرقت علمی بدین معناست که عقاید، افکار، تصاویر، نظریه‌ها، سروده‌ها، و نوشته‌های فردی، با مالکیت شخص دیگری عرضه شود. سرقت علمی توسط یک پژوهنده می‌تواند دیدگاه گروه‌های اخلاق پژوهش یا اجتماع علمی را نسبت به دیگر فعالیت‌های علمی پژوهنده دچار تردید نماید و حفظ اصول اخلاقی، اعتمادپذیری و امانتداری آثار وی را خدشه‌دار کند. سرقت علمی نوعی فریب‌کاری در محیط علمی است و در خوشبینانه‌ترین حالت و در صورت غیرعمدی بودن آن، نوعی سهل‌انگاری است. پدیده سرقت داده‌های علمی را می‌توان به‌صورت ذیل دسته‌بندی کرد: الف) سرقت علمی به صورت مستقیم: یعنی فردی بدون استناد و بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به متن اصلی مورد استفاده، آن را در اثر خود ارائه دهد؛ ب) سرقت کلمات یا تغییر کلمات: به صورتی که چند کلمه از متن اصلی تغییر یافته و به‌عنوان اثری جدید معرفی شود؛ ج) استفاده از سبک‌های نگارشی: به این صورت که برای توضیح ایده خود از جملات و نوشته‌های روان متنی دیگر استفاده گردد؛ د) سرقت ایده: چنانچه نویسنده‌ای در اثر پژوهشی خود، ایده خلافت‌انه‌ای را بیان نماید این ایده منسوب به وی خواهد بود، حال ممکن است فرد دیگری این ایده را در اثر خود بیاورد و به خود نسبت دهد. (نورمحمدی ۱۳۹۳، ۶-۹)

^۱ plagiarism

یکی از جامع‌ترین تعاریف سرقت علمی، توسط کمیته اخلاق نشر^۱ ارائه شده است: سرقت علمی به استفاده غیرعمدی یا دانسته و یا بی‌ملاحظه از کلمات، ایده‌ها، عبارات، ادعا یا استنادات دیگران بدون قدردانی و توضیح و استناد مناسب به اثر، صاحب اثر یا سخنران ایده گفته می‌شود. برای پرهیز از وقوع سرقت علمی در متون نوشتاری، دقت نظرها، پیچیدگی‌ها و دشواری‌های زیادی پیش روی پژوهندگان است؛ اما این مسئله در مواجهه با آثار غیرنوشتاری به مراتب پیچیده‌تر می‌شود. امروزه، وقتی از آثار نوشتاری دیگران وام گرفته می‌شود، قوانین و استانداردهای قابل‌قبولی برای استناد و اذعان به آثار مورد استفاده وجود دارد؛ اما آنچنان که اشاره شد در مورد آثار غیرنوشتاری همچون تصاویر، نمودارها، فایل‌های صوتی و تصویری و مواردی از این نوع، وظیفه پژوهندگان فزونی می‌یابد. مسئله سرقت علمی از آثار نوشتاری و غیرنوشتاری در اخلاق پژوهش اینترنتی به نحو چشم‌گیری خودنمایی می‌کند. (عباسیان و رجب‌زاده عصارها ۱۳۹۴)

گسترش روزافزون پایگاه‌های اینترنتی و دسترسی آسان به انبوه اطلاعات علمی اعم از نوشتاری و غیرنوشتاری، زمینه غفلت یا لغزش پژوهندگان در استفاده نادرست از این منابع را فراهم می‌سازد. برخی از پژوهندگان آگاهانه یا ناآگاهانه با استفاده از منابع نوشتاری برگرفته از وبگاه‌ها، وبلاگ‌ها، پروفایل‌های افراد در شبکه‌های اجتماعی و بسیاری موارد دیگر و بدون توجه به استناد و ارجاع مناسب به منابع مذکور مرتکب سرقت علمی می‌شوند. این در حالی است که در پژوهش‌های اینترنتی، پژوهندگان بایستی با توجه به رهنمودهای اخلاقی و آیین‌نامه‌های استنادی در استفاده و بهره‌برداری از منابع دیداری، نوشتاری و شنیداری در فضای مجازی، امانتداری علمی را رعایت نمایند.

¹ Committee on Publication Ethics: COPE

۵-۵. حریم خصوصی و محرمانگی

بر اساس اصول اخلاق پژوهش، محققان باید حمایت از حریم خصوصی و محرمانگی^۱ سوژه‌های انسانی پژوهیدنی خود را تضمین و حفظ نمایند. تجاوز به حریم خصوصی یا نقض محرمانگی می‌تواند مخاطرات حضور مشارکت‌کنندگان در پژوهش را افزایش دهد. در اینجا تهدید حریم خصوصی و محرمانگی ناظر به طیفی از اقدام‌ها است، از قبیل: در معرض قرار دادن اطلاعات شخصی یا اطلاعات حساس، افشاء رفتار شرم‌آور یا غیرقانونی، یا انتشار داده‌ها به‌جز از طریق قانون تحت حمایت. مبنای تحلیل نگرانی‌های اخلاقی در تهدید حریم خصوصی مربوط به سوژه‌های انسانی ممکن است از منظر سطح پیوند داده‌ها به افراد و همچنین آسیب‌ها و مخاطرات بالقوه در افشاء اطلاعات بررسی شود.

معمولاً حمایت از حریم خصوصی و محرمانگی با ترکیبی از تدابیر و شیوه‌های پژوهش حاصل می‌شود، مثلاً جمع‌آوری داده‌ها در محیط‌های کنترل‌شده یا ناشناس، پاک‌سازی داده‌ها با حذف اطلاعات شخصی قابل‌شناسایی^۲ یا PII، یا استفاده از محدودیت برای دسترسی‌ها و روش‌های مرتبط با امنیت اما «اطلاعات شخصی قابل‌شناسایی» چه نوع داده‌هایی است؟ مؤسسه ملی سلامت^۳ در ایالات متحده، این اصطلاح را اینگونه تعریف می‌کند: «هر اطلاعاتی درباره فرد که توسط یک آژانس و با محدودیت نگهداری می‌شود، مواردی از قبیل اطلاعات آموزشی، تراکنش‌های مالی، سوابق پزشکی، سوابق قضایی و اداری، همچنین اطلاعاتی که می‌تواند برای تشخیص یا ردیابی هویت افراد مورد استفاده قرار بگیرد، مانند نام، شماره تأمین اجتماعی، تاریخ و محل تولد، سوابق بیومتریک و...، یا هر اطلاعات شخصی دیگری که

^۱ privacy and confidentiality

^۲ Personally Identifiable Information: PII

^۳ The National Institutes of Health: NIH

پیوندشده یا قابل پیوند به شخص باشد.» (The National Institutes of Health: NIH) به طور شاخص، نمونه‌هایی از اطلاعات قابل شناسایی عبارتند از مشخصات فردی (از قبیل تاریخ تولد، محل تولد، جنس، گرایش جنسی، ویژگی‌های متمایزکننده و اطلاعات بیومتریک همچون قد، وزن، ظاهر فیزیکی، اثرانگشت‌ها، دی‌ان‌ای و اسکن شبکه‌ای)، شماره‌های منحصر به فرد یا شناسه‌های تخصیص یافته به یک فرد (از قبیل نام، آدرس، شماره تلفن، شماره تأمین اجتماعی، شماره گواهینامه رانندگی، شماره حساب‌های مالی)، و توصیف‌های موقعیت فیزیکی (داده‌های جی‌آی‌اس یا جی‌پی‌اس).

پژوهش‌های اینترنتی، تعاریف و چارچوب‌های قانونی سنتی در حفظ حریم خصوصی سوژه‌های انسانی را دستخوش پیچیدگی‌های جدیدی کرده است. به عنوان مثال، پژوهندگان به طور جدی می‌توانند درباره افراد به جمع‌آوری داده‌های تفصیلی از منابعی همچون فیس‌بوک، توییتر، وبلاگ‌ها یا آرشیوهای رایانامه‌ای عمومی بپردازند و این مجموعه داده‌های غنی می‌تواند به نحو به مراتب آسان‌تری نسبت به پژوهش‌های سنتی به همراه دیگر داده‌ها یا مجموعه داده‌های در دسترس و آنلاین پردازش، مقایسه و ترکیب شوند. پژوهندگان در موارد متعددی قادرند هویت افراد را با ترفندهای مختلفی از طریق تجزیه و تحلیل و مقایسه این مجموعه داده‌ها مجدداً شناسایی نمایند. این موارد نشان می‌دهد که صرفاً حذف اطلاعات شخصی قابل شناسایی از طریق روش‌های سنتی مانند حذف نام، آدرس، یا شماره تأمین اجتماعی سوژه‌های انسانی پژوهیدنی برای تضمین گمنامی^۱ و محرمانگی داده‌ها دیگر کافی نیست. از این رو به نظر می‌رسد نیازمند بازنگری جدی درباره مفهوم «اطلاعات شخصی قابل شناسایی» هستیم. این

^۱ anonymity: گمنامی یکی دیگر از مسائل مهم در پژوهش‌های اینترنتی است که ارتباط گسترده‌ای با مسئله محرمانگی داشته و از قابلیت دوگانه برخوردار است. گمنامی از یک سو، به عنوان قابلیت مثبت در پژوهش‌های اینترنتی شناخته می‌شود و از سوی دیگر قابلیت منفی. در ادامه بررسی چالش‌های اساسی در پژوهش‌های اینترنتی به تفصیل به این موضوع پرداخته می‌شود.

چالش به تمایزی اساسی اشاره می‌کند میان داده‌هایی که در آن محرمانگی حفظ می‌شود در برابر داده‌هایی که به‌درستی برخوردار از گمنامی است. در عمل، داده‌ها به‌ندرت کاملاً گمنام هستند آنچنان که پژوهندگان معمولاً نشان می‌دهند که غالباً می‌توانند هویت افراد پنهان‌شده در داده‌های گمنام را به‌سهولت شناسایی کنند. به عنوان مثال، تکنیک‌های داده‌کاوی می‌توانند الگوهای قابل شناسایی برای تعیین هویت افراد گمنام را فراهم نمایند. این واقعیت، تضمین حفظ داده‌ها، دست‌کم، از نظر محرمانگی را دشوار می‌سازد، چرا که هم امنیت فیزیکی و هم امنیت محاسباتی سوژه‌های انسانی را تهدید می‌کند. مثلاً، در قوانین فعلی ایالات متحده و برخی کشورها آدرس‌های IP^۱ مصداقی از اطلاعات شخصی قابل شناسایی شناخته نمی‌شود، این در حالی است که در بسیاری از کشورها اینچنین نیست؛ قانون حریم خصوصی داده‌ها در اروپا در ماده ۲۹، آدرس‌های IP را مصداقی از اطلاعات شخصی قابل شناسایی معرفی می‌کند. در ایران نیز به‌خاطر ابهام در برخی قوانین حریم خصوصی، آدرس‌های IP به‌روشنی مصداقی از حریم خصوصی کاربران تعریف نشده‌اند. این مسئله می‌تواند به بازنگری IP به عنوان مصداقی از اطلاعات شخصی قابل شناسایی بیانجامد و لازم است پژوهندگان و کارشناسان اخلاق پژوهش به چنین مواردی توجه جدی بنمایند.

آنچنان که در فصل سوم اشاره شد، مسئله مهم دیگری نیز وجود دارد که مفهوم «اطلاعات حریم خصوصی» در چارچوب پژوهش‌های اینترنتی را دستخوش تحول اساسی می‌کند. در تعریفی از این مفهوم آمده است: «هرگونه اطلاعات درباره رفتاری است که در موقعیتی رخ داده و فرد می‌تواند به‌نحوی معقول انتظار داشته باشد که در آن موقعیت، هیچ مشاهده یا ثبت‌وضبطی صورت نمی‌گیرد، اما وقتی این

¹ Internet Protocol: IP

اطلاعات برای اهداف خاصی توسط فرد ارائه می‌شود، فرد مذکور می‌تواند به‌نحوی معقول انتظار داشته باشد که آن اطلاعات عمومی نخواهد شد (مثلاً اطلاعات پزشکی).» (OHRP, 2008) تعریف اطلاعات حریم خصوصی دارای دو مؤلفه مهم است: اول اینکه اطلاعات حریم خصوصی بدین معناست که سوژه‌های انسانی پژوهیدنی به‌نحوی معقول و به‌هنگار انتظارِ گردآوری و نظارت بر اطلاعات خود را ندارند. دوم اینکه اطلاعات حریم خصوصی بدین معناست که سوژه‌های پژوهشی به‌نحوی معقول و به‌هنگار انتظارِ دسترسی عمومی به اطلاعات خود را ندارند.

اکنون، نکته قابل‌توجه این است که عکسِ نقیض این تعریف نیز صحیح است: اگر افراد به‌نحوی معقول نتوانند مشاهده نکردن یا نبودِ ثبت و ضبط داده‌ها را انتظار داشته باشند، یا آنان به‌نحوی معقول نتوانند دسترسی‌ناپذیری داده‌ها را انتظار داشته باشند، در نتیجه این داده‌ها به سطح «اطلاعات حریم خصوصی» مورد نظر برای حمایت‌های ویژه از حریم خصوصی ارتقاء نمی‌یابند. پژوهندگان معمولاً با این تعریف از «اطلاعات حریم خصوصی» برای تضمین حمایت از حریم خصوصیِ سوژه‌های انسانی پژوهیدنی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این مسئله در حوزه اخلاق پژوهش در فضای مجازی ابعاد گسترده‌تر می‌یابد. پژوهندگان علاقه‌مند به گردآوری یا تحلیل فعالیت‌های آنلاین سوژه‌های انسانی (مثلاً از طریق استخراج ثبت ورود به سیستم‌ها، استفاده از ردیابی کوکی‌ها، یا نفوذ به پروفایل‌های رسانه‌های اجتماعی و...) می‌توانند استدلال کنند که این انتظار معقولی از طرف سوژه‌های انسانی پژوهیدنی نیست که چنین فعالیت‌های آنلاین معمولاً نظارت نشوند چرا که تا حدی تمامی تراکنش‌ها و برهم‌کنش‌های آنلاین معمولاً از طریق وبگاه‌ها و ارائه‌دهندگان خدمات ثبت می‌شوند. از این رو، ردّ پای داده‌های آنلاین ممکن است به سطح «اطلاعات حریم خصوصی» ارتقاء نیابد. حال آنکه مطالعات متعدد نشان می‌دهد که متوسط

کاربران اینترنت، شناخت کاملی از این نکته ندارند که فعالیت‌هایشان معمولاً چگونه ردیابی می‌شود. این ابهام چالش‌های جدیدی را برای پژوهندگان به وجود می‌آورد و باید تلاش نمایند که تعریف کاربرست‌پذیری از اطلاعات حریم خصوصی برای تضمین حریم خصوصی سوژه‌های انسانی در فضای مجازی ارائه دهند.

این پیچیدگی در پرداختن به حریم خصوصی سوژه‌های پژوهیدنی در فضای مجازی با پیدایش و گسترش شبکه‌های اجتماعی به عنوان محلی برای به اشتراک‌گذاری اطلاعات و محیطی برای تحقیق و پژوهش به مراتب پیچیده‌تر می‌گردد. پروفایل‌های شبکه‌های اجتماعی برای پژوهندگان، منابع پژوهشی پرمحتوایی را فراهم می‌کند و عمده این محتوا با کمترین هزینه زمانی و مادی برای مشاهده و بارگیری^۱ قابل دستیابی است. از آنجا که بیشتر اطلاعات ارسالی به وبگاه‌های رسانه‌های اجتماعی به صورت عمومی قابل مشاهده است، در نتیجه دستیابی به تعریف استاندارد از «اطلاعات حریم خصوصی» دشوار و ناموفق است. از این رو، پژوهندگان برای جمع‌آوری و تحلیل محتویات پروفایل‌های رسانه‌های اجتماعی بعید است با این اطلاعات به عنوان محتویاتی با رعایت ملاحظات حریم خصوصی رفتار نمایند. برخی صاحب‌نظران هشدار می‌دهند که وقتی «سودمندی و حریم خصوصی داده‌ها (به یکدیگر) پیوند می‌شود، تا زمانی که داده‌ها (حتی به قدر ناچیزی) سودمند باشند، آنگاه به طور بالقوه مجدداً قابل شناسایی هستند». با رشد و گسترش پژوهش‌های اینترنتی، این هشدار جدی‌تر می‌شود. تعاریف و رویکردهای سنتی در شناخت ماهیت حریم خصوصی و گمنامی، محققان را ناچار می‌سازد تا به نحوی نقادانه‌تر و دقیق‌تر نظریه‌های حریم خصوصی را مورد ملاحظه و تجدیدنظر قرار دهند تا رویکردهای مناسب برای حفظ و

¹ downloading

پاسداشت حریم خصوصی سوژه‌های پژوهیدنی خصوصاً در فضای مجازی مورد توجه قرار بگیرد.

(Buchanan & Zimmer 2012)

۶-۵. گمنامی و ناشناختگی

فضای مجازی از یک سو، با نداشتن مرزهای سیاسی، فرهنگی، دینی و قضایی و ایجاد گمنامی و ناشناختگی^۱ برای افراد، محلی مناسبی را برای انجام پژوهشی‌هایی مهیا کرده است که با اطلاعات حساسیت‌برانگیز سوژه‌های انسانی سروکار دارد (همچون اطلاعات پزشکی، سیاسی، جنسیتی، و مواردی از این نوع)، و از سویی دیگر، همین فضای مجازی با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، امکان ردیابی سوژه‌های انسانی را با روش‌های بدیع و بی‌سابقه‌ای فراهم کرده و شرایط ایجاد نظارت فراگیری را موجب می‌شود. از این رو، این مسئله در پژوهش‌های اینترنتی در رابطه میان پژوهندگان و سوژه‌های انسانی پژوهیدنی خودنمایی می‌کند، به‌طوری که تهدید گمنامی مشارکت‌کنندگان در پژوهش خصوصاً برای پژوهش‌هایی با اطلاعات حساسیت‌برانگیز می‌تواند منجر به نقض حریم خصوصی و محرمانگی سوژه‌های پژوهیدنی شود. در جهان کنونی راه دستیابی به هویت واقعی شخص همچون گذشته از طریق نام شخص تحقق نمی‌یابد بلکه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی روش‌های جدیدی را برای تشخیص هویت به‌نحوی کارآمدتر و سریع‌تر فراهم نموده‌اند. (نیزنباوم ۱۹۹۹، ۱۳۵-۱۳۸)

با این حال، امروزه همچنان تأکید می‌شود که یکی از قابلیت‌های پژوهش‌های اینترنتی آن است که سوژه‌های انسانی می‌توانند هویت خود را در برابر پژوهنده یا دیگر مشارکت‌کنندگان در پژوهش ناشناخته، گمنام و به‌طور کلی پنهان نگه دارند. از این رو، برخلاف پژوهش‌های سنتی، هویت مجازی افراد لزوماً منطبق بر هویت واقعی سوژه‌های پژوهیدنی نیست. این مسئله پیوند نزدیکی با موضوع حریم

¹ anonymity and obscurity

خصوصی و محرمانگی دارد، آنچنان که پیش‌تر و در همین فصل نیز به این مورد پرداخته شده است. گمنامی در فضای مجازی به معنای نداشتن یا پنهان‌سازی هویت واقعی است و اغلب با سه مفهوم از گمنامی مواجه هستیم؛ هویت مستعار، گمنامی از طریق نشانی مستعار، و هویت غیرقابل ردیابی.

(۱) «هویت مستعار» هر فردی را می‌توان با شماره، شناسه، یا اسم مستعار^۱ خاصی شناسایی کرد، بنابراین هویت مستعار را باید به‌عنوان شبه‌گمنامی^۲ تلقی کرد. در اینجا با مفهومی به‌نام «هویت مات^۳» سروکار داریم. هویت مات به معنای پیوند و انتساب یک نشانه قابل اعتماد و منحصر به فرد به شخص است، آنچنان که به تنهایی هیچ سرنخی برای شناسایی و تعیین هویت واقعی شخص ارائه نمی‌کند. شماره تأمین اجتماعی، نشانه‌های انگشت‌نگاری و مواردی از این نوع مصداق‌هایی از هویت‌یاب‌های مات هستند. البته هویت‌های مستعار می‌توانند برای شناسایی مورد تهدید قرار بگیرند، به‌طوری که با دستیابی به یکی از بانک‌های اطلاعاتی یا سامانه‌های ثبت و ذخیره این اسامی استعاری، هویت‌های واقعی سوژه‌های انسانی می‌تواند هویدا گردد. به عنوان مثال با نفوذ به بانک اطلاعاتی شماره‌های تأمین اجتماعی افراد می‌توان اطلاعات زیادی از افراد را با هویت واقعی‌شان شناسایی کرد. چرخه زیر نشان‌دهنده رابطه یکتا و منحصر به فرد میان هویت واقعی و هویت مجازی سوژه‌های انسانی است که از طریق یک اسم مستعار به یکدیگر پیوند می‌خورند. (کیزا ۲۰۰۷، ۱۴۹-۱۵۰ و نیز نباوم ۱۹۹۹، ۱۴۲-۱۴۴)

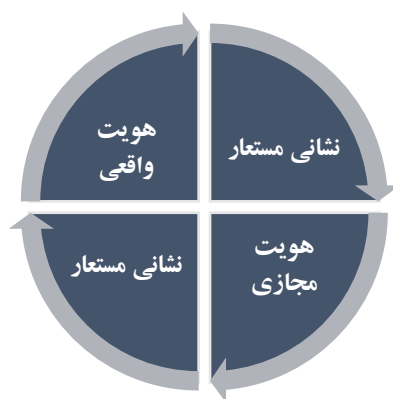
^۱ pseudonym

^۲ pseudo anonymity

^۳ opaque identifier

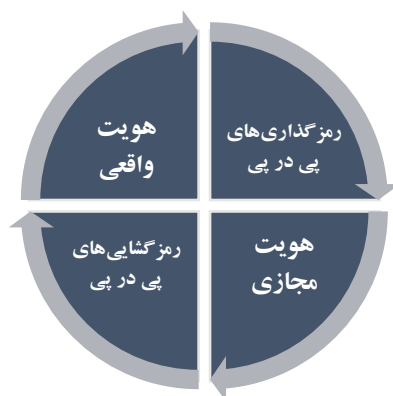


۲) «گمنامی از طریق نشانی مستعار» برای دریافت یا ارسال مکاتبات با دیگران در نظر گرفته می‌شود و می‌توان با انتساب یا پیوند یک نشانه به هویت واقعی فرد که درون شبکه‌ای از نشانه‌های اطلاعاتی مشغول فعالیت است، هویت واقعی فرد را پنهان ساخت. به عنوان مثال، آدرس‌های IP، آدرس منزل، محل کار و مواردی از این نوع نشانه‌هایی هستند که هویت واقعی افراد را ناشناخته می‌کنند. این نشانی‌های مستعار نیز از طریق آشکارسازی رابطه میان نشانه‌های اطلاعاتی با اطلاعاتی دیگر که به‌طور مستقیم هویت واقعی فرد را شناسایی می‌کند، قابل تعیین هویت است. به عنوان مثال، می‌توان با مطابقت دادن آدرس IP و اطلاعات موجود در شرکت فراهم‌کننده خدمات‌دهنده اینترنت یا ISP، هویت واقعی فرد را شناسایی کرد. چرخه زیر نشان‌دهنده رابطه‌ای نشانه‌ای میان هویت واقعی و هویت مجازی است که از طریق یک نشانی مستعار به یکدیگر پیوند می‌خورند. (کیزا ۲۰۰۷، ۱۴۹-۱۵۰ و نیزناوم ۱۹۹۹، ۱۴۲-۱۴۴)



۳) «هویت غیرقابل ردیابی» به حالتی گفته می‌شود که سوژه‌های انسانی هیچ اسمی از جمله اسم مستعار نیز ندارند، اما این مفهوم تاحدی اغواکننده است چرا که به نظر می‌رسد در فضای مجازی عملاً نمی‌توان چنین ادعایی کرد که هیچ‌گاه هویت واقعی افراد در هیچ سطحی از تعامل‌های اینترنتی قابل شناسایی و ردیابی نیست. می‌توان بیان کرد هویت غیرقابل ردیابی در حقیقت ناظر به دشواری سطح شناسایی و آشکارسازی هویت واقعی افراد در نظر گرفته می‌شود، موضوعی که بیشتر حول پیچیدگی سطح شناسایی هویت افراد شکل می‌گیرد. به عنوان مثال تصور کنید که هویت واقعی یک سوژه انسانی در فضای مجازی از طریق رمزگذاری‌های متعدد آنچنان غیرقابل شناسایی و دشوار شده است که برای تعیین هویت فرد باید رمزگشایی‌های تخصصی پیچیده و دشواری را تحمل کرد. اما باز هم این موضوع، امکان شناسایی نکردن هویت واقعی سوژه‌های انسانی را به صفر نمی‌رساند، بلکه این امکان به صفر میل می‌کند. (کیزا ۲۰۰۷،

۱۴۹-۱۵۰)



در پژوهش‌های اینترنتی هر سه مورد فوق ممکن است مورد استفاده قرار بگیرد. سوژه‌های انسانی می‌توانند با دریافت اسم‌های مستعار از قبیل کدهای شناسه در پژوهش‌های اینترنتی مشارکت نمایند و از این طریق محرمانگی یا مدیریت اطلاعات حساسیت‌برانگیز خود را تحت کنترل قرار دهند. این اسم‌های

مستعار می‌تواند از طریق پژوهنده به مشارکت‌کنندگان اختصاص یابد، ولی امکان شناسایی هویت واقعی شخص برای پژوهنده میسر است. همین موضوع می‌تواند موجب بی‌تمایلی مشارکت‌کنندگان برای حضور در پژوهش گردد، خصوصاً در تحقیقاتی با اطلاعات حساسیت‌برانگیز. سوژه‌های انسانی می‌توانند با نشانی‌های مستعار از قبیل آدرس‌های IP، هویت واقعی‌شان را پنهان نمایند. در این نوع از گمنامی اگرچه ردیابی هویت واقعی سوژه‌های انسانی دشوار می‌شود، اما چه برای پژوهنده و چه برای دیگر مشارکت‌کنندگان، دست‌کم، موضوعی دست‌نایافتنی نیست. آنچنان که توضیح داده شد، به نظر می‌رسد مطمئن‌ترین راه برای افزایش احتمال گمنامی و ناشناختگی هویت واقعی مشارکت‌کنندگان در پژوهش استفاده از هویت‌های غیرقابل ردیابی است. خلاصه آنکه در اخلاق پژوهش‌های اینترنتی با توجه به نوع تحقیق و اطلاعاتی دریافتی از مشارکت‌کنندگان، پژوهنده باید از یک سو حفظ گمنامی مشارکت‌کنندگان در پژوهش را تا حد توان و با استفاده از امکانات متعدد مهیا نماید و از سویی دیگر، پژوهنده باید به‌طور صریح و روشن توانایی‌ها و محدودیت‌ها در حفظ گمنامی مشارکت‌کنندگان و سوژه‌های انسانی را به آنان یادآور شود.

۵-۷. جذب مشارکت‌کنندگان

با توجه به نوع پژوهش‌های اینترنتی در دست اقدام، عضوگیری و جذب مشارکت‌کنندگان در پژوهش به طرق مختلفی انجام می‌شود، به عنوان مثال انتخاب جامعه پژوهیدنی یا مشارکت‌کنندگان می‌تواند معطوف به اهدافی خاصی صورت بگیرد (مثلاً بررسی رابطه میان مشارکت فعالانه زنان در شبکه‌های اجتماعی با توجه به سنخ‌شناسی این شبکه‌ها)، یا این انتخاب می‌تواند به وسیله طیفی از تکنیک‌های نمونه‌گیری (نمونه‌گیری تصادفی از مشتریان وبگاه آدینه‌بوک برای رضایت از فرآیند خرید محصولات) انجام شود.

گاهی چگونگی جذب مشارکت‌کنندگان به عنوان بخشی از فرآیند رضایت آگاهانه در نظر گرفته می‌شود به نحوی که درخواست جذب مشارکت‌کنندگان پیش از اقدام یا اعلان عمومی آگهی جذب باید توسط گروه یا هیئت بررسی اخلاق پژوهش مورد رسیدگی و تأیید قرار بگیرد. افرون بر این، انتخاب مشارکت‌کنندگان باید عادلانه باشد و مخاطرات و منافع پژوهش باید به طور منصفانه میان آنان توزیع شود. توجه به این موضوع و به کارگیری آن در فضای مجازی ممکن است چالش‌برانگیز گردد، چرا که در این محیط بنا به شرایط عضوگیری یا دسترسی به مشارکت‌کنندگان، جامعه آماری غالباً توسط پژوهنده به صورت گزینشی و انحصاری انتخاب می‌شود.

پژوهندگان برای جذب مشارکت‌کنندگان در فضای مجازی با چالش‌های مختلفی روبه‌رو می‌شوند؛ این چالش‌ها از طریق گمنامی بالقوه مشارکت‌کنندگان (خصوصاً در پژوهش‌هایی که نیازمند تأیید سن ایشان است)، استفاده از اسامی مستعار و هویت‌های متعدد و جایگزین، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی مشارکت‌کنندگان در دسترسی به اینترنت و همچنین توان بهره‌برداری آنان از اینترنت فرصت ظهور می‌یابند. همچنین حفظ اصول اخلاقی در جذب مشارکت‌کنندگان درگیر مسئله حریم خصوصی و محرمانگی آنان نیز می‌شود.

امروزه، بیشتر عضوگیری‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی انجام می‌شود، به عنوان مثال به شیوه‌ای همزمان متن یا توییت آگهی جذب از طرف پژوهنده به مشارکت‌کنندگان بالقوه ارسال می‌گردد. برخی روش‌های دیگر برای جذب مشارکت‌کنندگان عبارتند از ارسال مستقیم آگهی جذب از طریق رایانامه، اختصاص صفحات وب، ارسال ویدئو از طریق وبگاه‌هایی مانند یوتیوب، ارسال مستقیم از طریق فروم‌ها یا وبگاه‌ها و مواردی دیگر که با توجه به ویژگی‌های پژوهش انتخاب می‌شوند. فارغ از نوع ابزار ارتباطی و

پیش از ارسال آگهی جذب از طریق ابزارهای فوق، پژوهندگان باید فعالیت عضوگیری خود را در چارچوب هنجارهای متعارف و ملاحظات حقوقی ابزارهای انتخابی تنظیم نمایند که عمده این موارد در شرایط استفاده از خدمات این وبگاه‌ها معرفی شده است و در صورت نیاز باید از مدیران و مالکان حقوقی آنها برای ارسال آگهی جذب، کسب اجازه کنند. این موضوع تا آنجا دارای اهمیت است که در برخی از پژوهش‌ها مشارکت‌کنندگان تنها با دریافت گواهی تأیید مدیران و مالکان حقوقی وبگاه‌ها از اصالت فعالیت پژوهشی مورد نظر اطمینان حاصل می‌کنند.

خلاصه آنکه پژوهندگان برای استفاده از امکانات وب در جذب مشارکت‌کنندگان باید تضمین کنند که مشارکت‌کنندگان بالقوه هم برای معرفی مفاد و شرایط جذب و هم برای اعلان رضایت آتی خود از اطلاعات کافی بهره‌مند می‌شوند. همچنین محققان باید تضمین کنند که در پژوهش‌های حساسیت‌برانگیز، روش‌های جذب مشارکت‌کننده منجر به شناسایی هویت افراد نمی‌گردد و در صورت امکان شناسایی، باید مخاطرات احتمالی جدی به مشارکت‌کنندگان بالقوه انتقال داده شود. (Buchanan & Zimmer 2012)

۵-۸. چالش کلان‌داده‌ها

امروزه، پژوهش بر روی کلان‌داده‌ها یا داده‌های عظیم^۱، نگرانی‌های اخلاقی متعددی را ایجاد کرده است. مهم‌ترین این نگرانی‌ها قدرت تحلیل و پیش‌بینی رفتار کاربران است که از طریق به‌کارگیری الگوریتم‌هایی معروف به الگوریتم‌های تجزیه و تحلیل^۲ انجام می‌شود و حریم خصوصی کاربران را

^۱ big data

^۲ analytical algorithms

به شدت تهدید می‌نماید. شورای ملی علم و فناوری^۱ ایالات متحده، الگوریتم‌های تجزیه و تحلیل را این گونه تعریف می‌کند:

«الگوریتم‌های تجزیه و تحلیل» الگوریتم‌هایی است برای اولویت‌بندی، طبقه‌بندی، پالایش (یا فیلترینگ)، و پیش‌بینی. هنگامی که این اطلاعات به نحوی نامناسب یا نادقیق توسط الگوریتم‌های به کار گرفته می‌شود، هنگامی که تصمیم‌هایی نادرست اتفاق تحقق می‌یابد، هنگامی که فرصتی برای جبران خسارت معقول وجود نداشته باشد، هنگامی که استقلال فردی به نحوی مستقیم به محاسبات الگوریتمی وابسته گردد، یا هنگامی که استفاده از الگوریتم‌های پیش‌بینی منجر به دلسردی از رفتار مطلوب یا ترغیب به خسارت به حریم خصوصی دیگران گردد، استفاده از این الگوریتم‌ها می‌تواند مسائل حریم خصوصی را پررنگ نماید.» (NSTC 2016, p. 18)

اگرچه کلان‌داده‌ها مفهومی تازه نیست و از دهه ۱۹۹۰ این اصطلاح در منابع تخصصی به کار رفته است، اما کسب آگاهی‌های عمومی و حساسیت نسبت به پژوهش‌های مبتنی بر کلان‌داده‌ها امروزه بیش از پیش گردیده است. به دنبال گسترش پژوهش‌ها با کمک رسانه‌های اجتماعی، انجام پژوهش‌ها با استفاده از کلان‌داده‌ها از سال ۲۰۱۲ تاکنون مورد توجه بسیاری از پژوهندگان قرار گرفته است. (Buchanan, 2016)

انجام پژوهش‌ها از طریق کلان‌داده‌ها برای هیئت‌های اخلاق پژوهش چالش‌های متعددی را ایجاد می‌کند. این چالش‌ها را می‌توان مصداقی از مسائلی اخلاقی برشمرد که از آن‌ها با عنوان «آشفته‌گی‌های مفهومی»^۲ نام برده می‌شود. (Moor, 1985) آشفته‌گی‌های مفهومی، نشان‌دهنده ناتوانی سیاست‌گذاران و

¹ The National Science and Technology Council

² conceptual muddles

اخلاق پژوهان برای مفهوم سازی ارزش ها و چالش های اخلاقی در مواجهه با فناوری های نوظهور است. به عنوان مثال، مسئله حریم خصوصی مربوط به سوژه های پژوهیدی که عموماً با استفاده از برخی روش ها و تدابیر مطرح در اخلاق پژوهش متعارف مورد حفاظت و حمایت قرار می گیرد، در مواجهه با پژوهش های مبتنی بر کلان داده ها از کارآمدی چندانی برخوردار نیستند؛ روش ها و تدابیر متعارفی از قبیل دریافت تعهد در گردآوری داده ها تحت محیط هایی کنترل شده یا نامعلوم، ایجاد محدودیت در جمع آوری اطلاعات شخصی، مغشوش کردن داده ها برای پاکسازی یا مبهم نمایی اطلاعات قابل شناسایی شخصی، و استفاده از روش های دسترسی محدود به منظور جلوگیری از دسترسی غیرمجاز و سوءاستفاده از داده های پژوهشی، در برابر چالش های اخلاقی ایجاد شده در گستره کلان داده ها به عنوان تدابیری کاملاً کارآمد شناخته نمی شوند.

امروزه، استفاده از کلان داده ها در پیش برد اهداف پژوهشی موجب شده است که ماهیت و شناخت مفهوم حریم خصوصی آشفته و مخدوش گردد. این مسئله بدین معناست که در گستره کلان داده ها به عنوان بستری نوظهور، ارائه هرگونه تضمین قابل قبولی برای پاسداری و حفاظت از حریم خصوصی سوژه های پژوهیدی دشوار و مبهم خواهد بود. برای مثال، تعیین آنچه «اطلاعات شخصی»^۱ را تشکیل می دهد و به دنبال آن نگرانی ها درباره حریم خصوصی را تشدید می کند، در بستر پژوهش های مبتنی بر کلان داده ها مسئله ساز است. آنچنان که در فصل چهارم اشاره شد، تعریف متعارف از «اطلاعات شخصی» (که تنها دلالت بر اطلاعاتی دارد که سوژه های پژوهیدی به نحوی معقول انتظار نداشته باشند در شرایط متعارف مورد نظارت یا ثبت و ضبطی قرار بگیرند و همچنین اطلاعات ایشان عمومی گردد) به هنگام

^۱ private information

استفاده از روش‌ها و محیط‌های گردآوری اطلاعات در پژوهش‌های مبتنی بر کلان‌داده‌ها کارآمدی چندانی ندارد؛ چرا که بنابر تعریف متعارف از «اطلاعات شخصی»، نمایش و ارائه هرگونه اطلاعاتی بر روی بسیاری از پروفایل‌های رسانه‌های اجتماعی می‌تواند مصداقی از اطلاعات شخصی معرفی شود، اما در پژوهش‌های مبتنی بر کلان‌داده‌ها به‌سہولت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از منظر تعریف متعارف «اطلاعات شخصی»، مرسوله‌های ارائه‌شده بر پروفایل‌های رسانه‌های اجتماعی اغلب فضایی عمومی در نظر گرفته می‌شوند، خصوصاً وقتی که کاربران این پروفایل‌ها قابل رویت نباشند. از این رو، پژوهندگانی که با کلان‌داده‌ها سروکار دارند ممکن است استنباط کنند که حساسیت نسبت به حریم خصوصی این سوژه‌های پژوهیدنی از اهمیت به‌سزایی برخوردار نیست. در حالی که رسانه‌های اجتماعی مورد استفاده برای برنامه‌های پژوهشی از طریق کلان‌داده‌ها، محیط پیچیده‌ای از تعامل‌های اجتماعی-تکنیکی را به نمایش می‌گذارند. رسانه‌های اجتماعی به عنوان سیستم‌هایی اجتماعی-تکنیکی، محیطی را شکل می‌دهند که کاربران آن عموماً شناخت درستی از ماهیت رسانه‌های اجتماعی ندارند؛ به عنوان مثال، این که در چنین رسانه‌هایی چگونه فعالیت‌های اجتماعی کاربران آنها به‌طور منظم نظارت می‌شود، و یا این که چگونه تدابیر حریم خصوصی و شرایط استفاده از خدمات این رسانه‌ها به‌طور مرتب تغییر می‌کند، و یا در چنین رسانه‌هایی چگونه زیرساخت‌های فنی آنها می‌توانند جریان اطلاعات را محدود یا جهت‌دار سازند و حفاظت از محرمانگی کاربران خود را دشوار نمایند.

بنابراین، در اینجا این آشفتگی مفهومی میان مفهوم حریم خصوصی و تعریف متعارف از اطلاعات قابل‌شناسایی شخصی منجر به خلأی در سیاست‌گذاری و تدبیر شرایط می‌گردد. این چالش به نوعی دیگر می‌تواند به مفهوم رضایت آگاهانه نیز سرایت نماید. مثلاً، پژوهندگان معمولاً به هنگام استخراج

اطلاعات از پروفایل‌های کاربران در رسانه‌های اجتماعی (نظیر فیسبوک، توییتر، اینستاگرام، و...) استدلال می‌کنند که برای استفاده از این اطلاعات نیازی به دریافت رضایت از کاربران آن‌ها نیست؛ چرا که این اطلاعات به‌طور عمومی قابل دسترسی هستند. اما به نظر می‌رسد این استدلال با ابهام‌ها و پرسش‌هایی جدی مواجه است: آیا کاربران به‌درستی از شرایط فنی این رسانه‌ها برای مشاهده‌پذیری یا مشاهده‌ناپذیری اطلاعات خود آگاهی دارند؛ اگر کاربران از این موضوع آگاهی داشته باشند که ممکن است روزی اطلاعات موجود بر پروفایل‌های آنان برای اهداف پژوهشی خاصی مورد استفاده قرار بگیرد، آیا همچنان تمایل عمومی‌سازی اطلاعات خود دارند؛ اگر در فرآیند پژوهش، از طریق اطلاعات موجود بر پروفایل کاربران و با یک جست‌وجوی ساده، به‌نحوی بالقوه هویت مالک پروفایل شناسایی گردد، آیا باز هم پژوهندگان نیازی به کسب رضایت آگاهانه از مالکان این پروفایل‌ها ندارند. این ابهام‌ها و پرسش‌ها مؤید آشفتگی مفهومی برای دریافت رضایت آگاهانه در انجام پژوهش‌های مبتنی بر کلان‌داده‌ها است.

(Buchanan & Zimmer 2016)

۶. فصل ششم: بحث و نتیجه‌گیری

این طرح پژوهشی با عنوان «بررسی و تبیین مفاهیم، مسائل، و رهنمودهای اخلاق پژوهش در فضای مجازی»، به گردآوری، تجزیه و تحلیل آرای و نظرات محققان و مؤسسات پژوهشی و همچنین مسائل و موضوعات اخلاقی مطرح در حوزه اخلاق پژوهش در فضای مجازی پرداخته است. از این رو، تلاش گردیده است با مراجعه به منابع و مراجع تخصصی، اصیل و روزآمد، به بررسی و تبیین مفاهیم، مسائل، و معرفی رهنمودهای متعدد اخلاق پژوهش در فضای مجازی فراهم شود.

۱-۶. بحث و بررسی

به طور کلی، اخلاق پژوهش اینترنتی^۱ یا IRE به تجزیه و تحلیل مسائل اخلاقی و به کارگیری اصول اخلاق پژوهش در رابطه با فعالیت‌های پژوهشی «با اینترنت» (اینترنت به مثابه ابزار پژوهش) و «در اینترنت» (اینترنت به مثابه محیط پژوهش) می‌پردازد. بر اساس این تعریف، این حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای را می‌توان محل تلاقی اخلاق پژوهش و اخلاق (فناوری) برشمرد. در این طرح پژوهشی تلاش گردید ابتدا به مهم‌ترین مباحث مطرح در اخلاق پژوهش اشاره شود، مباحثی که تأثیر قابل توجهی بر اخلاق پژوهش اینترنتی دارد. در اینجا مهم‌ترین موضوع مطرح، تصمیم‌گیری در اخلاق پژوهش و بررسی جنبه‌های آن است. جنبه‌های چهارگانه تصمیم‌گیری‌های اخلاقی عبارتند از: (۱) رهنمودهای اخلاق حرفه‌ای و هنجارهای تخصصی و علمی، (۲) نظریه‌ها و اصول اخلاقی، (۳) نظارت اخلاقی از طریق نهادهای بررسی اخلاقی پژوهش، و (۴) نظارت حقوقی از طریق نهادهای مرتبط. این جنبه‌های چهارگانه برای اخلاق پژوهش اینترنتی از دو جهت دارای اهمیت است: اول اینکه پژوهندگان درگیر با چنین پژوهش‌هایی از جنبه‌های مختلف تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی خود مطلع می‌شوند، دوم آنکه هر یک از

¹ Internet Research Ethics: IRE

بخش‌های نهادی تأثیرگذار نیز با توجه به وظایف سازمانی‌شان، از وظایف اخلاقی خود آگاهی می‌یابند. به عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین بخش‌های نهادی مذکور، گروه‌ها یا هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش اینترنتی است که نقش بی‌بدیلی در هدایت اخلاقی این پژوهش‌ها بازی می‌کنند. پژوهندگان برای توجه به ملاحظات اخلاقی فعالیت‌های پژوهشی خود شایسته است با گروه‌های بررسی اخلاق پژوهش در تعامل مستمر باشند. آنها بر فرآیند تصویب، نظارت، بررسی و مشاوره درباره پژوهش‌های درگیر با سوژه‌های انسانی به همکاری با پژوهندگان می‌پردازند. این هیئت‌ها به روش‌های متعددی می‌توانند درخواست‌های پژوهندگان را مورد ارزیابی قرار دهند و با مشورت‌های خود فعالیت‌های پژوهشی آنان را از نظر اخلاقی بررسی و نتایج را به ایشان عرضه کنند. لازم به توضیح است که تمرکز بر تهیه و تنظیم منشورها و رهنمودهای اخلاق پژوهش در فضای مجازی ذیل وظایف چنین گروه‌ها و هیئت‌هایی قرار می‌گیرد. از این رو، هدف اصلی این گزارش، تعیین معیارها و شاخص‌های مهم برای تهیه و تنظیم منشوری اخلاقی در فضای مجازی است، به طوری که با بررسی ماهیت اخلاق پژوهش اینترنتی، قدرت تحلیلی و تبیینی لازم برای ارائه رهنمودهای مناسب و مقتضی ارتقاء یابد.

اخلاق پژوهش‌های اینترنتی را باید محل تلاقی جهان مجازی (یا آنلاین)، جهان واقعی (یا آفلاین) و جهان تکنیکی برشمرد. جهان مجازی دربردارنده فضای آنلاین و انواع فعالیت‌هایی است که در آن تحقق می‌یابد؛ جهان واقعی شامل جهان مادی و انواع فعالیت‌های قابل تحقق در میان واقعیت‌های فیزیکی است؛ و جهان تکنیکی، دو جهان دیگر را به یکدیگر متصل می‌نماید. این جهان‌های سه‌گانه مبنای تحلیلی مناسبی را برای توصیف اخلاق پژوهش اینترنتی فراهم می‌کند.

پژوهش‌های اینترنتی از اینترنت به دو مفهوم بهره‌برداری می‌کنند: «اینترنت به عنوان ابزار پژوهش» و «اینترنت به عنوان محیط پژوهش». مطابق تصویر ۱-۲، اینترنت در قلمرو مشترک میان جهان واقعی و جهان تکنیکی صرفاً به عنوان ابزار در پژوهش‌های اینترنتی به کار گرفته می‌شود؛ اینترنت در قلمرو مشترک میان جهان واقعی و جهان مجازی تنها به عنوان محیط در پژوهش‌های اینترنتی استفاده می‌شود؛ و اینترنت در قلمرو مشترک هر سه جهان به عنوان ابزار و محیط در پژوهش‌های اینترنتی شناخته می‌شود. حال پرسش اینجاست که این دو مفهوم ناظر به چه خدماتی از اینترنت برای پیش‌برد فعالیت‌های پژوهشی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بهترین شاخص برای شناخت این خدمات پژوهشی را می‌توان مبتنی بر مفاهیم وب ۱ و وب ۲ معرفی کرد. گسترده‌ترین امکانات اینترنت که به عنوان ابزار پژوهش در خدمت فعالیت‌های پژوهشی قرار می‌گیرد، عمدتاً متأثر از خدمات وب ۱ است. مواردی از قبیل موتورهای جست‌وجو، جمع‌آوری داده‌ها، پایگاه داده‌ها، کاتالوگ‌ها، و مخازن داده‌ها، نمونه‌هایی از این خدمات هستند. همچنین، گسترده‌ترین امکانات اینترنت که به عنوان محیط پژوهش در خدمت فعالیت‌های پژوهشی قرار می‌گیرد، عمدتاً متأثر از خدمات وب ۲ است. این موارد نیز شامل محل‌ها و موقعیت‌هایی برای کاربری‌های محاوره‌ای (نظیر اتاق‌های چت)، گروه‌های خبری، صفحات وب، وبلاگ‌ها، میکروبلاگ‌ها (همچون توییتر)، و بسیاری نمونه‌های دیگر از این نوع خدمات.

این تفکیک منجر به تفکیک مفهومی دیگری در استفاده از اینترنت برای پیش‌برد فعالیت‌های پژوهشی می‌گردد: «پژوهش اینترنتی غیروابسته به وب» و «پژوهش اینترنتی وابسته به وب». پژوهش‌های غیروابسته به وب، به تکنیک‌هایی از جمع‌آوری داده‌ها اشاره می‌کند که در وضعیت و شرایط عادی، وبگاه یا اجتماعات سایبری با وقفه‌ای مواجه نشود یا برای دستیابی به متن پیش‌تولیدی، ممانعتی ایجاد نگردد. در

مقابل، در پژوهش‌های وابسته به وب برای انجام فعالیت‌های پژوهشی و به‌منظور دخالت مشارکت‌کنندگان منبع وب، دستیابی مستمر به وبگاه یا اجتماعات سایبری ضروری است.

هر دو الگوی تمایزگذاری فوق میان پژوهش‌های اینترنتی، طیفی از سوژه‌های انسانی را در برابر پژوهندگان قرار می‌دهد که هر سوی این طیف برای حمایت از سوژه‌های انسانی نیازمند شیوه‌ای مناسب و مقتضی است. دو سر طیف از یک سو به سوژه‌های انسانی «شخص‌محور» و از سویی دیگر به سوژه‌های انسانی «متن‌محور» هدایت می‌گردد. اکنون برای حمایت از سوژه‌های انسانی به متغیرهایی طیفی در فعالیت‌های پژوهشی نیازمندیم. به بیانی دیگر، مفاهیمی همچون حریم عمومی/خصوصی، حساسیت موضوعی، درجه تعامل، و آسیب‌پذیری سوژه‌ها به عنوان متغیرهایی شناخته می‌شوند که از طریق آنها می‌توان تعیین کرد هر پژوهش مفروضی در کجای طیف سوژه‌های انسانی متن‌محور یا سوژه‌های انسانی شخص‌محور قرار می‌گیرد. به عنوان مثال در مسئله کسب رضایت آگاهانه، تحت تأثیر این نگاه طیفی به سوژه‌های انسانی مشخص می‌شود که در فرآیند پژوهشی اینترنتی، چه سوژه‌هایی نیازمند رضایت آگاهانه بوده و چه سوژه‌هایی بی‌نیاز از آن هستند.

موضوع سوژه‌های انسانی در پژوهش‌های اینترنتی را از منظری دیگر نیز می‌توان توسعه مفهومی بخشید. پیدایش اخلاق پژوهش اینترنتی به ارائه دو مفهوم جدید دیگر از سوژه‌های انسانی انجامید که به نوعی می‌توان آنها را به عنوان شاخص‌هایی برای شناخت موقعیت طیفی سوژه‌های پژوهش‌دنی تلقی نمود به‌طوری که تشخیص مسئله جایگیری سوژه‌های انسانی در طیف شخص‌محور و متن‌محور را برای هر پژوهش مفروضی تسهیل می‌کند. مفهوم اول، ناسوژه‌های انسانی پژوهش‌دنی^۱ متأثر از پیشرفت‌های فناورانه

¹ human non-subjects research

و گسترش آنها پژوهش‌هایی شکل گرفته است که از اطلاعات هویت‌زدایی‌شده^۱ درباره انسان‌ها استفاده می‌کنند. به بیانی دیگر، ناسوژه‌های انسانی پژوهیدنی در رابطه با اطلاعات سوژه‌های انسانی پژوهیدنی است که به‌ظاهر از این اطلاعات هویت‌زدایی می‌گردد و امکان پیوند آنها به هویت واقعی سوژه‌های انسانی و شناسایی آنان از بین می‌رود، اما فناوری‌های جدید ژنتیکی یا اطلاعاتی بعضاً می‌توانند برقراری پیوند این اطلاعات به هویت سوژه‌های انسانی و شناسایی مجدد آنان را میسر سازند و این موضوع مخاطرات و پیامدهای اخلاقی متعددی را به همراه دارد. مفهوم دوم، آسیب‌پذیری سوژه‌های انسانی پژوهیدنی^۲ به عنوان متغیری در تحقیقات مرتبط با سوژه‌های انسانی در فضای مجازی، یا به‌نحوی خاص‌تر، پژوهش‌های مبتنی بر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی معرفی می‌شود. ذیل این مفهوم، گروه‌ها و هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش ترغیب می‌شوند که با توجه به فاصله میان فرد پژوهنده و فرد پژوهیدنی در فضای مجازی، از بررسی احراز رضایت آگاهانه به‌سوی بررسی مخاطرات بالقوه ناشی از تحقیقات تغییر موضع دهند، همان تحقیقاتی که در آن پژوهنده به‌صورت غیرمستقیم فرد یا افراد مورد پژوهش را در معرض خطر قرار می‌دهد.

مطابق با چنین نگاهی به سوژه‌های انسانی در پژوهش‌های اینترنتی می‌توان بیان نمود که هر طرح پژوهشی اینترنتی ابتدا بایستی با محوریت تعیین جایگاه سوژه‌های انسانی پژوهیدنی موقعیت‌یابی شوند. به عبارت دیگر، طرح‌های پژوهشی اینترنتی باید از یک سو در طیفی از سوژه‌های انسانی شخص‌محور یا متن‌محور موقعیت‌یابی شوند، و از سویی دیگر باید تحت نظارت شاخص‌هایی همچون سوژه‌های انسانی

^۱ deidentified information

^۲ human harming research

پژوهیدنی، ناسوژه‌های انسانی پژوهیدنی، و آسیب‌پذیری سوژه‌های انسانی پژوهیدنی ارزیابی کردند. موقعیت‌یابی سوژه‌های انسانی در پژوهش‌های اینترنتی را می‌توان در جدول ۴-۱ نمایش داد.

اما مهم‌ترین مبحث در این میان، مسائل و موضوعات اخلاقی مطرح در پژوهش‌های اینترنتی است. فهرست چنین مسائلی از این جهت دارای اهمیت است که تمامی رهنمودهای اخلاقی در اخلاق پژوهش اینترنتی معمولاً ذیل عناوین همین فهرست‌ها تهیه و تنظیم و صورت‌بندی می‌شود. این عناوین صرفاً محدود به برخی موضوعات اخلاقی در پژوهش‌های اینترنتی نیست، بلکه این فهرست را می‌توان با جزییات بیشتری بسط و گسترش داد. اما هر چه فهرست مسائل و موضوعات اخلاقی مذکور گسترش بیشتری می‌یابد، رهنمودهای اخلاقی مشابه بیشتر نمایان می‌شود. بنابراین شایسته است برای تهیه منشورهای اخلاقی مناسب، تعادل و توازنی میان رهنمودهای اخلاقی مورد نیاز و عناوین موجود در این فهرست‌ها برقرار شود. در این گزارش، ۵ موضوع دارای اهمیت در اخلاق پژوهش‌های اینترنتی معرفی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این موضوعات به ترتیب عبارتند از: رضایت آگاهانه، مالکیت داده‌ها، حریم خصوصی و محرمانگی، گمنامی و ناشناختگی، و جذب مشارکت کنندگان.

۲-۶. نتیجه‌گیری

آنچنان که پیش‌تر اشاره شد، اینترنت به عنوان ابزار و یا محیط برای پیشبرد اهداف پژوهشی به کار گرفته می‌شود. از این رو، موقعیت تحقق موضوعات اخلاقی وابسته به شرایط استفاده از اینترنت به عنوان ابزار و یا محیط، رهنمودهای اخلاقی خاصی را می‌طلبد. بنابراین شایسته است به منظور استخراج رهنمودهای اخلاقی، ابزارها و محیط‌های اینترنتی مورد استفاده در چنین پژوهش‌های مشخص و هر یک از موضوعات اخلاقی مذکور در آن موقعیت ویژه تهیه و تنظیم شود. همچنین لازم است سوژه‌های انسانی پژوهیدنی در

این موقعیت‌ها به صورت طیفی از سوژه‌های انسان‌محور تا سوژه‌های متن‌محور در به کارگیری رهنمودهای اخلاقی مذکور مورد توجه قرار بگیرد. برخی از ابزارها و محیط‌های اینترنتی مورد نظر را می‌توان در دسته‌بندی‌های زیر فهرست نمود: (۱) ابزارهای ارتباط مستقیم مانند مصاحبه‌های رسمی یا غیررسمی از طریق متن، صدا یا تصویر همزمان و غیرهمزمان، (۲) محیط‌های اجتماعی مانند آرشیوهای ایمیل‌محور یا وب‌محور، اتاق‌های چت، فروم‌ها و ...، (۳) شبکه‌های اجتماعی مانند لینکدین، فیس‌بوک، توییتر و ...، (۴) فضاهای شخصی مانند وبگاه‌های شخصی، وبلاگ‌ها، یوتیوب افراد و ...، (۵) فضاهای اجتماعی آواتارمحور، جهان‌های مجازی و فضاهای بازی آنلاین، (۶) خدمات وب تجاری مانند گوگل، یاهو، بینگ، ایم‌اس‌ان و ...، و (۷) بانک‌های داده و انبارها. این ابزارها یا محیط‌های پژوهشی بنا به نوع پژوهش مورد نیاز محققان انتخاب می‌گردد و رهنمودهای اخلاقی خاص خود را دربر می‌گیرد. اکنون با استفاده از دو معیار موضوعات اخلاقی و ابزار/محیط‌های اینترنتی می‌توان جدولی را فراهم نمود. هر خانه این جدول دربردارنده مجموعه پرسش‌های مرتبط با هر موضوع اخلاقی است که با توجه به شرایط بالقوه امکان تحقق آن در پژوهش‌های اینترنتی مشخص می‌شود. برخی از این پرسش‌ها را می‌توان در پیوست الف این گزارش با عنوان «رهنمودهای اخلاق پژوهش اینترنتی انجمن پژوهندگان اینترنتی» و در قسمت «پرسش‌های اخلاقی خاص اینترنت» این پیوست ملاحظه نمود. لازم به یادآوری است که پاسخ به این پرسش‌ها باید به رهنمودهای اخلاقی مناسب در پژوهش‌های اینترنتی منجر گردد. جدول ۶-۱ را ملاحظه نمایید.

جدول ۶-۳: مسائل و زمینه‌های اخلاقی در پژوهش‌های اینترنتی								
موضوعات اخلاقی	صحت داده‌ها	وحدانیت داده‌ها	سرفت داده‌های علمی	حریم خصوصی و محرمانگی	ممنوعی و ناشناختگی	جذب مشارکت کنندگان	چالش کارن داده‌ها	
ابزارها و محیط‌های اینترنتی ابزارهای ارتباطی مستقیم (مانند مصاحبه‌های رسمی یا غیررسمی از طریق متن، صدا یا تصویر) همزمان و غیرهمزمان محیط‌های اجتماعی (مانند آرشیوهای اینترنتی با وب‌محور، ابزارهای چت، فروم‌ها، و ...)								
شبکه‌های اجتماعی (مانند لینکدین، فیس‌بوک، توئیتر و ...)								
فضاهای شخصی (مانند وبگاههای شخصی، وبلاگ‌ها، پورتفولیو، و ...)								
فضاهای اجتماعی (مانند فضاهای آراء و محور، جهانهای مجازی، فضاهای بازی آنلاین، و ...)								
خدمات وب تجاری (مانند گوگل، یاهو، بیگ، ام، اس‌ان و ...)								
پایگاه داده‌ها و بانک‌های اطلاعاتی								

۶-۳. چشم‌اندازی برای اخلاق پژوهش اینترنتی

پیدایش و پذیرش اجتماعی وب ۲ به ما اجازه می‌دهد به اخلاق پژوهش اینترنتی، نگاهی دوسویه یا گفت‌وگومحور داشته باشیم. به‌نظر برخی اندیشمندان، وب ۲ مرزهای میان کاربران و تولیدکنندگان وب، مصرف و مشارکت، متخصص و غیرمتخصص، بازی و کار، داده و شبکه، و واقعی و مجازی را محو می‌کند. امروزه، مباحث مرتبط با زیرساخت‌ها و پیامدهای اجتماعی وب ۲، دیدگاه‌ها و ملاحظات فرهنگی قابل‌توجهی را دربارهٔ رسانه‌ها، هویت، و فناوری مطرح کرده است. (Zimmer 2008)

وب ۲ می‌تواند به تقویت رویکردهایی بپردازد که بر اهمیت پرورش امر اخلاقی به عنوان فرآیندی دموکراتیک و از پایین به بالا تأکید می‌کند و نه آنچه از بالا به پایین دیکته می‌شود همچون رویه‌های متعارف در گروه‌ها یا هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش که نوعاً کارکردی مشابه مجریان قانون دارند. اینترنت و قابلیت‌های متعدد آن ابزارها و محیط‌های پژوهشی جدیدی را فراهم کرده‌اند. آنچه متأثر از گسترش اینترنت در حال تغییر است پویایی به‌وجودآمده میان پژوهندگان و سوژه‌های پژوهشی است. فینبرگ و همکارانش (۲۰۰۴) در مقاله‌ای به طرح این پرسش می‌پردازند که «به‌هرحال، چه چیزی سوژه‌ها را رهایی می‌بخشد؟» و این پرسش ما را به تأمل وامی‌دارد، چرا که به‌نظر می‌رسد در پژوهش‌های اینترنتی مرزهای میان پژوهندگان و سوژه‌های انسانی پژوهشی (و به تعبیر مرز میان سوژه‌ها و اُبژه‌ها) پیوسته ممکن است کمرنگ‌تر گردد.

آنچنان که در فصل‌های پیشین نشان داده شد، هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش در سراسر جهان از مسئولیت‌های حقوقی و اخلاقی ویژه و متمایزی برخوردارند، و عمدتاً رویکردهای اخلاقی‌شان مبتنی بر مدلی بالا به پایین بوده است. رویکردهای فلسفی آنها ممکن است به انجام قانون و وظایف بیش از پیامدها

و عواقب آن التفات داشته باشد؛ با توجه به خصوصیات فرهنگی‌شان ممکن است به قاعده‌محوری^۱ بیش از رابطه‌محوری^۲ اهمیت دهند؛ ممکن است در بررسی‌های اخلاقی علوم اجتماعی نسبت به بررسی‌های اخلاقی علوم پزشکی حساسیت کمتری نشان دهند. اما به‌نظر می‌رسد اساساً هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش و رهنمودهای آنها ایستا هستند، حال آنکه مفهوم پژوهش در حال تغییر است. همچنان که شبکه‌های اجتماعی، ویکی‌ها و دیگر امکانات وب ۲ به‌طور مستمر به تغییر تعامل‌های اجتماعی می‌پردازند، مفهوم پژوهش و به‌دنبال آن اخلاق پژوهش نیز دستخوش تغییر و تحول خواهد گردید. پژوهش‌های الکترونیکی یا پژوهش‌های اینترنتی در رشته‌های مختلف علمی و تخصصی گسترش می‌یابند و به همراه آن مرزهای اخلاق پژوهش متحول می‌شوند. برخی اندیشمندان برای توصیف چشم‌اندازی از فرآیندهای اخلاقی دموکراتیک با رویکردی پایین به بالا یا مدل‌های اخلاق مشارکتی، از اصطلاح «اخلاق اُپن-سورس»^۳ استفاده می‌کنند. این چشم‌انداز نوید آینده‌ای مهم در روابط میان پژوهندگان، سیاست‌گزاران، مجریان، و سوژه‌های پژوهیدنی را بشارت می‌دهد. این نکته دارای اهمیت است که اخلاق اُپن-سورس یا مدل اخلاق مشارکتی، یک مدل اخلاقی بالا به پایین، یکتا یا تحت مالکیت وب ۲ نیست. (Buchanan 2011, 102-103)

تاکنون بسیاری از منشورها و رهنمودهای منتسب به هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش، نظیر رهنمودهای اخلاقی انجمن پژوهندگان اینترنتی یا همان AoIR، به‌دور از مدل اخلاق مشارکتی و ورای وب ۱، ۲ و فراتر از آن تهیه و توسعه یافته‌اند. البته AoIR در نسخه ۲۰۱۲ رهنمودهای اخلاقی خود با عنوان «تصمیم‌گیری اخلاقی و پژوهش اینترنتی» هدف روزآمدسازی نسخه ۲۰۰۲ خود را ارائه

^۱ rule-based

^۲ relationship-based

^۳ open-source ethics

رهنمودهایی با رویکرد پایین به بالا معرفی می‌کند؛ یعنی فارغ از فعالیت‌های روزانه پژوهندگان در طیف گسترده‌ای از رشته‌ها، کشورها و متون در مقابل رویکرد بالا به پایین متعارف‌تر که تلاش می‌کند مجموعه فراگیر و جهان‌شمولی از هنجارها، اصول، فعالیت‌ها و مقررات را فراهم کند. در این سند، رویکرد فوق بسیار مهم شمرده می‌شود چرا که هم فعالیت‌های مطرح در پژوهش‌های اینترنتی را توسعه می‌دهد و هم در موقعیت‌های متعددی قابل کاربست‌پذیر است. در نسخه ۲۰۱۲ این سند تأکید می‌شود که بر هیچ مجموعه‌ای از رهنمودها یا قواعد ایستا اصرار نمی‌گردد، چرا که زمینه‌های پژوهش اینترنتی پویا و ناهمگن هستند. در حقیقت نسخه به‌روزشده سند ۲۰۱۲ AoIR، مجموعه‌ای از ملاحظات اخلاقی (و نه کدهای اخلاقی به‌نحوی مصداقی) برای پشتیبانی و آگاهی از مسئولیت‌ها در برابر تصمیم‌گیری‌های مطرح در اخلاق پژوهش اینترنتی معرفی می‌شود.

این در حالی است که مدل اخلاق مشارکتی، قضاوت‌های ذاتاً کثرت‌گرایانه‌ای را بسط و گسترش می‌دهد. از این رو، به نظر می‌رسد مدل اخلاق مشارکتی در پژوهش‌های اینترنتی، هدفی بیش از نسخه ۲۰۱۲ AoIR را دنبال می‌کند. مدل اخلاق مشارکتی را می‌توان در آثار ارسطو و تأکید وی بر پراکسیس^۱ به عنوان قلمرویی در برابر نظریه ملاحظه نمود که پیوسته باید آزموده شود و به‌واسطه آن، در نظریه تجدیدنظر می‌گردد. وب ۲ می‌تواند به عنوان نقطه عطفی در مفهوم پژوهش تلقی شود، آن‌چنان که به‌طور بالقوه ذینفعان را در فرآیند پژوهش وارد کرده تا به‌نحوی خلاقانه و سازنده، مفهوم پژوهش خود را بازتعریف نماید. از این رو، پژوهش در صورتی تحول‌بخش است که اخلاق پژوهش نیز تحول‌بخش شود، چرا که اگر مدل‌های اخلاقی فعلی، ایستا و راکد باقی بماند، پژوهش به‌خودی خود نمی‌تواند تحول‌بخش

¹ praxis

گردد. در نتیجه، اخلاق پژوهش اینترنتی در جهان وب ۲ نیازمند مدل اخلاقی مشارکتی، دموکراتیک، تکثرگرایانه، چندصدایی و در یک کلام اخلاقی تحول‌بخش است.

این چشم‌انداز بدین معنا نیست که پژوهندگان، فعالیت‌های پژوهشی خود را از نظارت و همکاری با هیئت‌های بررسی اخلاق دور نگه دارند، بلکه آنها باید در جهت معرفی و تسهیل شرایط برای ظهور نسل جدیدی از اخلاق پژوهش گام بردارند. از این رو، اگرچه پژوهندگان همچنان پذیرای اصول و نظریه‌های بنیادی اخلاق پژوهش هستند، اما با نگاهی نقّادانه برای شکوفایی و گسترش مدل‌های اخلاقی مشارکتی و تکثرگرایانه نیز همت می‌گمارند. زمان برای اخلاق پژوهش میان‌فرهنگی (به تعبیر رافائل کاپورو ۲۰۰۸) در پوشش اخلاق پژوهش اینترنت مهیاست، چرا که قدرت و ظرفیت‌های اخلاق پژوهش اینترنت ۲ بیش از آن چیزی است که تاکنون تصور می‌گردید. (Buchanan 2011, 102-103)

پیوست الف: رهنمودهای اخلاق پژوهش اینترنتی انجمن پژوهندگان اینترنتی

سند «تصمیم‌گیری اخلاقی و پژوهش اینترنتی ۲۰۱۰: توصیه‌هایی از کارگروه اخلاق AoIR» انجمن پژوهندگان اینترنتی در سال ۲۰۱۲ منتشر شد. محتویات این سند حاصل مطالعات نظری، تجربی و میدانی است که توسط اعضای انجمن پژوهشگران اینترنتی، خصوصاً اعضای کارگروه اخلاق AoIR گردآوری و تدوین شده است.^۱ اولین نسخه این سند در سال ۲۰۰۲، پس از دو سال همکاری بین‌المللی و میان‌رشته‌ای، با همین عنوان منتشر گردیده بود.^۲ این اسناد، به بررسی اجمالی و اولیه‌ای از اخلاق پژوهش در فضای مجازی می‌پردازند. آنها از رویکردی فرآیندی به این مسائل اخلاقی حمایت کرده و بر اهمیت هدایت و حل موضوعات اخلاقی در هر مرحله از طرح پژوهشی تأکید می‌ورزند. در اینجا از رویکردی پایین به بالا و موردمحور در مواجهه با مسائل اخلاقی دفاع می‌شود، آنچنان که باید به دنبال ملاحظات اخلاقی خاص در هر مورد پژوهشی باشیم. از این رو، با تأکید بیشتر بر چنین رویکردی در سند ۲۰۱۲، به جای تجویز مجموعه‌ای از کدها و دستورالعمل‌های فراگیر و جهان‌شمول، در انتهای این سند تعمداً طیف مشخصی از پرسش‌ها پیشنهاد می‌شود که بایستی توسط پژوهندگان اینترنتی به‌طور پیوسته مورد توجه قرار بگیرد. اکنون، با معرفی سند ۲۰۱۲، به مقایسه آن با نسخه ۲۰۰۲ این سند پرداخته و بر تغییر برخی راهبردهای کلیدی آنها تأکید می‌شود.

^۱ این سند از طریق آدرس اینترنتی زیر قابل دسترسی است:

<http://www.aoir.org/reports/ethics2.pdf>

^۲ این سند از طریق آدرس اینترنتی زیر قابل دسترسی است:

<http://www.aoir.org/reports/ethics.pdf>

بررسی اجمالی محتویات دو سند

این دو سند و رهنمودهای آن، برآیند مجموعه گفت‌وگوهای مبسوطی است میان پژوهندگان، اخلاق‌پژوهان، فیلسوفان، و دیگر اعضای جامعه بین‌المللی و میان‌رشته‌ای AoIR درباره موضوعات و چالش‌های اخلاقی مطرح در پژوهش‌های اینترنتی. راهبرد اصلی این اسناد که در نسخه ۲۰۱۲ تبلور و تحقق بیشتری یافته است ارائه و گسترش رهنمودهایی با رویکرد پایین به بالا است؛ بدین معنا که این اسناد در مقابل رویکرد بالا به پایین قرار می‌گیرد، رویکردی که عمدتاً به دنبال گردآوری و تحمیل مجموعه جهان‌شمولی از هنجارها، اصول، فعالیت‌ها و مقررات است. رویکرد پایین به بالا از این جهت دارای اهمیت است که با پذیرش تکثر اخلاقی (و نه نسبی‌گرایی اخلاقی) و تنوع فرهنگی میان جوامع علمی مختلف، دستیابی به اجماع اخلاقی فراگیر در پژوهش‌های اینترنتی را در کشورها و ملیت‌های متعدد مد نظر قرار داده و با بررسی مثال‌ها و موردپژوهی‌های متنوع بیش از آنکه به ارائه کدها و دستورالعمل‌های اخلاقی تأکید بورزد، به دنبال تقویت شهود اخلاقی پژوهندگان اینترنتی و ارائه‌های رهنمودهایی کلی در جهت گسترش استدلال‌های اخلاقی برای ایشان است. پس از انتشار نسخه ۲۰۰۲ این سند، کارگروه اخلاق پژوهش AoIR با توجه به بازخورد گسترده آن در جوامع علمی، از سال ۲۰۰۵ در تلاش بوده است با توجه به شناخت ماهیت و پاسخ به تغییرات مطرح در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و همچنین تحولات مستمری که اخلاق پژوهش اینترنتی را تحت تأثیر قرار داده است، نسخه جدید خود را به نحوی مؤثر و روزآمد ارتقاء بخشد. در ادامه به معرفی فهرست محتویات این دو سند پرداخته می‌شود:

فهرست محتویات نسخه ۲۰۰۲ این سند شامل ۴ بخش اصلی و سه پیوست است: (۱) مخاطب، هدف،

مبانی، و رویکرد؛ (۲) پرسش‌های مطرح در انجام پژوهش‌های اینترنتی (الف- پرسش‌هایی درباره

محل/محیط اینترنت، انتظارات، مؤلفان/سوژه‌ها، و رضایت آگاهانه؛ ب- پرسش‌هایی درباره ملاحظات اصلی اخلاقی و حقوقی؛ ۳) موردپژوهی‌ها؛ ۴) منابع و مراجع؛ ۵) پیوست‌ها (پیوست اول: پروتکل‌های اخلاقی- پرسش‌ها و رهنمودهای تصمیم‌گیری در اخلاق پژوهش اینترنتی؛ پیوست دوم: بحثی درباره تقابل میان رویکردهای فایده‌انگاری و وظیفه‌انگاری به عنوان بازتابی از تقابل میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا در قوانین معطوف به حریم خصوصی و حمایت از مشتری؛ پیوست سوم: نمونه فرم‌های رضایت برای والدین و کودکان مشارکت‌کننده در پژوهش‌های اینترنتی).

در سند ۲۰۰۲، جامعه مخاطبان شامل اخلاق‌پژوهان، پژوهندگان و دانشجویان علوم اجتماعی و انسانی؛ سازمان‌هایی نظیر هیئت‌های اخلاق پژوهش، گروه‌های علمی و پژوهشی در زمینه علوم اجتماعی و انسانی؛ و در نهایت مراکز علمی و پژوهشی همچون دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های در حوزه علوم اجتماعی و انسانی است. هدف این سند گردآوری مجموعه‌ای از توصیه‌ها و رهنمودها برای حمایت و آگاهی از مسئولیت‌های مقتضی در اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی برای انجام فعالیت‌های پژوهشی در فضای مجازی است. در این نسخه بر سه رویکرد تکثرگرایی اخلاقی، آگاهی و تعامل میان‌فرهنگی، و توجه بر رهنمودهای (متکثر) اخلاقی به‌جای دستورالعمل‌های (یکسان) اخلاقی تأکید می‌گردد. بر این اساس اشاره می‌شود که توصیه‌های اخلاقی را نمی‌توان به عنوان قواعدی کلی و اصولی جهان‌شمول در تمامی موقعیت‌ها به‌کار گرفت، چرا که شرایط و مناسبات اخلاقی از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت و متنوع است. این موضوع به معنای پذیرش نسبیت‌گرایی اخلاقی نیست بلکه بیان‌کننده آن است ارزش‌ها و رهنمودهای کلی صرفاً تعیین‌کننده پارامترهایی است که کرانه‌های طیفی از فعالیت‌ها و رفتارهای اخلاقی را فراهم می‌کند. این طیف از رفتار اخلاقی، دربردارنده پاسخ‌های اخلاقی موجّهی است که در برابر

رفتارهای غیراخلاقی معرفی می‌شود. سایر موارد در این سند، صورت کلی و شکل اولیه‌ای از نسخه ۲۰۱۲ را تشکیل می‌دهد، به‌نحوی در نسخه جدید این مفاد با تعاریف مفهومی و جزئیات نظری تدقیق و صراحت بیشتری می‌یابند.

در نسخه ۲۰۱۲ تلاش شده است، تعاریف و مبانی نظری اخلاق پژوهش اینترنتی تا حد امکان تبیین گردد و سپس به معرفی رهنمودها، اصول و رویکردها پرداخته شود. فهرست محتویات این نسخه شامل ۵ بخش اصلی و ۴ پیوست است: ۱) مقدمه و پس‌زمینه (هدف و مخاطب، محدودیت‌ها یا آنچه این سند شامل نمی‌شود، پژوهش اینترنتی چیست)؛ ۲) رهنمودهای اخلاقی عمومی (اصول هدایت‌کننده کلیدی، رهنمودها و نه کدها)؛ ۳) رویکرد فرآیندی به تصمیم‌گیری اخلاقی در پژوهش اینترنتی (تنش‌ها و ملاحظات اصلی، پرسش‌های اخلاقی خاص اینترنت)؛ ۴) نتیجه‌گیری؛ ۵) منابع و مراجع؛ ۶) پیوست‌ها (پیوست اول: چارت ابتکاری پرسش‌های اخلاقی با توجه به نوع داده‌ها و محل؛ پیوست دوم: پرسش‌های متداول؛ پیوست سوم: کتابشناسی منابع، طبقه‌بندی مبتنی بر زمینه‌های موضوعی؛ پیوست چهارم: موردپژوهی‌ها).

سند ۲۰۱۲ شکل توسعه‌یافته‌ای از سند پیشین است که بر هیچ مجموعه‌ای از رهنمودها یا قواعد ایستا تأکید نمی‌ورزد، چرا که زمینه‌های پژوهش اینترنتی را پویا و ناهمگن برمی‌شمرد. در این سند، بسیاری از قواعد خاص در سیاست‌های پژوهشی حاکمیتی و نهادی تکرار نمی‌شود، بلکه آنها صرفاً مستندسازی شده و در دسترس قرار گرفته است. این سند هم‌چنین بهترین فعالیت‌ها و کدهای اخلاقی رشته‌ای خاص را در بر نمی‌گیرد، بلکه به‌دنبال کارکردی در سطح کلان^۱ است. از این رو، اگرچه در اینجا فناوری‌ها و

¹ macro-level

محیط‌های اینترنتی فعلی شناسایی شده است، اما تصدیق می‌گردد که خود این فناوری‌ها به سرعت در حال تغییر هستند. بنابراین، سند مذکور با تأکید بر فرآیندهای تصمیم‌گیری و پرسش‌هایی طراحی شده است که می‌تواند نسبت به محیط‌ها و زمینه‌های فناورانه دائماً در حال تغییر نیز به کار گرفته شود. همچنین اذعان می‌شود که اگرچه تصمیم‌گیری اخلاقی با جهان‌بینی و بینش فرد (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌ها و...)، محیط علمی و سیاسی فرد (اهداف)، تعریف مفروضات رشته تخصصی فرد، و مواضع روش‌شناختی فرد درهم تنیده است، اما این سند صرفاً با تمرکز بر اصولی کلی، در بسیاری از مراحل فرآیند پژوهش (از قبیل طرح پژوهش، انجام پژوهش، و محصول و انتشار پژوهش)، با ارائه مثال‌ها و تجزیه و تحلیل‌هایی امکانی، تصمیم‌گیری‌های اخلاقی را برای پژوهندگان تسهیل می‌کند.

تعریف پژوهش‌های اینترنتی

AoIR، اینترنت را پدیده، ابزار و همچنین محلی (یا محیطی) اجتماعی برای پژوهش و تحقیق قلمداد می‌کند. از دیدگاه این انجمن، منوط به نقشی که اینترنت در پروژه‌های تحقیقاتی بازی می‌کند و با توجه به تلقی پژوهندگان از اینترنت و به کارگیری آن در فعالیت‌های پژوهشی، این پدیده از ملاحظات معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و اخلاقی متفاوتی برخوردار خواهد بود. اگرچه اصطلاح «اینترنت» اصالتاً شبکه‌ای از رایانه‌هایی را توصیف می‌کند که انتقال اطلاعات غیرمتمرکز را میسر می‌سازد، اما امروزه فراتر از معنای تخصصی آن، این اصطلاح همچون چتری بر فراز فناوری‌ها، ابزارها، ظرفیت‌ها، کاربردها، و فضاهای اجتماعی متنوعی قرار گرفته است که حول دو محور اطلاعات و ارتباطات در تکاپوست. در این تکاپو مسائل اخلاقی و روش‌شناختی بسیاری رخ می‌دهند که به معنای دقیق کلمه، مدل‌های جدیدی از ارزیابی و ملاحظات اخلاقی را برای پژوهش‌های اینترنتی ضروری می‌نمایند.

برخلاف نسخه ۲۰۰۲، در سند ۲۰۱۲ مفهوم پژوهش‌های اینترنتی از تعریف بسیار گسترده‌ای برخوردار است. اما پیش از معرفی آنها، لازم به توضیح است که پژوهش‌های اینترنتی، وابسته و مختص یک ماشین یا ابزار نیست، بلکه در اینجا تأثیر فناوری‌ها و ابزارهای هوشمند و سیار حول فعالیت‌های اینترنتی بررسی می‌شود. توجه به این نکته مهم است که تعریف‌ها و تجربه‌های ناظر به زمینه‌های تحقیقاتی زیر به‌نحو بسیار گسترده‌ای متغیر است، چرا که همگرایی‌های فناورانه بسیاری از زمینه‌ها و مقوله‌های در حال تحول را به‌نحو شکفت‌انگیزی در هم ادغام می‌کند. در این سند، پژوهش‌های اینترنتی از تعریفی گسترده و هفت‌گانه برخوردار بوده و شامل پژوهش‌های زیر هستند:

(۱) استفاده از اینترنت برای گردآوری داده‌ها یا اطلاعات: مثلاً از طریق مصاحبه‌های آنلاین، پیمایش‌ها،

پرسش‌نامه‌ها، یا مواردی دیگر؛

(۲) مطالعه چگونگی استفاده افراد از اینترنت و دسترسی به آن: مثلاً از طریق گردآوری و مشاهده

فعالیت‌ها یا مشارکت در سایت‌های شبکه‌های اجتماعی، لیست‌سروها، وبگاه‌ها، وبلاگ‌ها، بازی‌ها،

جهان‌های مجازی، یا دیگر محیط‌ها یا محل‌های آنلاین؛

(۳) استفاده یا اشتغال در پردازش داده‌ها، تحلیل یا ذخیره‌سازی پایگاه داده‌ها، بانک داده‌ها، و انبارهای

قابل دسترسی از طریق اینترنت؛

(۴) بررسی نرم‌افزارها و کدهای مرتبط با فناوری‌های اینترنتی؛

(۵) بررسی طراحی یا ساختارهای سیستم‌ها، واسط‌ها، صفحات وب، و مؤلفه‌های اینترنت؛

(۶) استفاده از تحلیل دیداری و نوشتاری، تحلیل نشانه‌شناختی، تحلیل محتوا، یا دیگر روش‌های تحلیل

برای مطالعه تصاویر و نوشته‌های وب یا فراهم‌شده از طریق اینترنت و رسانه‌های مرتبط؛

۷) بررسی تولید، استفاده، و تنظیم مقررات اینترنتی در ابعاد بزرگ مقیاس توسط دولت‌ها، صنایع، شرکت‌ها و نیروهای نظامی و انتظامی.

نگاهی طیفی به تصمیم‌گیری‌های اخلاقی

در نسخه ۲۰۱۲ نسبت به نسخه پیشین، به صراحت و با جزییات کدها و دستورالعمل‌های اخلاقی جهان‌شمول نفی و از ارائه آنها پرهیز شده است. در این سند اذعان شده است که تنگناهای اخلاقی بسیار پیچیده‌اند و به‌ندرت مبتنی بر تصمیمی دو ارزشی هستند. قلمروی خاکستری گسترده‌ای در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی وجود دارد. بیش از یک مجموعه از هنجارها، ارزش‌ها، اصول و رفتارهای معمول می‌تواند برای مشروعیت‌بخشی به مسائل اخلاقی مطرح‌مورد توجه قرار بگیرد. قضاوت کردن درباره‌ی دوراهی‌های اخلاقی دشوار است، خصوصاً وقتی که مجموعه‌ای از تحلیل‌های اخلاقی در برابر مجموعه‌ای دیگر در تعارض قرار می‌گیرد. در اینجا مفاهیم بنیادینی از قبیل زیان، آسیب‌پذیری، احترام به اشخاص، و احسان، اصولی اخلاقی هستند که پیوسته باید مبنای پژوهشی اخلاقی قرار بگیرند. این اصول باید در سراسر هر مرحله از پژوهش ارزیابی و مورد توجه قرار داده شود. در تحلیل‌های اخلاقی، داوری‌ها و قضاوت‌های متعدد امکان‌پذیر است و تشکیک و عدم قطعیت بخش جدایی‌ناپذیری از این فرآیند است.

AoIR به‌جای کد رفتاری^۱ از رهنمودهای اخلاقی^۲ حمایت می‌کند تا پژوهش اخلاقی موضوعی (۱) انعطاف‌پذیر، (۲) پذیرای زمینه‌های متنوع، و (۳) همواره با تغییر فناوری‌ها همراه گردد. در اینجا، تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی صرفاً تبعیت ساده‌انگارانه از مجموعه قواعد یا کدهایی اخلاقی نیست، بلکه این تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری‌ها وابسته به زمینه‌ها و موقعیت‌های مختلف متکثر و متنوع است. با وجود این،

^۱ code of practice

^۲ ethical guidelines

آنچه دارای اهمیت است ارائه تحلیلی مستدل و اتخاذ تصمیمی موجّه برای دستیابی به فرآیندی اخلاقی است. این تأکید بر رویکرد فرآیندی، مسئولیت پژوهنده را در انجام چنین تحلیل‌ها و تصمیم‌هایی درون زمینه‌ها و موقعیت‌های خاص در طرح‌های پژوهشی متنوع برجسته می‌نماید. از این رو، سند ۲۰۱۲ ابتدا و پیش از هر چیز به این اصول زیربنایی یکسان پایبند است: گفت‌وگو، مورد محوری، تحلیلی قیاسی، و رویکردی فرآیندی به اخلاق.

رویکردی فرآیندی به تصمیم‌گیری اخلاقی در پژوهش اینترنتی

در هر مقطعی از فرآیند یک طرح پژوهشی (برنامه‌ریزی، انجام، نشر و انتشار پژوهش)، موضوعات اخلاقی متفاوتی مطرح می‌شود که نیازمند تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی متعددی است. AoIR با ارائه سه موضوع اصلی در پژوهش‌های اینترنتی به هدایت و راهنمایی پژوهندگان در فرآیند ارزیابی اخلاقی می‌پردازد: (۱) سوژه‌های انسانی، (۲) حریم خصوصی/حریم عمومی، و (۳) داده‌ها/اشخاص.

(۱) **سوژه‌های انسانی:** مفهوم سوژه‌های انسانی نمونه‌ای مناقشه‌برانگیز است که از تنشی دیالکتیکی میان رشته‌های مختلف و حساسیت‌های مرتبط به موقعیت‌ها و زمینه‌های مختلف برخوردار است. اگرچه این اصطلاح در حوزه ملاحظات اخلاقی ناظر به تجربیات پزشکی آغاز گردید، اما همچنان به عنوان موضوعی اخلاقی در مطالعات و تحقیقات اجتماعی نیز ماندگار شده است. امروزه، سوژه‌های انسانی تعاریف دیگری در رشته‌های غیرپزشکی یافته است که لزوماً ناظر به تعامل مستقیم با افراد نیست و می‌تواند ذیل فرآیند تعاملی غیرمستقیم با افراد (مثلاً مطالعه متن‌های انتشاریافته) قرار داده شود. این تعاریف جدید از سوژه‌های انسانی خواسته یا ناخواسته به عنوان معیاری برای ضرورت بررسی اخلاقی، پیش از انجام پژوهش شده است. در پژوهش‌های اینترنتی، مفهوم سنتی سوژه انسانی هرگز برای توصیف

بسیاری از محل‌ها و محیط‌های پژوهشی اینترنتی مناسب نیست. از این رو، گفت‌وگوهای نقادانه متعددی مطرح می‌شود درباره اینکه چه چیزی یک سوژه انسانی را شکل می‌دهد. AoIR تاکید می‌کند اگرچه با تعاریف سنتی این اصطلاح نزد نهادهای نظارتی اخلاق پژوهش همراهی می‌کند، اما از مواضع انتقادی امروزی درباره تعریف سوژه‌های انسانی در پژوهش‌های اینترنتی برای تعریف حد و مرز ملاحظات اخلاقی هر پژوهش نیز حمایت می‌کند.

۲) **حریم عمومی/حریم خصوصی:** تعاریف فردی و فرهنگی و انتظارات از حریم خصوصی مبهم، بحث‌برانگیز و متغیر است. افراد ممکن است در فضاهای عمومی فعالیت کنند، اما ادراکات و انتظاراتی جدی از حریم خصوصی داشته باشند. آنان ممکن است تصدیق کنند که ذات ارتباطات آنان موضوعی عمومی است اما محیط خاصی که در آن ظاهر می‌شود حاکی از حریمی خصوصی افراد است و اینکه آیا دسترسی به اطلاعات حاصل از چنین محیط‌هایی از نظر اخلاقی مشروع است یا خیر. ابزارها و امکانات گردآوری‌کننده داده‌ها یا موتورهای جست‌وجو در اینترنت، اطلاعات مورد گردآوری خود را فراتر از انتظارات اولیه افراد، دسترس‌پذیر می‌کنند. نکته قابل توجه درباره حفظ حریم خصوصی در فضای مجازی آن است که «آنچه افراد درباره حفظ حریم خصوصی، بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند، محدودسازی جریان اطلاعات نیست، بلکه اطمینان از جریان اطلاعات به نحوی مناسب است»^۱. همچنان که در نسخه ۲۰۰۲ رهنمودهای اخلاقی AoIR اشاره شده است، حریم خصوصی مفهومی است که باید با توجه به انتظارات و اجتماعی عمومی حاصل شود. برای انجام پژوهش در نواحی مبهم درون طیف گسترده حریم

¹ Nissenbaum, H. 2010. Privacy in context: Technology, policy, and the integrity of social life. Stanford: Stanford University Press.

عمومی-حریم خصوصی، وقتی هیچ اجماع یا حتی فرضی بر اجماعی عمومی وجود ندارد، مورد توجه قرار دادن آموزه فوق (نقل قول نیزنباوم) برای حفظ حریم خصوصی سودمند است.

۳) داده‌ها (متن)/اشخاص: اینترنت، پرسش اساسی اخلاق پژوهش از شخص‌بودگی^۱ را دشوار

می‌کند. آیا آواتار یک شخص است؟ آیا اطلاعات دیجیتالی فرد، تعیمی از خود اوست؟ در سیستم نظارتی ایالات متحده، عموماً این پرسش مقدماتی مطرح می‌شود: آیا ما در حال کار با سوژه‌های انسانی هستیم یا چیزی جز این؟ اگر اطلاعات به‌طور مستقیم از افراد (مثلاً از طریق تبادل ایمیلی، پیام‌های فوری، یا مصاحبه در جهانی مجازی) گردآوری می‌شود، احتمالاً این سناریوی پژوهشی را به عنوان نمونه‌ای سنتی که سوژه‌ای پژوهیدنی را درگیر می‌کند تعریف می‌کنیم. اما اگر ارتباط میان هدف پژوهش و یکایک سوژه‌های پژوهیدنی به‌تنهایی آنچنان پیوسته و پررنگ نباشد، ممکن است ادعا شود که پژوهنده، سوژه‌های پژوهیدنی خود را آنچنان که به‌طور سنتی متعارف بود، درگیر نمی‌کند و صرفاً اطلاعات این سوژه‌های را در اختیار می‌گیرد. حال پرسش اینجاست که آیا پژوهنده‌ای که با سوژه‌ای پژوهیدنی سروکار دارد متفاوت از پژوهنده‌ای است که با اطلاعات افراد که به سوژه‌ها پیوند شده است سروکار دارد؟ آیا می‌توان سوژه‌ای را فرض نماییم که اطلاعات وی، به‌طور کامل از تمامی پایگاه پاک شده باشد یا پیوند میان هویت و اطلاعات وی کاملاً منقطع شده باشد؟ شواهد قابل توجهی وجود دارد که حتی مجموعه داده‌های ناشناسی که برگرفته از اطلاعات اشخاص است، می‌تواند در بازیابی و شناسایی هویت افراد به‌راحتی به‌کار گرفته شود. پژوهندگان و کارشناسان فناوری به کشمکش با این موضوع ادامه می‌دهند که به‌هنگام تجزیه و تحلیل چنین مجموعه داده‌هایی چگونه و تا چه اندازه می‌توانند سوژه‌های

¹ personhood

پژوهیدنی را مورد حمایت قرار دهند. این ملاحظات از آن جهت دارای اهمیت است که با اصل اخلاقی و مبنایی کمینه‌سازی زیان برای سوژه‌های پژوهیدنی پیوندی ناگسستنی دارد.

مهم‌ترین راهبرد سند ۲۰۱۲: اتخاذ رویکرد اخلاقی پایین به بالا

در ادامه سند ۲۰۱۲ به بحث مختصری درباره مهم‌ترین موضوع این سند پرداخته می‌شود: تنش میان مدل‌های نظارتی بالا به پایین و پایین به بالا یا رویکرد مورد محور. رویکرد مبتنی بر مورد، قدری پیچیده است چرا که ما اکثراً با مجموعه تنش‌های دیگری فراتر از موقعیت‌های خاص پژوهش مورد مطالعه، دست به‌گریبانیم: ملاحظات اخلاقی در برابر ملاحظات حقوقی، «مدل‌های مبتنی بر قاعده» در برابر «مدل‌های مبتنی بر زمینه» در رویکردهای اخلاقی، و تصمیم‌گیری بالا به پایین در برابر تصمیم‌گیری پایین به بالا. به‌هنگام تنش میان ملاحظات مبتنی بر قاعده در برابر ملاحظات مبتنی بر زمینه، ممکن است بررسی این موضوع مفید باشد که اگرچه سنت‌های علمی و رشته‌های تخصصی به فعالیت‌های اخلاقی تشویق می‌کنند، اما آنها هم‌چنین می‌توانند به‌نحوی ناخواسته از کارکردی محدودکننده برای پژوهندگان برخوردار باشند. مواردی از قبیل اظهارنامه‌های جهان‌شمول و تعیین تکلیف‌های پیشینی ناظر به آنچه زیان را شکل می‌دهد و آنچه موجب زیان می‌شود، نمونه‌ای از این محدودیت‌ها هستند. این موضوع اغلب با شناسایی طبقه‌بندی‌های خاصی از اشخاصی که آسیب‌پذیرند، و با یادآوری دریافت رضایت آگاهانه ممکن است چاره‌جویی گردند. البته، در برخی از موقعیت‌های افراطی خاص، اجماع گسترده‌ای وجود خواهد داشت بر اینکه چه کنش‌های خاصی اخلاقی یا غیراخلاقی است. با این حال در این سند یادآوری می‌شود که در عمده موقعیت‌های اجتماعی، مسائلی اخلاقی که پژوهندگان درگیر آن می‌شوند مشکک‌تر و طیفی‌تر از چنین مواردی هستند.

همچنین پژوهندگان بایستی میان ضرورت پیش‌بینی پیامدهای اخلاقی محتمل‌الوقوع و ضرورت پیگیری مستمر موضوعاتی اخلاقی که در طی فرآیند پژوهش مطرح می‌شوند، تعادلی برقرار نمایند. به عنوان مثال، در ایالات متحده عمده پژوهندگان پیش از انجام پژوهش، ملزم به دریافت مجوز از هیئت‌های بررسی اخلاق می‌گردند. پژوهندگان در گسترش تحقیقات خود، درباره مسائل اخلاقی متعددی نیازمند تصمیم‌گیری هستند. با فرض این که سوژه‌های پژوهیدنی تکرارپذیر نیستند و موقعیت‌ها تغییر می‌کنند، جهت تحقیقات می‌تواند تغییر کند. همچنین، تکامل پیوسته فناوری‌ها ممکن است موقعیت‌های اخلاقی را تغییر دهند؛ از این رو، پیش‌بینی مخاطرات مرتبط با یک برنامه پژوهشی می‌تواند دشوار گردد.

در پایان، کارگروه اخلاق AoIR در سند ۲۰۱۲، مجموعه پرسش‌های تفصیلی ذیل را برای تأملاتی عاجل و به منظور تصمیم‌گیری اخلاقی در محدوده‌های معینی از مطالعات پژوهندگان پیشنهاد می‌کند. این مجموعه به عنوان ابزارهایی برای درگیر شدن با فرآیند پژوهش، پیش از آن، در حین کار و پس از آن، در نظر گرفته شده‌اند.

پرسش‌های اخلاقی خاص اینترنت

فهرست زیر با پرسش‌های اصلی رایج در فرآیند یک طرح پژوهشی آغاز می‌شود. پرسش‌های تفصیلی ذیل پرسش‌های اصلی، ملاحظات خاص‌تری را نشان می‌دهد که ناشی از زمینه‌های مرتبط با اینترنت است.

• زمینه چگونه تعریف و مفهوم‌سازی می‌شود؟

O آیا تعریف پژوهش از زمینه با نحوه تعریف آن توسط مالکان، کاربران، یا اعضای که ممکن است آن را

تعریف کنند، مطابقت دارد؟ (پارامترهایی از قبیل فرهنگ، شخص، مجموعه داده‌ها، و متن عمومی هر کدام

انتظارات اخلاقی متفاوتی برای پژوهندگان به دنبال دارند)

۰ آیا میان هنجارهای زمینه‌ای محلی برای چگونگی مفهوم‌سازی و چارچوب‌های قضایی یک محل، اولویت‌هایی وجود دارد (مثلاً، شرایط خدمات، مقرراتی دیگر)؟ برای مثال، اگر شرایط استفاده از خدمات فضا را به عنوان قلمرو ممنوعه برای پژوهندگان تعریف کند، اما افراد تمایل داشته باشند در تحقیقات عمومی این فضا مشارکت کنند، چه مخاطراتی ممکن است برای پژوهندگان یا افراد در پی داشته باشد؟

۰ چه چیزی انتظارات اخلاقی کاربران را به محیطی ضمیمه می‌کند که در آنجا در حال تعامل، خصوصاً حول مسائل حریم خصوصی هستند؟ هم برای مشارکت‌کنندگان فردی و هم برای اجتماع به مثابه یک کل؟

• چگونه زمینه (محیط / مشارکت‌کنندگان / داده‌ها) در دسترس قرار می‌گیرد؟

- ۰ چگونه مشارکت‌کنندگان / مؤلفان در زمینه قرار می‌گیرند؟
- ۰ چگونه مشارکت‌کنندگان / مؤلفان به پژوهنده نزدیک می‌شوند؟
- ۰ چگونه پژوهنده در زمینه قرار می‌گیرد؟
- ۰ اگر دسترسی به زمینه آنلاین به‌طور عمومی قابل دستیابی باشد، آیا اعضا / مشارکت‌کنندگان / مؤلفان این زمینه را عمومی قلمداد می‌کنند؟ ممکن است چه ملاحظات برای «قلمداد کردن حریم خصوصی» یا این مفهوم که افراد ممکن است بیشتر نگران جریان مناسب اطلاعات باشند همچنان که آن را عمومی یا خصوصی تعریف می‌کنیم؟

• چه کسی درگیر این تحقیق می‌شود؟

- ۰ انتظارات اخلاقی اجتماع / مشارکت‌کنندگان / مؤلفان چیست؟
- ۰ موضع اخلاقی پژوهنده چیست؟ (مثلاً، عدم مطابقت میان موضع اخلاقی پژوهنده و موضع اخلاقی اجتماع / مشارکت‌کنندگان / مؤلفان ممکن است پیچیدگی‌هایی را ایجاد کند).
- ۰ سنت‌های اخلاقی در فرهنگ‌ها یا کشورهای پژوهندگان و یا مؤلفان / مشارکت‌کنندگان چیست؟
- ۰ اگر داده‌های تحقیقاتی برای استفاده مجدد در انبارهای ذخیره شود، افراد و اجتماع چگونه بعدها متأثر از آن می‌شوند؟ مثلاً، داده‌های گردآوری‌شده برای یک هدف ممکن است بعدها در جهت هدف متفاوتی مجدداً

مورد استفاده قرار گیرد، اما رابطه پژوهنده با اجتماع به‌خاطر آن داده‌ها دیگر وجود ندارد. به‌خاطر استفاده مجدد و انتشار این اطلاعات ممکن است چه مخاطره یا زبانی فراهم گردد؟

• **هدف اولیه از تحقیق چیست؟**

0 انتظارات اخلاقی متعارف در رابطه با این نوع از داده‌ها چیست؟ (مثلاً، به‌جای کار با داده‌های حاصل از مصاحبه با داده‌هایی گردآوری‌شده‌ای کار کرد که از هویت مصاحبه‌شوندگان آشنایی‌زدایی شده و حامل انتظارات اخلاقی متفاوتی است).

0 آیا هدف از تجزیه و تحلیل، اشخاص و متون را فراتر از پارامترهای آنی برنامه‌ریزی‌شده در پژوهش شامل می‌شود؟ این پیامدهای اخلاقی بالقوه چیست و چگونه می‌تواند هدایت شود؟ (مثلاً، جمع‌آوری داده‌ها از یک وبلاگ غالباً شامل اظهارنظرها است؛ گردآوری داده‌ها از یک جریان رسانه‌های اجتماعی، آشکارسازی پیوندها به افراد یا داده‌ها خارج از قلمرو خاصی از این تحقیق است).

0 اگر اطلاعات را در فرآیند یک تحقیق جمع‌آوری کرد، می‌تواند از طریق جست‌وجوی اینترنتی یا فناوری دیگری به یک فرد پیوند شود، پژوهنده مذکور از چه فرآیندی استفاده خواهد کرد تا تعیین کند که چگونه آن اطلاعات تلقی خواهد شد؟ (مثلاً، بسیاری از مسائل احاطه‌کننده استفاده مسئولانه از تصاویر و ویدئوها). تا چه اندازه ممکن است داده‌ها برای تعیین شخصی و خصوصی بودن، یا عمومی و قابل دسترسی آزادانه بودن برای تجزیه و تحلیل و انتشار مجدد توسط مشارکت‌کنندگان ملاحظه گردند؟

0 چه پرسش‌های دیگری ممکن است به عنوان نتیجه‌ای از زمینه خاصی که در آن، این داده‌ها جمع‌آوری می‌شوند، حاصل گردد؟

• **داده‌ها چگونه مدیریت، ذخیره و بازنمایی می‌شوند؟**

0 برای امنیت و مدیریت داده‌های به‌طور بالقوه حساس از چه روشی باشد استفاده شود؟

0 در طی یا بعد از جمع‌آوری و ذخیره داده‌ها یا تولید گزارش‌ها چه موارد نقض‌کننده پیش‌بینی‌نشده‌ای ممکن

است رخ دهد؟ (مثلاً، اگر یکی از مخاطبان، محتوای حساس عرضه‌شده در یک ارائه تحقیقاتی شخصی را

ضبط و ارسال کند، چه زیان‌هایی ممکن است به‌بار آید؟)

0 اگر پژوهنده‌ای لازم باشد داده‌های تحقیقاتی خود را برای استفاده آتی توسط دیگر پژوهندگان در مخزنی قرار

دهد، ممکن است چه مخاطرات بالقوه‌ای در پی داشته باشد؟ برای تضمین ناشناختگی کافی داده‌ها یا ناپیوندی

(و گسست) این داده‌ها از افراد چه گام‌های باید برداشته شود؟

0 پیامدهای اخلاقی بالقوه در برهنه‌سازی داده‌ها از اطلاعات شخصی قابل‌شناسایی چیست؟

0 حذف اطلاعات گزینشی از مجموعه داده‌هایی که پدیده‌ای را تحریف کرده است به‌طوری که اطلاعات

مذکور نمایش‌دهنده پدیده مورد نظر نیست، چگونه میسر می‌شود؟

0 اگر فناوری‌های آینده (همچون تجزیه و تحلیل خودکار^۱ متنی^۱ یا نرم‌افزار تشخیص چهره^۲) برهنه‌سازی

اطلاعات شخصی قابل‌شناسایی از مجموعه داده‌های موجود در انبار را ناممکن نماید، برای افراد چه مخاطرات

بالقوه‌ای می‌تواند در پی داشته باشد؟ این مسئله می‌تواند توسط پژوهنده اولیه و گردآورنده اصلی حل و فصل

گردد؟ در صورت امکان، چگونه؟ این مسئله چگونه پژوهندگان بعدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و داده‌های

آن را مدیریت می‌کند؟

• چگونه متون / اشخاص / داده‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرند؟

0 آیا روش تجزیه و تحلیل پژوهنده نیازمند نقل قول دقیق است و در این صورت به‌طور آنی و در بلند مدت، چه

پیامدهای اخلاقی در پی دارد؟ (مثلاً، آیا نقل قول مستقیم از یک وبلاگ باعث زیان‌بخشی به مؤلف وبلاگ

می‌گردد و در این صورت آیا روش بازنمایی دیگری می‌تواند این مخاطره را کمتر نماید؟)

0 انتظارات اخلاقی از اجتماع تحقیقاتی مربوط به یک رویکردی خاص (مثلاً، قوم‌شناختی، پیمایشی، تحلیل

زبانی) چیست؟

¹ automated textual analysis

² facial recognition software

0 آیا رشته علمی پژوهنده در جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، یا بازنمایی اطلاعات با شرایط خاص زمینه تلاقی جدی می‌یابد؟ در این صورت، چه پیامدهای اخلاقی بالقوه‌ای به دنبال دارد؟

• چگونه یافته‌ها ارائه می‌شوند؟

0 در صورت استفاده از محتوای مبتنی بر نقل قول دقیق در گزارش انتشار یافته، چه مخاطره آنی یا آتی روی می‌دهد؟ (مثلاً، اگر چه ممکن است مشارکت‌کننده به حساسیت فعلی اطلاعات خود نیاورد، اما امکان این موضوع در پنج سال آینده دستخوش تغییر گردد. چه حمایت‌هایی می‌تواند برای پیش‌بینی تغییر شرایط در نظر گرفته شود؟)

0 آیا افراد به قدر کافی در گزارش‌های پیش از انتشار (از قبیل کارگاه‌ها، کنفرانس‌ها، یا ملاقات‌های غیررسمی) مورد حمایت قرار می‌گیرند؟

0 آیا محتویات به‌خاطر اعمال قانون کپی‌رایت می‌تواند محدود شود؟ (مثلاً، در بسیاری از کشورها محدودیت‌هایی جدی برای استفاده از تصاویر برگرفته از وبگاه‌ها بدون اجازه مالکان آنها در نظر گرفته می‌شود. وبگاه‌های به‌طور مشخص در شرایط ارائه خدمات محدودیت‌هایی را در این زمینه اعمال می‌کنند. در حالی که ممکن است کمک‌هزینه‌هایی برای استفاده‌های پژوهشی از محتویات تحت قانون کپی‌رایت بدون اجازه در نظر گرفته شود، همچون قانون استفاده منصفانه در ایالات متحده، اما باز هم این موضوع تضمین حمایت در برابر نقض قانون کپی‌رایت شناخته نمی‌شود).

• زیان‌ها یا مخاطرات بالقوه مرتبط با چنین تحقیقاتی چیست؟

0 چه زیان‌ها یا مخاطرات بالقوه‌ای برای افراد، برای اجتماعات آنلاین، برای پژوهندگان، و برای تحقیق می‌توان متصور بود؟

0 آیا ارزیابی مخاطرات در حین تحقیق و همچنین در پیشبرد تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرد؟ (به نظر می‌رسد زیان تنها پس از آن که رخ می‌دهد مشخص می‌شود. از این رو، ارزیابی پیشینی از مخاطرات ممکن است سودمند اما نابسند باشد).

۰ چگونه مفاهیم «آسیب‌پذیری» و «زیان» در تحقیق، تعریف و عملیاتی می‌شوند؟ چگونه مخاطرات نسبت به

اجتماع/ مؤلف/ مشارکت‌کننده ارزیابی می‌شود؟

۰ چگونه آسیب‌پذیری در زمینه‌هایی که این طبقه‌بندی نمی‌تواند آشکار نماید، تعیین می‌شود؟

۰ آیا عدم تطابق در تعریف «زیان» یا «آسیب‌پذیری» میان پژوهنده و اجتماع/ مشارکت‌کننده/ مؤلف منجر به

چالشی اخلاقی می‌شود؟ در این صورت، چگونه این موضوع قابل حل است؟

۰ چه زیان‌هایی از سوی پژوهنده (نسب به زندگی، مقام، و شهرت افراد) می‌تواند رخ دهد؟ (مثلاً، آیا تحقیقات

می‌تواند منجر به از دست دادن شغل یا مجازات کیفری و مدنی فرد مورد تحقیق شود؟)

۰ چه زیان‌هایی ممکن است به حریم خصوصی وارد شود؟ مثلاً، آیا ممکن است به‌خاطر حضور پژوهندگان،

گروه‌های آنلاین منحل شوند یا افراد استفاده از گروه‌های حمایتی آنلاین را متوقف کنند یا از فعالیت‌های

وبلاگی خود دست بردارند؟ آیا ممکن است افراد از این که حریم خصوصی قابل درکشان نقض شده است،

مضطرب گردند؟ آیا ممکن است افراد به ناشناخته ماندن نوشته‌ها یا صحبت‌هایشان اعتراض کنند و شناخته شدن

و عمومی گردیدن در نتایج انتشار یافته را ترجیح بدهند؟

۰ فراتر از پژوهنده، چه کسی یا چه چیزی می‌تواند موجب زیان به مؤلف/ مشارکت‌کننده گردد؟

۰ آیا به‌گونه‌ای عمل می‌کنیم که مخاطره کمینه شود؟

۰ آیا تحقیق مان به‌قدر کافی از پژوهنده به همان اندازه اجتماع/ مؤلف/ مشارکت‌کننده حمایت می‌کند؟

• مزایا یا منافع بالقوه مرتبط با چنین تحقیقاتی چیست؟

۰ چه کسی از این تحقیق منفعت می‌برد؟ آیا مشارکت‌کنندگان از این دسته‌اند؟ اگر نه، چه منافع بزرگ‌تری این

مخاطرات بالقوه را توجیه می‌کند؟

۰ آیا تحقیق مذکور، هدف خیر یا هدف مطلوب را مد نظر قرار داده است؟

۰ آیا می‌توان مطمئن بود که داده‌های جمع‌آوری شده از وبگاه‌ها، اجتماعات، فروم‌ها و... آنلاین به‌لحاظ حقوقی

«مشروع» و به‌لحاظ اخلاقی «با ارزش» هستند؟

- چگونه می‌توانیم خودمختاری و استقلال دیگران را به رسمیت بشناسیم و تصدیق کنیم که آنان نسبت به ما از

ارزشی برابر برخوردارند و از این رو باید ملاک عمل قرار بگیرد؟

0 آیا دریافت رضایت آگاهانه از مشارکت کنندگان لازم است؟

0 اگر چنین است، از چه روال‌هایی برای احراز رضایت باید تبعیت شود؟ (مثلاً، امضاهای چاپی یا دیجیتالی،

نشانه‌های رضایت اینترنتی، کلیک کردن بر روی کلیدها یا صرفنظر از رضایت مستند)

0 آیا رضایت صرفاً از افراد یا اجتماعات و مدیران سیستم‌های آنلاین احراز می‌شود؟

0 در موقعیت‌هایی که به موجب آن، رضایت محرز است اما نوشتن رضایت آگاهانه میسر نیست (یا با معیارهای

قانونی، غیرعملی است) یا به‌طور بالقوه زیان‌بار است، آیا روال‌ها و شرایط قایل اصلاح است؟

0 برای درخواست رضایت یا از طریق فرآیند درخواست رضایت چه زیانی ممکن است به‌بار آید؟

0 اگر رضایت آگاهانه احراز نشود چه ملاحظات اخلاقی به‌دنبال خواهد داشت؟

0 اگر یک هیئت بازبینی اخلاق، ضرورتی را برای دریافت رضایت متصور نباشد، آیا پژوهنده همچنان بایستی

به‌نحوی غیررسمی به‌دنبال کسب رضایت از سوژه/ مشارکت‌کننده باشد؟

0 اگر کسب رضایت آگاهانه ضروری باشد، پژوهنده چگونه صحت آگاهانه بودن رضایت مشارکت‌کنندگان را

تضمین می‌کند؟

- چه مسائل خاصی ممکن است حول اشخاص زیر سن قانونی یا اشخاص آسیب‌پذیر روی دهد؟

0 آیا اشخاص زیر سن قانونی به‌خاطر مشکلات ناشی از کسب اجازه اخلاقی برای تحقیق، از مشارکت در

تحقیقات معاف می‌شوند؟

0 در موقعیت‌هایی که تعیین هویت، سن، و توانایی برای مشارکت ناشناخته و مخفی، و زیان نمی‌تواند به عنوان

یک مقوله‌ای از پیش مشخص و مبتنی بر آسیب‌پذیری آشکار مشارکت‌کننده تعیین شود، چگونه در تحقیق،

زیان به عنوان یک نگرانی اخلاقی قابل بررسی و قابل اجرا است؟

0 در زمینه‌هایی که نیازی به اطلاعات دموگرافیک نیست، اشخاص زیر سن قانونی چگونه قابل شناسایی هستند؟

درخواست یا عدم درخواست افشای سن مشارکت‌کنندگان ممکن است چه زیانی به دنبال داشته باشد؟

0 افزون بر کسب رضایت مقررات مورد نیاز تحقیق، چگونه رضایت والدین یا قیم احراز شود؟ در این فرآیند

رضایت خاص چه مخاطراتی را می‌توان تصور نمود؟ (برای هر یک یا تمامی افراد؛ اشخاص زیر سن قانونی،

والدین، و پژوهنده)

پیوست ب: منشور اخلاق پژوهش اینترنتی دانشگاه‌های ایالتی پنسیلوانیا و جورجیا

منبع اصلی این رهنمود اخلاقی توسط هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا و دانشگاه جورجیا تهیه و تدوین و در تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۰۷ تأیید و ابلاغ گردید. این رهنمود توسط هیئت بررسی اخلاق دانشگاه کانکتیکات مورد تأیید و پذیرش قرار گرفت. همچنین هیئت بررسی اخلاق دانشگاه لویولا شیکاگو با اضافه نمودن برخی جزئیات آن را تأیید و حمایت نمود.^۱

رهنمودهایی برای پژوهش‌های مبتنی بر اینترنت و رایانه

برای مشارکت‌کنندگان انسانی.^۲

روش‌های مبتنی بر اینترنت و رایانه در گردآوری، ذخیره‌سازی، بهره‌برداری، و انتقال داده‌ها در تحقیقات معطوف به مشارکت‌کنندگان انسانی به سرعت در حال گسترش است. به‌طوری که این روش‌های جدید در تحقیقات علوم اجتماعی و روان‌شناختی توسعه بیشتری یافته‌اند و چالش‌های تازه‌ای در برابر حمایت از مشارکت‌کنندگان در پژوهش‌ها ایجاد کرده‌اند. هیئت بررسی اخلاق پژوهش عقیده دارد که پروتکل‌های پژوهش‌های اینترنتی و رایانه‌ای باید به‌طور اساسی به مخاطرات مشابه با دیگر پژوهش‌ها (نظیر تجاوز به حریم خصوصی، مخاطرات حقوقی، اضطراب‌های روان‌شناختی) پردازد و سطح مشابهی از حمایت‌ها در دیگر تحقیقات درگیر با مشارکت‌کنندگان انسانی را فراهم کند. تمامی تحقیقات دربردارنده استفاده از فناوری‌های رایانه‌ای و اینترنت باید: الف) فرآیند مورد نیاز برای تحقق اصول مشارکت داوطلبانه و

^۱ این سند از طریق آدرس اینترنتی زیر قابل دسترسی است:

<https://www.research.psu.edu/irb/policies/guideline10>

^۲ IRB GUIDELINE X: Guidelines for Computer- and Internet-Based Research Involving Human Participants

رضایت آگاهانه سوژه‌های پژوهشی را تضمین نماید، ب) محرمانگی اطلاعات به‌دست‌آمده درباره سوژه‌های پژوهشی را حفظ کند، و ج) مخاطرات محتمل نسبت به سوژه‌های پژوهشی شامل اضطراب‌های روان‌شناختی و دیگر مخاطرات مرتبط را تا حد امکان معرفی نماید.

همزمان، هیئت بررسی اخلاق پژوهش تصدیق می‌کند که مسائل مطرح در پژوهش‌های رایانه‌ای و اینترنتی، مسائل و موضوعاتی منحصر به فردی بازتاب می‌دهد که درگیر حمایت از مشارکت‌کنندگان انسانی می‌گردد. همچنین هیئت بررسی اخلاق پژوهش تصدیق می‌کند که فناوری‌های رایانه‌ای و اینترنتی به‌سرعت در حال گسترش هستند و این پیشرفت‌ها می‌تواند محملی برای چالش‌هایی جدید در حمایت از مشارکت‌کنندگان انسانی در تحقیقات قرار بگیرد. از این رو، هم هیئت بررسی اخلاق پژوهش و هم پژوهندگانی که از این فناوری‌های جدید استفاده می‌کنند باید تمامی تلاش و کوشش خود را برای بررسی و هدایت این مسائل، موضوعات و مخاطرات نوظهور در سال‌های آتی به کار بگیرند.

هدف از این رهنمودها کمک به محققان برای برنامه‌ریزی، طراحی و پیاده‌سازی پروتکل‌هایی برای پژوهش‌های رایانه‌ای و اینترنتی است که سطح مشابهی برای حمایت از مشارکت‌کنندگان انسانی را همچون روش‌شناسی‌های پژوهش‌های سنتی فراهم می‌کند. این رهنمودها متضمن بایسته‌ها و توصیه‌هایی است که سازگار با اصول اساسی هیئت بررسی اخلاق پژوهش و مورد استفاده در تمامی پژوهش‌های درگیر با مشارکت‌کنندگان انسانی است.

بایسته‌ها

۱) فرآیندهای مبتنی بر رایانه و اینترنت برای اعلان و جذب مشارکت‌کنندگان پژوهیدنی بالقوه (همچون اعلان اینترنتی، درخواست ایمیلی، آگهی‌های بنری) باید از رهنمودهای هیئت بررسی اخلاق

پژوهش در جذب مشارکت کنندگان تبعیت کند؛ رهنمودهایی که نسبت به هر رسانه سنتی اعمال می‌شود، رسانه‌هایی از قبیل روزنامه و تابلوهای اعلانات.

۲) به پژوهندگان توصیه می‌شود که مطابق برخی سیاست‌های دانشگاهی، ایمیل‌های گروهی ناخواسته به استادان، کارمندان و دانشجویان ممنوع است. جذب مشارکت کنندگان در پژوهش از طریق ایمیل‌های گروهی ناخواسته (اسپم یا هرزنامه) برخلاف سیاست‌های دانشگاه است. موارد مستثنی از این سیاست‌ها به صورت موردی قابل بررسی است.

۳) به پژوهندگان توصیه می‌شود که مسئله احراز هویت (یعنی مدرک تحصیلی یا شناسایی مناسب پاسخ‌دهندگان) در پژوهش‌های رایانه‌ای یا اینترنتی یکی از چالش‌های جدی است چرا که هم درستی نمونه‌های تحقیق و هم اعتبار نتایج تحقیق را تهدید می‌کند. به پژوهندگان توصیه می‌شود که مراحل را برای احراز هویت مشارکت کنندگان در نظر بگیرند. مثلاً، پژوهندگان می‌توانند مطالعه هر مشارکت کننده‌ای را به همراه کد ملی ارائه نمایند تا پس از احراز هویت به گردآوری داده‌های مبتنی بر رایانه یا اینترنت اقدام شود.

گردآوری داده‌ها

۱) به طور جدی توصیه می‌شود که هر داده گردآوری شده از مشارکت کنندگان انسانی از روی شبکه‌های رایانه‌ای در فرمتی رمزگذاری شده منتقل شود. این کار کمک می‌کند تا مطمئن شویم که هر داده گردآوری شده در طی انتقال نتواند رمزگشایی شود و همچنین پاسخ افراد نتواند به ردیابی فرد پاسخ‌دهنده منجر شود.

۲) توصیه می‌شود که از بالاترین سطح رمزگذاری داده‌ها در محدوده دسترس‌پذیری و امکان‌سنجی استفاده شود. این موضوع می‌تواند مستلزم آن باشد که مشارکت‌کنندگان مورد مطالعه به استفاده از نوع یا نسخه خاصی از نرم‌افزار پویشگر تشویق یا نیازمند گردند.

۳) به پژوهندگان هشدار داده می‌شود که استانداردهای رمزگذاری از کشوری به کشوری دیگر مختلف است و با توجه به صادرات نرم‌افزارهای رمزگذاری ویژه، خارج از مرزهای ایالات متحده محدودیت‌هایی حقوقی وجود دارد.

مدیریت سرور

۱) توصیه می‌شود که برای گردآوری داده‌های آنلاین از یک سرور ممیزی تحت مدیریت و حرفه‌ای استفاده شود.

۲) اگر پژوهندگان برای گردآوری یا ذخیره‌سازی داده‌ها از یک سرور جداگانه استفاده می‌کنند، هیئت بررسی اخلاق پژوهش توصیه می‌کند:

الف) سرور توسط یک شخص آموزش‌دیده حرفه‌ای و متخصص در امنیت رایانه و اینترنت مدیریت شود.

ب) دسترسی به سرور به افراد کلیدی پروژه محدود شود.

ج) بازرسی‌های امنیتی زمانبندی شده به‌طور مکرر و منظم از سرور صورت پذیرد.

ذخیره‌سازی/دسترس‌پذیری داده‌ها

۱) اگر سروری برای ذخیره‌سازی داده‌ها استفاده می‌شود، اطلاعات تعیین هویت افراد باید جدا از این

داده‌ها نگهداری شود، و داده‌ها باید در فرمت رمزگذاری شده ذخیره شود.

۲) توصیه می‌شود که فایل‌های پشتیبان داده‌ها در محلی امن ذخیره شود، نظیر اتاق داده‌های امن که از نظر محیطی کنترل‌شده و با دسترسی محدود است.

۳) توصیه می‌شود که سرویس‌های انهدام داده‌های باارزش^۱ استفاده شود تا اطمینان حاصل شود که امکان بازیابی هیچ داده‌ای از رسانه‌های الکترونیکی منسوخ میسر نیست.

فرآیند رضایت آگاهانه در پژوهش‌های اینترنتی

معمولاً برای پیمایش‌های اینترنتی مناسب است از رضایت آگاهانه ضمنی استفاده شود. اگرچه لازم است مشارکت‌کنندگان با این رضایت آگاهانه در پژوهش شرکت نمایند، اما از این موضوع آگاهی می‌یابند که رضایت آنان با ارسال پیمایش تکمیل‌شده به‌طور ضمنی صورت می‌پذیرد.

۱) پیمایش‌های اینترنتی می‌تواند شامل گزینه‌های «موافقم» یا «موافق نیستم» بر روی وبگاه‌ها به‌گونه‌ای قرار بگیرد که مشارکت‌کنندگان در تحقیق با کلیک کردن بر آنها رضایت یا عدم رضایت خود برای مشارکت در پژوهش را اعلام نمایند.

۲) اگر هیئت بررسی اخلاق پژوهش تعیین کند که نوع خاصی از رضایت مستند لازم است، فرم رضایت ممکن است برای مشارکت‌کننده به‌صورتی پستی یا پست الکترونیکی ارسال شود و وی می‌تواند آن را امضاء کرده و از طریق دورنگار یا نامه پستی پاسخ دهد.

۳) پژوهندگان مشغول به تحقیقات مبتنی بر وب باید دقت نمایند که تضمینی برای (حفظ) محرمانگی و گمنامی وجود ندارد، چرا که امنیت نقل و انتقال‌های آنلاین، موضوعی مورد بحث است. معمولاً توضیح (این موضوع) در فرم رضایت آگاهانه برای اشاره به این محدودیت‌ها دربارهٔ محرمانگی لازم است. این

¹ competent data destruction services

توضیح ممکن به صورت ذیل استفاده شود: «محرمانگی شما تا حد امکان توسط فناوری مورد استفاده، حفظ می‌شود. اما با توجه به رهگیری داده‌های ارسالی از طریق اینترنت هیچ تضمینی [کاملی] میسر نیست».

منابع و مراجع

- اردشیرلاریجانی، محمدباقر. و فرزانه زاهدی. ۱۳۸۵. نظری بر کمیته های اخلاق در پژوهش در جهان و ایران. دوماهنامه مجله دیابت و متابولیسم ایران. تابستان ۱۳۸۵، صص ۲۸۱-۲۹۷.
- ثقه الاسلامی، علیرضا. ۱۳۹۱. «درآمدی بر اخلاق پژوهش در فضای مجازی». اخلاق پژوهش: مبانی و مسائل. به کوشش محسن جوادی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. صص ۱۷۱-۲۵۰.
- خالقی، نرگس. ۱۳۸۷. اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی. فصل نامه اخلاق در علوم و فناوری. سال سوم. شماره های ۱ و ۲، ۱۳۸۷، صص ۸۳-۹۲.
- خداپرست، امیرحسین.، آزاده عبدالله زاده، و محمد راسخ. ۱۳۸۶. بررسی انتقادی راهنماهای ششگانه اخلاق در پژوهش ایران. فصل نامه باروری و ناباروری. زمستان ۱۳۸۶، صص ۳۶۵-۳۷۹.
- شامو، عادل. و دیوید رزینیک. ۲۰۱۵. جایگاه اخلاق در پژوهش عملی. ترجمه عباس کاردان. ۱۳۹۴. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شیخ رضایی، حسین. و امیراحسان کرباسی زاده. ۱۳۹۱. آشنایی با فلسفه علم. تهران: انتشارات هرمس.
- عباسیان، زهره و رجب زاده عصارها، امیرحسین. ۱۳۹۴. سرقت علمی چیست. بازایی ۲۰ مهر ۱۳۹۵. از <http://www.samimnoor.ir/view/fa/ArticleView?itemId=14>
- کیزا، جوزف میگا. ۲۰۰۷. مسائل اخلاقی و اجتماعی در عصر اطلاعات. ترجمه رضا بخشایش. ۱۳۹۲. قم: دانشگاه قم به سفارش شورای عالی اطلاع رسانی.
- نورمحمدی، حمزه علی. ۱۳۹۳. سرقت علمی: مصادیق و راهکارها. کتاب ماه کلیات. سال هفدهم. شماره ۱۹۷. اردیبهشت ۱۳۹۳، صص ۹-۶.
- نیزناوم، هلن. ۱۹۹۹. «مفهوم ناشناختگی در عصر اطلاعات». چالش های اخلاقی در عصر اطلاعات: جستارهایی در اخلاق اطلاعات. ترجمه علیرضا ثقه الاسلامی. ۱۳۸۸. تهران: نشر چاپار. صص ۱۳۱-۱۴۸.

- [OHRP] U.S Department of Health and Human Services. 2008. Office for Human Research Protections.
- AoIR Ethical Decision-Making and Internet Research*. 2002. Recommendations from the AoIR Ethics Working Committee (Version 1.0). Available at: <http://aoir.org/reports/ethics.pdf>. Accessed: 11 June. 2016.
- AoIR Ethical Decision-Making and Internet Research*. 2012. Recommendations from the AoIR Ethics Working Committee (Version 2.0). Available at: <http://aoir.org/reports/ethics2.pdf>. Accessed: 11 June. 2016.
- Brothers, K. & E. Clayton. 2010. Human non-subjects research: privacy and compliance. *American Journal of Bioethics*. 10(9):15–17.
- Buchanan E. A. 2011. Internet Research Ethics: Past, Present, and Future. In *The Handbook of Internet Studies*. Consalvo, Mia. and Ess, Charles. (eds.). Blackwell Publishing.
- Buchanan, Elizabeth A. & Zimmer, Michael. 2012. Internet Research Ethics. In *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Available at: <http://plato.stanford.edu/entries/ethics-internet-research/>. Accessed: 11 June. 2016.
- Capurro, R. 2008. Intercultural information ethics. In E. Buchanan & K. Henderson (eds.), *Cases in Library and Information Science Ethics* (pp. 118–36). Jefferson: McFarland.
- Carpenter, K., & D. Dittrich. 2011. Bridging the Distance: Removing the Technology Buffer and Seeking Consistent Ethical Analysis in Computer Security Research. In *1st International Digital Ethics Symposium*. Loyola University Chicago Center for Digital Ethics and Policy.
- Feenberg, A., Bakardjieva M., & Goldie, J. 2004. User-centered Internet research: The ethical challenge. In E. Buchanan (ed.), *Readings in Virtual Research Ethics: Issues and Controversies* (pp. 338–350). Hershey, PA: Idea Group.
- Frankel, M. S. & Siang, S. 1999. Ethical and legal aspects of human subjects research on the Internet. Available at:

- <http://www.aaas.org/sites/default/files/migrate/uploads/report2.pdf>. Accessed: 11 June. 2016.
- Gwinner, C. 2008. Protecting Survey Data Integrity: Best Practices for Online Research. Available at: <http://www.infosurv.com/wp-content/uploads/Protecting-Survey-Data-Integrity-Best-Practices-for-Online-Research.pdf>. Accessed: 5 December. 2016.
- IRB GUIDELINE X: Guidelines for Computer- and Internet-Based Research Involving Human Participants. 2007. Available at: <https://www.research.psu.edu/irb/policies/guideline10>. Accessed: 11 June. 2016.
- Israel, M. & Hay, I. 2006. Research Ethics for Social Scientists. London: Sage.
- King, S. 1996. Researching Internet Communities: Proposed Ethical Guidelines for the Reporting of Results. *The Information Society*. 12(2): 119–128.
- Maczewski, M., Storey, M. & Hoskins, M. 2004. *Conducting Congruent, Ethical, Qualitative Research in Internet-Mediated Research Environments*. In E. Buchanan (ed.), *Readings in Virtual Research Ethics: Issues and Controversies*. Information Science Publishing. pp 62-78.
- Odwazny, L. & E. Buchanan. 2011. Ethical and Regulatory Issues in Internet Research. Advancing Ethical Research Conference, PRIM&R, MD: National Harbor.
- Porr W. B. & Ployhart, R. E. 2004. *Organizational Research Over the Internet: Ethical Challenges and Opportunities*. In Buchanan, E. A., *Readings in Virtual Research Ethics: Issues and Controversies*. Information Science Publishing. pp 130-154.
- Wiles, Rose. 2013. What are Qualitative Research Ethics? Bloomsbury Publishing.
- Zimmer, M. 2008. Preface: critical perspectives on Web 2.0 *First Monday*, 13(3). Available at: <http://www.uic.edu/htbin/cgiwrap/bin/ojs/index.php/fm/article/view/2137/1943>. Accessed: 11 June. 2016.

Abstract

The develop of virtual space and application of internet as a worldwide research laboratory for research works leads to arise emerging ethical issues and problems. The early using internet to realize research goals, there seems often the applicable traditional research methods and methodologies to research in physical world are somewhat similar in the virtual world. But gradually some of researchers inform that sometimes the problems and issues of internet research are qualitatively difference of the research problems and issues in physical world. Internet research ethics as a subset of applied ethics goes across research ethics and information (technology) ethics. The purpose of the field has been defined studying and applying some of ethical considerations to realize research works in cyberspace, espitally according to research human subjects. The research project is focused on collecting some of theories and concepts and analyzing current ethical issiuese and problems of internet research. Thus, the research project achievements as follows: to recognize and evaluate foundations, conceps, and typical theories in this field; to prepare some of standard ethical problems, issues, and challenges in this field; and to define an appropriate conceptual framework to develop internet research ethics. The research project is studied to follwe a descriptive approach and based on a content analysis method. Acoording to the research method, there are endeavored to study some of technical, original, and updated resources and refrences, so there are explained and educed the ethical consepts, issuese, and guidelines in the internet research.

Keywords: anonymity; data property; informed consent; internet research ethics; privacy; participant recruitment; research human subjects.



Iranian Research for Information Science and Technology (IranDoc)

Research Project

**Studying and Explanation of the
Concepts, Issues, and Proposed
Guidelines on Research Ethics in
Cyberspace**

By:

Alireza Seghatoleslami

December 2016